

کتاب مستطاب ایقان

"مقصود از تلاوت کتب و قرائت صحف در هر عصری ادراک معانی آن و بلوغ به معارج اسرار آن بوده و الا تلاوت بی معرفت را البته فائده کلی نباشد."

(ایقان مبارک - ص ۱۳۳)

"فهم کلمات الهیه و درک بیانات حمایات معنویه هیچ دخلی به علم ظاهری ندارد. این منوط به صفای قلب و ترکیه نفوس و تراشت روح است. پنهانی حال عبادی موجودند که حرفی از رسوم علم ندیده اند و بر حرف علم جالسند و از سحاب فیض الهی ریاض قلوبشان به گلهای حکمت و لاله های معرفت ترنین یافته. فطوبی للمخلصین من انوار یوم عظیم."

(ایقان مبارک - ص ۱۶۳)

"باری در جمیع این وقایع حادثه و حکایات وارده تفکر فرمائید تا بر عظمت امر و بزرگی آن مطلع گردید تا به عنایت رحمن، روح اطمینان در وجود دمیده شود و بر سریر ایقان، مسأریح و جالس شوید."

(ایقان مبارک - ص ۱۸۴)

"جوانان بهائی بایستی بر متون کتبی از قبیل قرن بدیع، ایقان، گلچین آثار مبارکه حضرت بهاء الله، مطالع الانوار، مفاوضات و الواح مبارکه ای که از اهمیت بیشتری برخوردارند تبصر و تسلط حاصل نمایند..."

(راهنمای جوانان - ص ۱۳)

دوستان عزیز، با تقدیم صمیمانه‌ترین اُشواق قلبیه، حضور شما طالبان علوم و معارف الهی و بااستمداد از تأییدات ایزد تعالی، نخستین درس از مجموعه، دروس برنامه، کتابخوانی را آغاز می‌نماییم.

مطمئناً پس از زیارت نصوص مبارکه که زینت بخش این اوراق گردیده، دیگر نیازی نیست که درباره انگیزه و هدف مطالعه، این کتاب گرانقدر و اهمیت و ضرورت آشنایی با این سفری همنا کلامی گفته یا نوشته شود. تأکیدات مکرره هیاکل مقدسه، امر بهائی و معهداعلی، همواره این بوده که یاران در بحر آثار، مستغرق گردند تا خود به کشف و استخراج لالی معارف الهی موفق گردند و علاقه و بردرک و فهم حقایق متعالی مُندمج در متون آثار الهی از نفس فعالیت و جستجویی که شخصاً انجام می‌دهند، محفوظ گردند و بدین طریق، حظ مضاعف برند.

در این میان، معلّم و جزوه، راهنمای مطالعه، نقش و وظیفه‌ای فراتر از هدایت و تسهیل جریان مطالعه و یادگیری ندارند و اگر بتوانند وظیفه، خود را در این دو زمینه انجام دهند، توفیق بزرگی یافته‌اند. آنچه در این مسیر از اهمیت بیشتری برخوردار است، نیروی فعاله، ماست که به مطالعه، یک درس یا مطلب اقدام کرده‌ایم. باید هدف و انگیزه، مطالعه و فراگیری آن درس و مطلب را آگاهانه در بیابیم و با تفکر و دعا آن را در نفس خویش تقویت نماییم تا نه تنها در طی راه بتوانیم استمرار و مداومت داشته باشیم و مشکلات محتمله و موانع، راه ما را سد ننماید بلکه نفس موانع و مشکلات، موجب بروز قوای مکنونه و استعدادات خفیه، ما گردد.

بخصوص زمانی که به مطالعه و یادگیری آثار مبارکه قیام می‌کنیم باید بدانیم و مطمئن باشیم که نفس این عمل، منشاء تأییدات الهیه می‌گردد و ما را مساعدت می‌کند تا روح خویش را قویتر سازیم و از آن قوت روح، برای غلبه بر مشکلات و ممانع زندگی مددگیریم. حال آنکه مشکلات محتمله در مسیر مطالعه، همان اثر مبارک، مطمئناً چنان نیست که بتواند مانع راه چنین روح قوی و مؤیدی شود.

حضرت بهاء الله بنفسمه المبارک در همین کتاب مهیمن و در فاتحه، باب اول آن چنین می‌فرمایند، قوله تبارک و تعالی: " جوهر این باب آنکه سالکین سبیل ایمان و طالبین کوهس، بیقان باید نفوس خود را از جمیع شوء و نوات عرضیه پاک و مقدس نمایند، یعنی گوش را از استماع اقوال و قلب را از ظنون متعلقه به سُبُحات جلال و روح را از تعلق به اسباب ظاهره و چشم را از ملاحظه، کلمات فانیه، و متوکّلین علی الله و متوسّلین الیه سالک شوند تا آنکه قابل تجلیات اِشراقات شمس علم و عرفان الهی و محل ظهورات فیوضات غیب نامتناهی گردند." (ص ۳-۲)

جزوه راهنمایی که برای مطالعه، این کتاب جلیل القدر، تقدیم حضورتان می‌گردد شامل شرح و توضیح اهداف و خواسته‌های این درس از شما، روش مطالعه، نحوه، ارزشیابی (امتحان)، برنامه، زمانبندی مطالعه، هفتگی کتاب و ضمایم کمک آموزشی درس است. ضمایم کمک آموزشی شامل معانی لغات مشکل، ترکیبات و عبارات عربی، آیات و احادیثی که در خود کتاب مستطاب ایقان ترجمه نشده‌اند، قسمتهائی که جمال مبارک به عربی بیان فرموده‌اند، توضیح مختصر بعضی اصطلاحات و شرح مختصری درباره اشخاص و امکنه و کتبی که در متن کتاب از آنها نام برده شده (اعلام) و سوءالات خود آزمایی است. برای آشنایی با شأن نزول و زمینه‌های

تاریخی این اثر مبارک، معرفی مختصری در آغاز ضمایم کمک آموزشی آمده است.

اهداف

در این قسمت، خواسته‌های آموزشی درس از شما مندرج می‌گردد یعنی با توجه به "هدف کلی" درس که در سطح آشنائی با مطالب کتاب مستطاب ایقان است، باید پس از انجام فعالیت‌های ضروری درس و با توجه به روش مطالعه، توصیه شده و استفاده از ضمایم کمک آموزشی بتوانید آنچه را در ضمن "اهداف آموزشی" از شما خواسته‌ایم، انجام دهید. بنابراین خواسته‌های مذکور در ضمن "اهداف آموزشی" به شما کمک می‌کند که بدانید حداقل توانایی‌هایی که باید به دست آورید، چیست تا قوای ذهنی و علمی و برنامه، مطالعه، خویش را متناسب با آنها تنظیم نمائید.

الف - هدف کلی: شما باید پس از گذراندن این درس با مطالب و مفاهیم کتاب مستطاب ایقان آشنا شوید.
ب - اهداف آموزشی: از شما انتظار می‌رود که پس از انجام فعالیت‌های ضروری درس بتوانید:

- ۱ - متن کتاب مستطاب ایقان را بنحو صحیح قرائت نمائید.
 - به بخش آموزش قرائت مراجعه فرمائید.
 - ۲ - مضمون قسمتهای عربی کتاب مستطاب ایقان را بنویسید.
 - به بخش ضمایم کمک آموزشی مراجعه فرمائید.
 - ۳ - شأن نزول و مقام و اهمیت کتاب مستطاب ایقان را توضیح دهید.
 - به بخش ضمایم کمک آموزشی، مقاله، معرفی کتاب مستطاب ایقان، مراجعه فرمائید.
 - ۴ - تفاسیر و تأویلات حضرت بهاء‌الله را درباره، اشارات و بشارات کتب مقدسه قبل بازگو کنید.
 - بطور مثال، تأویلات حضرت بهاء‌الله را در مورد عما - فاران - شعبان و سینا باید بازگو نمائید و یسا تعبیر حضرت بهاء‌الله را در خصوص شمس و قمر و نجوم بدانید.
 - ۵ - دلائل و براهین جمال مبارک را در زمینه‌های مورد نظر بیان کنید.
 - بطور مثال حضرت بهاء‌الله پس از تفسیر معنی شمس و قمر و نجوم، دلائل این تفسیر را ذکر مینمایند که مفهوم کلی آن را باید بیان کنید.
 - ۶ - علل اعتجاب ناس و اعراض نفوس را از مظاهر مقدسه، شرح دهید.
 - بطور مثال در حکمت بروز وقایع غیر عادی در زندگی مظاهر ظهور که باعث انکار عباد می‌شود مطالبی می‌فرمایند.
 - ۷ - مقصود و منظور حضرت بهاء‌الله را در بیان هر موضوع، مختصراً بیان کنید.
 - بطور مثال باید بدانید چرا حضرت بهاء‌الله مطالعه و تدبیر در سوره، هود را به خواننده توصیه می‌فرمایند.
- در خصوص اهداف آموزشی ۴ الی ۷ می‌توانید به بخش ضمایم کمک آموزشی، قسمت سوءالات خود آزمایی مراجعه فرمائید، توجه داشته باشید در امتحانات این درس، سوءالات بصورتی مطرح خواهد شد که نشان دهنده توفیق شما در نیل به این اهداف و کسب این تواناییها باشد.

۱- مقدار زمان لازم: در برنامه کتابخوانی از شما انتظار می‌رود هر روز يك ساعت به مطالعه کتاب درس برنامه اختصاص دهید، حداقل مدت مطالعه کتاب مستطاب ایقان در این سطح آموزشی، معادل شش ساعت مطالعه در هفته (= صد و هشت ساعت طی نیمسال) تعیین شده است. امیدواریم این صد و هشت ساعت را در صد و هشت روز تقسیم نمایید و جز در موارد کاملاً استثنائی و برای جبران عقب ماندگیهای ناگزیر، برنامه مطالعه مستمر و تدریجی خود را منظمًا دنبال کنید. آنچه ضامن توفیق شما در مطالعه این آثار مبارکه و نیل به اهداف آموزشی و روحانی آنهاست، استمرار و نظم مطالعاتی و دقت در انجام فعالیت‌های ضروری درس می‌باشد.

۲- روخوانی متن کتاب: نخستین قدم برای آشنائی با آثار مبارکه و التذاد معنوی از کلمات مبارکه، درست خوانی آثار مبارکه است. مسلماً هر کسی که قادر به فراگیری قرائت صحیح آثار مبارکه است، واجب می‌باشد که در این مسیر فعالیت کند و روز به روز بهتر و بیشتر به درست خوانی آثار مبارکه - بلکه همه متون اعم از امری و غیر امری - بپردازد.

بنابراین در هر هفته، نخست متن مربوط به همان هفته را يك بار بخوانید تا با موضوعات و مطالب و لغات و اصطلاحات و تعابیر آن قسمت آشنا شوید. مطمئناً درست خوانی و درك صحیح متون بایکدیگر ارتباط متقابل و همزمان دارند و جز در ذهن نمی‌توانیم آنها را از هم مجزاً کنیم. به عبارت دیگر نمی‌توان گفت که اول باید درست خواند سپس به درك مطلب پرداخت یا بالعکس، نخست باید درك صحیحی از مطلب به دست آورد، سپس موفق به درست خوانی شد. در اکثر موارد این دو همزمان و توأم می‌باشند. هر چند مواردی پیش می‌آید که تا درك صحیحی از کل مطلب به دست نیاوریم، نمی‌توانیم درباره طریقه خواندن صحیح يك متن - خواه تلفظ کلمات باشد، خواه لحن صحیح آدای مطلب - تصمیمی بگیریم، و گاهی نیز تا موارد درست خوانی متن را رعایت نکنیم، به درك صحیح مطلب دست نمی‌یابیم.

در هر حال برای نیل به هر دو مورد - درست خوانی و درك صحیح مطلب - باید حداقل يك بار متسلسل را بخوانیم تا مشکلات و اشکالات خود را در هر مورد تشخیص دهیم، سپس با توجه به نوع اشکال پیش آمده و با استفاده از راهنماشهای انجام شده و مواد کمک آموزشی موجود، در جهت رفع آن اقدام لازم و مقتضی به عمل آوریم.

برای آشنائی شما با قرائت صحیح کتاب مستطاب ایقان، ضمن تهیه دستورالعمل کلی قرائت کسه در همین جزوه آمده، نوارهای کمک آموزشی نیز تدارك دیده شده که استفاده از آنها ضروری می‌باشد. در صورت عدم دسترسی به نوار با توجه به دستورالعمل کلی و ضمایم کمک آموزشی و مطلعین محلی سعی در رفع اشکالات خود نمایید تا در امتحان قرائت موفق گردید.

۳- مراجعه به ضمایم کمک آموزشی: پس از مطالعه اجمالی متن درس در هر هفته با توجه به مشکلات و اشکالاتی که در زمینه معانی لغات و اصطلاحات، عبارات و ترکیبات عربی، معنا و مفهوم آیات و احادیث و

بیانات عربی جمال مبارک و اعلام مندرج در کتاب برایتان پیش آمده، به ضمایم کمک آموزشی مراجعه کنید. چنانچه مشکل مورد نظر شما در این ضمایم نیامده بود به فرهنگ لغت معتبر یا قاموس ایقان مبارک مراجعه کنید یا از نفوس مطلع پاسخ مشکل خود را بپرسید.

در هر صورت مشکلات و اشکالات خود را یادداشت نمایید تا به نحو مقتضی در رفع آنها اقدام نمایید. کوشیده‌ایم با توجه به سطح آموزشی مورد نظر این درس، توضیحات لازم و کافی را در جزوه درس بیاوریم با این حال احتمال دارد که مواردی از قلم افتاده باشد یا شما مشکلاتی فراتر از این سطح آموزشی داشته باشید و بخواهید پاسخ آنها را بیابید که در این صورت باید از منابع مطالعه تکمیلی معرفی شده در جزوه یا نفوس مطلع کمک بگیرید.

۴- خود آزمایی: برای آنکه ضمن مطالعه کتاب مستطاب ایقان، میزان درک خود را از مطالب آن بیازمائید و ضمناً با نمونه‌ای از سوءالات امتحانی آشنا شوید، سوءالاتی در جزوه راهنما با عنوان "خود-آزمایی" آمده است. این سوءالات به ترتیب مطالب کتاب مرتب شده‌اند تا همزمان با مطالعه متن بتوانید از آنها استفاده کنید.

چون ممکن است هر کدام از شما به یکی از نسخه‌های مطبوع کتاب مستطاب ایقان، که باهم تفاوت دارند، دسترسی داشته باشید، شماره صفحه پاسخ هر سوال را ننوشته‌ایم تا خود با توجه به نسخه مورد استفاده تان، صفحه پاسخ را در مقابل هر سوال قید کنید. پاسخگویی به این سوءالات شما را آماده می‌سازد تا امتحان را بهتر و راحت تر بگذرانید و چنانچه دقیقاً به این سوءالات پاسخ گفته باشید، در امتحان آمادگی بیشتری دارید.

۵- مرور مطالب: چون همیشه احتمال دارد که مطالب مهمی توسط خود شما در کتاب مستطاب ایقان یافته شود یا نکاتی جلب نظر تان را بکند که در ضمایم کمک آموزشی و خودآزمایی نیامده باشد، ترتیبی دهید که این قبیل مطالب و نکات را در جای مشخصی - مثلاً "دفترچه مخصوص کتاب مستطاب ایقان - یادداشت نمائید. ما تصور نمی‌کنیم که همه مطالب و نکات مهم و لازم را در این راهنما و ضمایم مربوطه آورده باشیم، بنابراین برای کشف و دریافت نکات دیگر جای خاصی بازکنید و به آن توجه نمائید. برای مرور آنچه قبل از هر امتحان خوانده‌اید، زمانی خاص را مشخص کرده‌ایم تا فرصت داشته باشید آموخته‌ها و خواننده‌های خود را مرور جمع‌بندی نمائید. امیدواریم از این فرصت برای مطالعه مجدد و تکمیل یادداشتهای خود استفاده کنید آنکه این زمان را به مطالعه فشرده برنامه‌های هفته‌های گذشته اختصاص دهید.

نحوه ارزشیابی

امتحانات این درس در دو مقطع میان دوره (پایان هفته، نهم) و پایان دوره (پایان هفته هجدهم) برگزار خواهد شد.

- ۱- ارزش امتحان میان دوره ۴۰ درصد و امتحان پایان دوره به ارزش ۶۰ درصد از نمره کل خواهد بود.
- ۲- در امتحان پایان دوره از همه مطالب خوانده شده، سوءال خواهد آمد.
- ۳- ارزش امتحان قرائت در مقطع میان دوره $\frac{8}{40}$ و در مقطع پایان دوره $\frac{12}{60}$ خواهد بود. بنابر این در مجموع ۲۰ درصد کل نمره به قرائت اختصاص دارد.
- ۴- شکل سوءالات به مقتضای مطلبی که مورد سنجش قرار می‌گیرد، چند گزینه‌ای، صحیح - غلط، جورکردنی تکمیل کردنی و تشریحی خواهد بود.
- ۵- سوءالات امتحان، الزاما " از بین سؤالات " خود آزمایی " نخواهد بود، اما در هر امتحان احتمال آمدن سوءالات خود آزمایی زیاد می‌باشد.
- ۶- برای امتحان قرائت، قسمتهای از متن کتاب مستطاب ایقان - فارسی و عربی - مشخص می‌گردد که پس از ارسال به محل، توسط دوستان محل از شما امتحان به عمل آید. مجددا " توصیه می‌گردد نوارهای کمک آموزشی قرائت را حتما " استماع نمایید و تمرین کنید تا قادر شوید مطالب را صحیح قرائت کنید.
- ۷- امتحان قرائت، همزمان با امتحان کتبی یا با فاصله کوتاهی از آن برگزار می‌شود.

منابع مطالعه، تکمیلی

- به منظور استفاده کسانی که خواهان اطلاعاتی، بیش از آنچه در ضمایم کمک آموزشی آمده، هستند و یابانه مشکلاتی برمی‌خورند که پاسخ آنها در این ضمایم نیست به معرفی چند منبع مطالعاتی می‌پردازیم:
- ۱- اشراق خاوری، عبدالحمید - "قاموس ایقان" - موءسسسه، ملی مطبوعات امری - ۱۲۷ بدیع - چهارمجلد.
 - ۲- فاضل مازندرانی، اسدالله - "اسرار الآثار خصوصی" - موءسسسه، ملی مطبوعات امری - بدیع - پنج مجلد.
 - ۳- قدیمی، ریاض - "نورده هزار لغت" - (در صورت عدم دسترسی به این کتاب می‌توانید از "شش هزار لغت" تألیف ریاض قدیمی واحسان الله همت استفاده کنید).
 - ۴- یکی از لغتنامه‌های معتبر عربی به فارسی موجود مانند: فرهنگ جدید عربی به فارسی (ترجمه، منجدالطلاب)، فرهنگ جامع نوین عربی (۲ مجلد)، فرهنگ لاروس (ترجمه، فرهنگ عربی به عربی لاروس).



چون درست خوانی آثار مبارکه، علاوه بر آنکه رابطه، متقابل با درك صحیح مطالب این آثار دارد، از نکاتی است که رعایت آن در هر جمعی ضروری می‌باشد، بر آن شدیم که ضمن برنامه‌های آموزش معارف امر به ایمن زمینه نیز بپردازیم. امیدواریم با درك ضرورت این امر و بذل سعی و اهتمام بتوانید در این مورد، فعالیت‌های لازم را انجام داده، به اهداف مورد نظر، نایل گردید.

قرائت صحیح يك متن در دو سطح " کلمه " و " جمله " مطرح می‌گردد:

الف - کلمه : در این سطح باید به تلفظ صحیح کلمات توجه کنید. چه بسا کلمه‌ای که تلفظ غلط آن ملکه، ذهن ما گردیده است و خود را بی نیاز از مراجعه به فرهنگ لغت و پیدا کردن تلفظ صحیح آن می‌دانیم لذا در صورتی که از صحیح تلفظ کلمه‌ای مطمئن نیستید، حتماً به فرهنگ لغت مراجعه کنید و تلفظ صحیح آن را بیابید.

موارد بسیاری وجود دارند که با تغییر يك حرکت در يك کلمه، معنای آن بکلی تغییر می‌کند و چه بسا کسه معنای ضدش را برساند. مثلاً " اگر بگوییم " خداوند ملهم است " به معنای این است که به خداوند الهام می‌شود در حالی که عکس این مورد را در نظر داریم یعنی " خداوند ملهم است " همین کلمه را وقتی در مورد بیت العدل اعظم به کار می‌بریم باید به صورت " ملهم " تلفظ کنیم.

بعضی کلمات عربی هستند که چون وارد زبان فارسی شده‌اند، با تلفظ خاصی در زبان مردم جا افتاده‌اند. مثلاً " هیچ کدام از ما کلمه، " مؤسسه " (به معنای بنیاد و سازمان) را با تلفظ صحیح و متداول در زبان عربی به کار نمی‌بریم و نمی‌گوییم: " مؤسسه "، حتی تا آنکه آن را مانند هاء بیان حرکت (غیر ملفوظ) در زبان فارسی، تلفظ می‌کنیم. یا " محبت " را " محبت " نمی‌گوییم. امروزه علمای زبان‌شناسی می‌گویند که تلفظ صحیح این گونه کلمات همان است که عموم اهل زبان آن را به کار می‌برند. بنابراین در مسوورد مؤسسه و محبت، اگر تلفظ رایج را به کار برید، صحیح است. بدیهی است تلفظ صحیح عربی آن نیز قابل قبول است.

ب - جمله : برای درست خوانی يك جمله، صرف نظر از تلفظ صحیح يك کلمه تشکیل دهنده، آن جمله باید به پیوند کلمات باهم، مکشای لازم و لحن صحیح بیان جمله با توجه به مفهوم و معنای آن توجه کنید. توجه به پیوند کلمات در مواردی مطرح است که ترکیبات خاصی در جمله قرار می‌گیرد مانند ترکیبهای وصفی (صفت و موصوف) و ترکیبهای اضافی (مضاف و مضاف الیه) و کلمات مرکبی که حکم يك کلمه را دارند و تلفظ آنها به صورت دو کلمه، مجزا، محل معنای مورد نظر می‌شود.

مثلاً " به این دو جمله توجه کنید: ۱- او مانند گل، سرخ و مانند آتش، گرم است.

۲- او مانند گل سرخ و مانند آتش گرم است.

در نظر اول، هر دو مورد صحیح می‌باشد ولی با کمی دقت متوجه می‌شویم که جمله دوم، غلط است زیرا
 "اولا" در جمله دوم، تکرار کلمه، "مانند" زائد است ثانیا "عفت گرم برای آتش، زائد می‌باشد زیرا بدیهی
 است که آتش، گرم است. در نتیجه، جمله اول صحیح است.

در مواردی که يك تركيب اضافی (مُضَافٌ وَمُضَافٌ إِلَيْهِ) در جمله آمده، حتماً کلمه اول (مُضَاف) را باید
 با کسره، اضافه به کلمه دوم بییوندیم مانند: جَمالٌ قَدیمٌ : کتابٌ بَیانٌ : دیانتٌ بیهودٌ.
 بدیهی است اگر این کلمات را مُجَرَّاً بخوانیم، مفهوم جمله بکلی تغییر می‌کند و در بعضی موارد، غلط
 می‌شود.

- مثلاً" به این دو جمله توجه کنید:
- ۱- این کتاب بیان حضرت اعلیٰ است.
 - ۲- این کتاب، بیان حضرت اعلیٰ است.

واضح است که معنا و مفهوم دو جمله با هم متفاوت است و چه بسا که با توجه به بقیه مطالب، یکی از آن دو غلط
 باشد. رعایت لحن صحیح آدای جملات با توجه به معنا و مفهوم جمله، ضرورت دارد. مثلاً " جمله، سوء الی
 را حتماً باید با لحن پرسش بخوانید و گرنه چه بسا که معنای صحیح آن را در نیابید. در مواقعی که متنی
 را برای دیگران می‌خوانید رعایت این نکته بسیار اهمیت دارد، چون لحن صحیح آدای جملات، جزئی از معانی
 مورد نظر متن است که باید به شنونده منتقل شود.

در بعضی موارد چون آدات پرسشی بر سر جمله نیامده‌اند و آثار مبارکه نیز با نشانه‌گذاری، طبع نگردیده‌اند
 در وهله اول مشکل میتوان، لحن پرسشی را تشخیص داد مگر با دقت در فحوای مطلب و قرائین معنوی.
 لحنهای دیگری مانند: سوء الی، منفی، شرطی، تعجبی و تأسف آمیز و جز اینها نیز وجود دارند که باید
 بنحو صحیح ادا شوند.

برنامه فعالیت پیشنهادی

چون مُحتمَل است بسیاری از شما طالبان معارف الهی مشتاق باشید در بحر حقایق آثار الهی - از جمله
 ایقان مبارک - خوض و تعمق بنمائید و بیش از آنچه این درس از شما انتظار دارد به صید لاکمی حقایق و معارف
 بپردازید چند موضوع را ذیلاً " پیشنهاد می‌نماییم تا پس از فراغت از امتحان این درس و تاشروع برنامه
 بعدی، حداقل یکی از آنها را انتخاب کنید و مطالب مربوطه را از ایقان مبارک استخراج نمایید.
 در این زمینه توجه به نکات ذیل ضروری است:

- الف - اگر بلافاصله پس از پایان امتحان به این کار مبادرت نمائید بهتر است زیرا درباره مطالب کتساب،
 حضور ذهن بیشتری دارید، لذا وقت کمتری صرف جستجوی مطالب مربوطه می‌نمایید.
- ب - هر مطلب را بر روی يك برگه یادداشت (۱۵ × ۱۰) بنویسید، تا مرتب کردن آنها آسان گردد.
- ج - صفحه مربوط به هر مطلب را بر روی برگه، یادداشت نمایید.
- د - برای هر مطلب بر روی برگه، یادداشت، عنوانی مناسب برگزینید.

۱- تاریخ و محل نزول: کتاب مستطاب ایقان در ایام اقامت جمال قدم جل اسمه الاعظم در مدینه الله بغداد و قبل از اظهار امر علی آن حضرت از قلم مبارکشان عز نزول یافته است. تاریخ نزول آن سال ۱۲۷۸ هجری قمری بوده است. (مطابق با ۱۲۴۰ هجری شمسی = ۱۸۶۱ میلادی)

حضرت ولی مقدس امرالله جلّت قدرته نیز در لوح قرن احبای امریک (قرن بدیع) به نزول این کتاب مستطاب در همین سال تصریح فرموده اند. در خود کتاب مبارک ایقان نیز به نزول آن در سال مذکور اشاره رفته قوله تعالی: "این انوار مقدسه هیجده سنه می گذرد که بلایا از جمیع جهات مثل باران بر آنها بارید و به چه عشق و حبّ و محبت و ذوق که جان رایگان در سبیل سبحان انفاق نمودند..." (ص ۱۷۶)

۲- شأن نزول کتاب مستطاب ایقان:

جناب سید محمد خال اکبر حضرت اعلی - که از خال اعظم ایشان، جناب حاج سید علی از شهدای سبعة طهران، کوچکتر بودند - هر چند نسبت به خواهر زاده، خود نهایت ارادت و علاقه را داشتند و بکمال احترام رفتار می نمودند ولی نمی توانستند ظهور ایشان را با معتقدات قبلی خود و با مطالبی که راجع به ظهور قائم موعود و علائم آن شنیده و خوانده بودند، تطبیق دهند و اطمینان قلب حاصل کنند، تا اینکه در سال ۱۲۷۸ هـ ق باتفاق برادر کهنتر خود، جناب حاج میرزا حسنعلی - معروف به خال اصغر - عازم زیارت نجف و کربلا شدند و در مراجعت چندی در بغداد توقف نمودند و بنا به اراده و اشاره، جمال قدم بواسطه، جناب حاجی سید جواد کربلائی به حضور مبارک مشرف شدند و پس از استماع بیانات و نصائح جمال مبارک مبنی بر لزوم تحقیق و تحرّی و درک عظمت ظهور طلعت اعلی، اشکالات و ایرادات خود را معروض داشتند. حضرت بهاء الله به ایشان فرمودند شما به محل خود مراجعه نمائید و آنچه علت توقف و عدم اطمینان قلوب و سبب ایراد و اشکال است مرقوم و معین دارید، شاید به عنایت الهی و تایید آسمانی، ظن شما به یقین واضطراب شما به اطمینان مبدل شود. روز دیگر جناب خال به محضر انور مشرف شد و یک یک سوالات و اشکالات و شبهات خود را معروض نمود و در جواب سوالات و اشکالات ایشان، کتاب مستطاب ایقان که در ابتدا به "رساله خالویه" معروف بود از قلم اعلی بافتخار مشارالیه عز نزول یافت و علت ایمان و اطمینان قلب حضرت خال شد. (۱)

اما جناب حاج میرزا حسنعلی خال اصغر در بغداد به محضر انور مشرف نشدند و تا آخر ایام حیات هم به حکمت و تقیه رفتار نمودند.

قبل از نزول کتاب مستطاب ایقان بسیاری از مطالب و مسائل مندرجه در کتب مقدسه قبلیه، مبهم و نامعلوم و ظاهر آن مورد ایراد و اعتراض ارباب علم و دانش بود و لکن تبیینات و تاویلات قلم اعلی پرده از روی حقایق روحانیّه، آنها برگرفت و رفع شبهات و دفع اعتراضات و ایرادات نمود. به قول شاعر شهیر، جناب نعیم:

"فیلسوفان به طنز می گفتند / که صحف جمله غیر مفهومست

دست حق پرده از همه برداشت / تا بدانند سر مکنونست."

۱- جمال قدم در یکی از الواح، کیفیت تشرف خال اکبر و نزول کتاب ایقان را بیان فرموده اند. (رجوع کنید به

۱۴۹/۲

برنامه، مطالعه، هفتگی کتاب مستطاب ایقان

برنامه، کتابخوانی

هفته	از صفحه	آغاز متن	تصفحه	پایان متن
اول	۲	بِسْمِ رَبِّنا الْعَلِيِّ الْعَلِيِّ	۱۶	... مِنْ أَيُّدِي الْقُدْرَةِ بِإِذْنِ اللَّهِ مَغْرُوسًا ...
دوم	۱۶	... بر اولی العلم معلوم و واضح بوده ...	۲۰	... لِنَكُونَنَّ رِضْوَانُ حِكْمَةِ اللَّهِ لِمَنْ الْمُخْبِرِينَ ...
سوم	۳۰	... و در مقامی هم مقصود از اطلاعات ...	۴۳	... وَعَلَّتْ إِحْتِرَازَ نَفُوسٍ كَرِدَدٍ ...
چهارم	۴۳	... و همچنین در حالت مریم مشاهده نما ...	۵۸	... و در همه اماکن در تکرار علامات ظهور بعد ذکر فرموده اند ...
پنجم	۵۹	... و همچنین می فرمایند: "بِیَوْمِ تَأْتِي السَّمَاءُ ..."	۷۱	... دلیله آیاته و وجوده اثباته ...
ششم	۷۱	... در این وقت از اهل بیان ...	۸۳	... چنانچه الیوم ملاحظه می گردد ...
هفتم	۸۳	... ولیکن آن سلطنت که مقصود است ...	۹۸	... صمدانی بر می آیند ...
هشتم	۹۸	... باری مقصود نه چنانست که ادراک نمودند ...	۱۱۴	... و به قطره ای از اسباب فیض رحمانی فائز نگشتند ...
نهم	مرور و مطالعه، مجده مطالب هفته های قبل / امتحان میان دوره			
دهم	۱۱۴	... حال، ملاحظه فرمائید اگر کسی در یوم ظهور ...	۱۲۷	... و طبر قدسی بی اعانت غیبی طبران نتوانند ...
یازدهم	۱۲۷	... حال قول حضرت امیرالادراک نما ...	۱۳۸	... وَمَا أَنَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ ...
دوازدهم	۱۳۸	... و از این بیانات محققه، مثبت ادراک فرما ...	۱۵۰	... و به اسفل درکات نیران مقر یابد ...
سیزدهم	۱۵۰	... باری مقصود از جمیع این بیانات ...	۱۶۲	... و در همین آیه، مذکوره لثالی اسرار، مکنون است ...
چهاردهم	۱۶۲	... اگر فی الجملة دردی یافت شود دوا می رسد ...	۱۷۴	... و دلیل بر صدق قولشان، فعلشان بس ...
پانزدهم	۱۷۴	... آیا شهادت این نفوس قدسیه که ...	۱۸۵	... بِیَوْمٍ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نَكُرٍ ...
شانزدهم	۱۸۵	... باری چون منادی احدیه از و رای ...	۱۹۹	... وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ نِكْرِي فَاَنْ لَهُ مَعِيشَةٌ ضَنْكًا ...
* هجدهم	مرور و مطالعه، مجده کتاب مستطاب ایقان (نسخه چاپ مصر مورخ ۱۳۵۲ هـ/ق ۱۹۳۳ میلادی)			
● هجدهم	مرور و مطالعه، مجده کتاب مستطاب ایقان / امتحان پایان دوره (از همه کتاب)			

* منتهی مورد نظر در این جدول بر اساس نسخه چاپ مصر مورخ ۱۳۵۲ هـ/ق ۱۹۳۳ میلادی می باشد

۱- مفاد این ضمایم تحت عناوین ذیل، مرتب شده است :

الف- سوءالات خود آزمائی

ب- معانی لغات و شرح اصطلاحات و معانی عبارات و ترکیبات عربی

ج- شرح و توضیح اعلام

د- ترجمه احادیث، آیات انجیل و بیانات حضرت بهاء الله و حضرت اعلیٰ

ه- ترجمه آیات قرآنی

۲- در قسمت "د" و "ه" مواردی در ضمیمه آمده که در متن کتاب، ترجمه نشده اند.

۳- برای سهولت مراجعه به ضمایم برای همه افراد، صرف نظر از نسخه کتاب مستطاب ایقان مورد استفاده -

شان، مطلب ضمیمه هابه دو صورت الفبائی (معانی لغات / شرح اصطلاحات / شرح و توضیح اعلام /

معانی عبارات و ترکیبات عربی) ؟

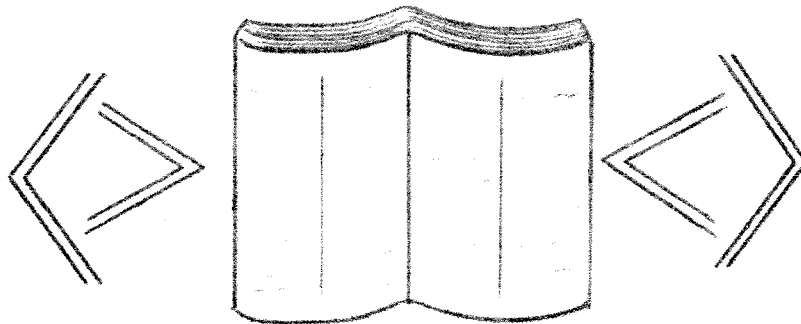
یا به ترتیب موضوعات کتاب (ترجمه آیات قرآنی / مضامین احادیث، آیات انجیل و بیانات حضرت بهاء الله

/ سوءالات خود آزمائی) تنظیم شده اند.

۴- در هر مورد با توجه به کتاب خود می توانید، صفحه یا صفحات مربوطه را مقابل هر مطلب یادداشت نمایید تا

مراجعات بعدی شما تسهیل گردد. (علامتگذاری مواردی که در ضمایم آمده، بر روی متن کتاب نیز روش

دیگری است که می توانید به کار برید.)



به منظور اینکه حین مطالعه، کتاب مستطاب ایقان بتوانید مرتباً "میزان تراگیری خود را بسنجید" سوالاتی از متن کتاب طرح کرده‌ایم تا با پاسخگویی به آنها، میزان پیشرفت خود را به سمت اهداف آموزشی ۴، ۵ و ۶ بسنجید.

چون سئوالات به ترتیب مطالب کتاب و براساس برنامه، مطالعه، هفتگی طرح شده، یافتن آنها، آسان است. برای سهولت مراجعات بعدی صفحه، حاوی پاسخ هر سؤال را، با توجه به کتاب خودتان، مقابل آن سؤال بنویسید.

هفته اول

- ۱- شرط رسیدن به عرفان چیست؟
- ۲- شرایط کسب قابلیت علم و عرفان الهی چیست؟
- ۳- چرا نباید میزان معرفت حق و اولیای او را، افعال و اقوال و اعمال عباد - چه عالم و چه جاهل - قرار دهیم؟
- ۴- این آیه، قرآنی که چه اصلی را در رفتار مردم نسبت به مظاهر ظهور بیان می‌کند؟
 "وَلَقَدْ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَاءنَا بِالْبَاطِلِ لِيُبْدِيَ جُفُوعًا بِهِ الْحَقَّ".
- ۵- چرا مطالعه و تدبیر در سوره هود به خواننده توصیه شده است؟
- ۶- نتیجه آگاهی از ابتلای انبیا، وعلت و سبب اعتراضات عباد بر مظاهر امر، چیست؟
- ۷- چرا حضرت بهاء الله بعضی از حکایات انبیا را در کتاب مستطاب ایقان نقل فرموده‌اند؟
- ۸- حکمت وجود امتحانات الهیه در مابین عباد چیست؟
- ۹- مضمون آیه، قرآنی که ذیل را بنویسید و بگویید از آن، ضرورت چه چیزی را استنباط می‌توان کرد؟
 "الْمُحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ".

- ۱۰- تعبیرات حضرت بهاء الله را در مورد کلمات ذیل بنویسید.
 (عصا - بیضا - فاران - شعبان)
- ۱۱- حکایت مؤمن آل فرعون در قرآن، چگونه آمده است؟
- ۱۲- چرا اگر بگوییم سبب اعراض عباد این بوده که حجت‌های الهی کامل و تمام نبوده، صحیح نیست؟
- ۱۳- حضرت بهاء الله علت اعراض عباد را چه می‌دانند؟
- ۱۴- عباد برای اینکه هنگام ظهور مظاهر امر محروم نمانند باید چه کنند؟
- ۱۵- میزان کسانی که از مظاهر امر اعراض نموده‌اند، چه بوده است؟
- ۱۶- در همه اوقات سبب صد عباد و منع ایشان از اقبال به مظاهر ظهور چه کسانی بوده‌اند؟
- ۱۷- به چه عللی کسانی که زمام مردم در کف کفایت ایشان بوده، مردم را از اقبال به حق منع می‌نموده‌اند؟
- ۱۸- حضرت بهاء الله "اهل کتاب" مذکور در قرآن را چه کسانی می‌دانند؟
- ۱۹- اعتراضات مردم و احتجاجات ایشان حاصل چه چیزی بوده است؟

۲۰- تاویل کلمات مظاهر ظهور، در اختیار چه کسانی است ؟

۲۱- " رَايْحُونُ فِي الْعِلْمِ " چه نفوسی هستند ؟

هفته دوم

۲۲- حضرت مسیح در چه موقعیتهایی به بعضی از اصحاب روحانی خود، ذکر فراق فرمودند ؟ بیان ایشان در این مورد چه بود ؟

۲۳- به چه دلیلی معتقدیم که کتاب انجیل و اسر

حضرت مسیح در عهد حضرت محمدنیز ثابت شد ؟

۲۴- حضرت بهاءالله در مورد رجوع مظاهرا مژه چه مثالی می آورند ؟

۲۵- چرا مظاهر امر در عین اینکه وحدت دارند، در هر

دور و زمان خود را به اسمی و رسمی موسوم نمودند ؟

۲۶- حضرت بهاءالله از " مائده " مذکور در آیه ذیل

چه تعبیری می فرمایند و کدام آیات قرآن را در

ارتباط با آن نقل می نمایند ؟

" رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ "

۲۷- در انجیل متی درباره، علامات ظهور مجدد

مسیح چه مطالبی آمده است ؟ در سه انجیل دیگر

چه آمده ؟

۲۸- حضرت بهاءالله رجعت ثانی مسیح را چه کسی

می دانند ؟

۲۹- دلیل مسیحیان در مورد منسوخ نشدن حکم انجیل

کدام آیه انجیل است ؟

۳۰- حضرت بهاءالله ضیق (تنگی) را به چه چیزی

تعبیر و تاویل می نمایند ؟

۳۱- منظور مبارک از اینکه می فرمایند " باهمه این

ظهورات علمی که عالم را احاطه نموده، هنوز باب

علم را مسدود دانسته اند " چیست ؟

۳۲- علت عدم رغبت پیروان دیانت قبل بالفطره به علم و باب آن چیست ؟

۳۳- تمثیل حضرت بهاءالله از وضعیت پیروان ادیان

سابقه و رؤسای ایشان چیست ؟

۳۴- حضرت بهاءالله چه معانیی برای شمس قائل

می شوند ؟

۳۵- حضرت بهاءالله هر یک از مفاهیم ذیل را به چه

چیزی تشبیه می فرمایند ؟

(توحید - تفرید - تجرید - علم و ایقان - حکمت و

بیان)

۳۶- حضرت بهاءالله علت تخصیص مظاهر امر را به

اسماء و صفات مختلفه چه می دانند ؟

۳۷- مقصود از شمس و قمر و نجوم چه کسانی هستند ؟

۳۸- اطلاق حکم ایمان و علم و رضا و نور در حق علما

منوط به چیست ؟

۳۹- شمس عالیه و شمس سحیحین چه کسانی هستند ؟

۴۰- تفسیر حضرت بهاءالله از آیه زیر به حسب

عقاید شیعه چیست ؟ " الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ "

هفته سوم

۴۱- علوم و احکام مرتفعه، در هر شریعت به چه

چیزهایی تشبیه شده اند ؟

۴۲- اگر اسلام را به آسمان تشبیه کنیم، شمس و قمر

آن چه چیزهایی هستند ؟ چرا ؟

۴۳- مقصود از انجیل از نکر تاریکی شمس و قمر و سقوط

انجم، چیست ؟

۴۴- علما این آیه را چگونه تفسیر نموده اند ؟ " فَلَا

أُفْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ "

۴۵- تفسیر " إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ " چیست ؟

۴۶ - چرا حضرت بهاء الله نسخ شریعت قبلی را اعظم از شکافتن آسمان ظاهری می دانند؟

۴۷ - معنی تبدیل ارض - که در انجیل آمد - چیست؟

۴۸ - تفسیر این آیه چیست؟ "وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبِيضَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ"

۴۹ - مقصود مظاهر ظهور از بیان حقایق در لباس تشبیهات و اشارات رمزی چیست؟

۵۰ - مطابق نص قرآن مجید، علت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه چه بود؟

۵۱ - حضرت بهاء الله حکمت حقیقی تغییر قبله را چه می دانند؟

۵۲ - حکمت امتحانات الهیه چیست؟

۵۳ - فایده تعقل در تاریخ انبیای قبل و ظهور ایشان چیست؟

۵۴ - حکمت ظهور و بروز وقایع غیر عادی در زندگی مظاهر ظهور که باعث استیحاخ و انکار عباد می شود، چیست؟

هفته چهارم

۵۵ - منظور از "مُخْتَرَه" بقا کیست؟

۵۶ - نسبت و رابطه اقوال با اعمال الهی چگونه است؟

۵۷ - مقصود از ظهور علامت پسر انسان در آسمان چیست؟

۵۸ - حضرت بهاء الله علت بیان حکایات انبیای قبل و اشتغال حضرتشان را به این مطالب چه چیزی می دانند؟

۵۹ - حکام و سلاطین معاصر هر یک از پیامبران ذیل چه نام دارند؟ (حضرت ابراهیم - حضرت موسی - حضرت مسیح)

۶۰ - ظهور چه کسانی، حکم علامت معنوی ظهور پیامبران ذیل بوده است؟

(حضرت مسیح - حضرت محمد - حضرت اعلی)

۶۱ - حضرت بهاء الله مبشرین ظهور مظاهر الهی را ظهور چه چیزی می دانند؟

۶۲ - حکمت ظهور مبشرین قبل از اظهار امر هیاکل مقدسه چیست؟

۶۳ - حضرت بهاء الله چه تعبیری از نوحه مردمان پیش از ظهور پسر انسان در آسمان می کنند؟

۶۴ - تفسیر هیکل مبارک از این آیه انجیل چیست؟ "وَيُرُونَ ابْنَ الْإِنْسَانِ آتِيًا عَلَى سَحَابٍ مَبْعُ قَوَاهِ وَمَجْدٍ كَبِيرٍ"

۶۵ - لفظ "سما" در بیانات مظاهر ظهور به چه چیزهایی اطلاق شده است؟

۶۶ - حضرت بهاء الله علم را به چند قسم، منقسم می نمایند؟

۶۷ - خصوصیات هر یک از اقسام علم چیست؟

۶۸ - شرط سلوک ببالک برای ذرک الهامات غیبی چیست؟

۶۹ - تفسیر حضرت بهاء الله از ابر و غمام، که پسر انسان با آن نازل می شود، چیست؟

۷۰ - چه چیزهایی حایل بصر عرفان عباد از معرفت مظاهر ظهور می گردد؟ این حایلیها به چه تشبیه شده اند؟

۷۱ - حضرت بهاء الله به آنان که از مظهر امر حجت می خواهند چه توصیه ای می فرمایند؟

هفته پنجم

۷۲ - حق، چه چیز را محک و میزان تمییز عباد خود و وامتحان آنان قرار می دهد؟

۷۳ - چه چیزهایی در آیه "يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ" به "دخان" تعبیر شده است؟

۷۴ - مقصود از ملائکه در آیه انجیل منی چیست؟

۷۵ - حضرت صادق (ع) در وصف کزوین چه می فرماید؟

۷۶ - منظور حضرت صادق (ع) از نکر "خَلْفُ الْعَرْشِ" چیست؟

۷۷- منظور حضرت مانق (ع) از اینکه می فرماید:

"موء من مثل كبريتٍ أحر است" چیست ؟

۷۸- نفوس مقدسه‌ای که از عوارض بشریه پاک و مقدس

گشتند و متخلّق بها خلاق روحانیین شدند، به چه

اسمی موسوم شدند؟

۷۹- اگر در هر عصری علایم ظهور و مطابق آنچه در قبل

از آن خبر داده اند، در عالم ظاهر شود، چه اشکالی

پدید می آید؟

۸۰- مُجَدِّدًا" تفسیر هیکل مبارک را از کلیه اشارات

و رموز علایم ظهور مُجَدِّد حضرت مسیح مندرج در

انجیل متی فهرستوار بنویسید (مرور بر آموخته‌ها

و جمع‌بندی از آنها برای درک کلی از موضوع لازم

است -)

۸۱- علت بروز مرض اعتراض و اختلاف میان مردم در

مورد ظاهر نشدن علامات ظهور جدید، همواره چه

بوده است ؟

۸۲- چه کسانی مظاهرا را مخالف علم و ادراک و معارض

جهد و اجتهاد خونمیدیدند؟ چرا؟

۸۳- مضمون حدیث ذیل چیست ؟

"إِنَّ أَوَّلَ مَا صَعِبَ مَسْتَصْعَبَ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلِكٌ مَقْرَبٌ

أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ لَوْ عِبَدْتُمْ اللَّهَ قَلْبُهُ لَأَيِّمَانٌ"

۸۴- حضرت بهاء الله چه دلیلی بر حقانیت انجیل و

مصوتیت آن از تحریف می آورند؟

۸۵- حکایت ابن صُوریا چیست ؟

۸۶- حضرت محمد (ص)، ابن صُوریا را به چه چیزهایی

قسم دادند؟

۸۷- ابن صُوریا، چه دلیلی برای نسخ حکم رجم در زنا

مُحْصَنَه می آورد؟

۸۸- چرا حضرت بهاء الله قول تحریف کتابهای تورات

و انجیل را بی منسی و بی اصل می دانند؟

۸۹- مقصود از تحریف مورد نظر در آیه، زیر چیست ؟

"يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ"

۹۰- آیه، زیر مُدْبِل بر چه نوع تحریفی است ؟

"وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمُؤُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ

مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ"

۹۱- بیشتر آیات قرآنیهِ مُدْبِل بر تحریف در مورد چه

کسانی است ؟

۹۲- چرا قول به عروج انجیل به آسمان، موجب می شود

به ذات باری تعالی نسبت کمال ظلم و جبر داده شود؟

هفته، ششم

۹۳- حضرت بهاء الله به اهل بیان و عرفا و حکماء و

علماء و شهدای بابی چه توصیه‌ای می فرمایند؟

۹۴- باب دوم ایقان، درباره چه موضوعی است ؟

۹۵- حدیث " وَكَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ مِنْ شَيْءٍ " دلیل

چه مطلبی است ؟

۹۶- چون ابواب عرفان کات ازل بروجه ممکنات

مسدود شده، سبیل معرفت حق چگونه مهیا شده؟

۹۷- مضمون حدیث " مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ "

چیست ؟

۹۸- آیه، " تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ " بیان

چه اصلی در مورد عظامر مقدسه است ؟

۹۹- مقصود از سلطنت مظاهر ظهور چیست ؟

هفته، هفتم

۱۰۰- نشانه‌های سلطنت باطنی مظاهر ظهور چیست ؟

۱۰۱- مقصود از موت و حیات مذکور در کتب مقدسه

چیست ؟

۱۰۲- مفسرین برای توجیه آیاتی که دلالت بر بعثت و

حشر و حیات مردم همزمان حضرت محمد (ص) می کنند،

چگونه استدلال نمودند؟

۱۰۳ - در مورد آیاتی که با اِسْتِدْلَالِ مُفَسِّرِینَ موافق

نمی‌آید، چه دلیلی می‌آورند؟

۱۰۴ - مقصود از "صُور" و "قیامت" در آیات قرآنیّه

چیست؟

۱۰۵ - در همه کُتُب و الواح الهی بر مردمی که مومن

نشده‌اند، چه حکمی شده است؟

۱۰۶ - چرا در حدیث "المؤمن من حی فی الدارین" ،

مقصود حیات ظاهره نیست؟

۱۰۷ - اگر منظور از سلطنت مظاهر ظهور، غلبه و اقتدار

ظاهر ملکی باشد، چرا در حق آنان صادق نمی‌آید؟

۱۰۸ - چرا قائل بودن به قدرت و غلبه، ظاهری مظاهر

امر، انکار بسیاری از آیات و احادیث را ایجاب

می‌نماید؟

هفته هفتم

۱۰۹ - مقصود از فقر و غنای مورد نظر اولیای حق چیست؟

۱۱۰ - منتهی فیض الهی که برای عباد، مقدر شده چیست؟

۱۱۱ - چرا مقصود آیات قرآنیّه که وَعْدُهُ لِقَاءُ اللَّهِ را داده

تَجَلَّى عَامَّ الهی نیست؟

۱۱۲ - آیات قرآنیّه را که مُدَلُّ بر تَجَلَّى عَامَّ الهی می‌باشد

بنویسید.

۱۱۳ - وعده لِقَاءُ اللَّهِ که در آیات قرآنیّه مندرج است

دلالت بر کدام نوع تجلی الهی دارد؟

۱۱۴ - با توجه به احادیث، قیامت چه معنایی دارد؟

هفته نهم

● به منظور مرور مطالب هفته‌های گذشته، سوالات کلی،

که پاسخ به آنها نشاندهنده میزان درک شما از مطالب

خوانده شده است، طرح کرده‌ایم.

پیشنهاد می‌کنیم در مرحله اول بکوشید بدون مراجعه

به متن کتاب به این سوالات پاسخ دهید سپس برای

اطمینان از صحت پاسخهای خود به کتاب مراجعه

کنید.

۱ - بر اساس بیانات مبارکه جَمَالِ قَدَم، توضیح دهید

که چرا مفهوم این دو بیان حضرت مسیح یکی است؟

الف - " من می‌روم و بعد می‌آیم."

ب - " من می‌روم و می‌آید دیگری."

۲ - مسیحیان به استناد چه چیزی، حضرت مسیح را

آخرین پیامبر می‌دانند؟ پاسخ هیكل مبارك در این

مورد چیست؟

۳ - علامات ظاهره و باطنه قبل از هر ظهور چیست؟

۴ - ظهور علامت باطنی را در مورد هر يك از ظهورات

الهیّه توضیح دهید.

۵ - معنی و مفهوم ملائکه با توجه به احادیث اسلامی

و بیانات حضرت بهاء الله چیست؟

۶ - چه عواملی باعث شد تا مسأله تحریف کُتُبِ مُقَدَّسه

قبل از طرف مسلمانان مطرح شود؟

۷ - حضرت بهاء الله با چه دلایلی، تحریف کُتُبِ مُقَدَّسه

را مردود می‌دانند؟

۸ - درباره آیه "فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ"

علمای اسلامی و حضرت بهاء الله چه تفسیری

کرده‌اند؟

۹ - مظاهر امر در کتاب مستطاب ایقان به عناوین

مختلفی همچون "شُموسِ عِلْمِ و عِرْفَانِ" و "هَبَاكِلِ

قُدسیّه" یاد شده‌اند، حداقل شش مورد دیگر را

بنویسید.

۱۰ - سه مورد از مفاهیمی که به شمس و قمر تشبیه

شده‌اند، چیستند؟

۱۱ - سه مورد از امور و افعال مظاهر ظهور که مُغَايِرِ نَفْسِ و

هوای عباد از طرف سلطان ابحاه ظاهر شده کدامند؟
توضیح دهید.

۱۲- یَحْيَىٰ بْنُ زَكَرِيَّا وَرُوزِيَه (سلمان فارسی) چه وجه شباهتی باهم دارند؟ دو نفر دیگر را نیز که با این دو همین وجه شابهت دارند، نام ببرید.

۱۳- معانی مُخْتَلَفَةٌ "دُخَان" که در قرآن کریم آمده، چیست؟

۱۴- کِبْرِيْتِ أَحْمَرَ "کنایه از چیست و چه رابطه‌ای با ملائکه دارد؟

۱۵- اگر در هر عصری، علائم ظهور عیناً "مطابق آنچه در کُتُبِ مُقَدَّسَه و احادیث آمده، ظاهراً" پدید آید، چه اشکالی پیش خواهد آمد؟

۱۶- علل و عوامل اِعْرَاضِ نَاسٍ از مظاهر ظهور چیست؟

۱۷- تاویل موارد زیر چیست؟

(الف - ضیق / ب - شمس و قمر / ج - سُقُوطِ نَجْمٍ /

د - سَمَاءُ / ه - اَرْضُ / و - اِنْفِطَارِ سَمَاءٍ / ز - تَبْدِيلِ

اَرْضِ / ح - ظهور علامت پسر انسان در آسمان / ط -

طُلُوعِ نَجْمٍ دَرِ سَمَاءِ / ی - نُوْحَهُ قِبَائِلِ اَرْضِ / یَا -

سَحَابٍ وَ غَمَامٍ / یَب - دُخَانٍ / یَج - مَوْتٍ وَ حَيَاتٍ)

۱۸- حقیقت سلطنت مظاهر ظهور و اولیاء الهی چگونه است؟

۱۹- حقیقت قیامت و حُشْر و نُشْر و بَعَثِ مَوْءِ مَنِيْنٍ چیست؟

۲۰- غرض از اجتماع گرگد و میش چیست؟

هفته دهم

۱۵- غَايِبِ قُصُوْاى عِلْمِ وَ نَهَايَتِ وَ مُنْتَهَاى اَن چيست؟

۱۶- مضمون مطلب زیر را بنویسید:

" طَلَبُ الدَّلِيْلِ عِنْدَ حَمُوْلِ الْمُدْلُوْلِ قَبِيْحٌ وَّالْاِسْتِغَاثُ

بِالْعِلْمِ بَعْدَ الْوُصُوْلِ اِلَى الْمَلُومِ ، مَذْمُوْمٌ "

۱۱۷- دو آیه قرآنی که دلالت بر رجعت مومنین و

مشرکین دارد، چیست؟ مضمون هر دو را بنویسید.

۱۱۸- آیه " لا تَفْرُقْ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رَّسَلِهِ " دلالت بر

مقام مظاهر ظهور دارد؟

۱۱۹- چگونگی در حقی مومنین به امر جدید، حکم حیات جدید صادق است؟

۱۲۰- حضرت بهاء الله آنچه را عامل تغییر و تبدیل نفوس پس از ایمان به امر جدید می‌شود، به چه تعبیری می‌فرمایند؟

۱۲۱- چرا در هر ظهور به نفوسی که در ایمان سبقت یافتند و به معرفت امر جدید رسیدند، حکم رجوع مومنین دور قبل صادق می‌آید؟

۱۲۲- تمثیل حضرت بهاء الله در مورد رجوع نفوس، در هر دور چیست؟

۱۲۳- چرا حضرت اعلیٰ، مظاهر امر را به "شمس" تمثیل کرده‌اند؟

۱۲۴- از این بیان حضرت محمد که فرمود: " منم آدم اول " چه نکته‌ای درباره " خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مَعْلُوْمٌ " می‌گردد؟

۱۲۵- اولیت و آخریت حق از چه نوعی نیست؟ چرا؟

۱۲۶- اولیت و آخریت مظاهر امر از چه نوعی است؟ چرا؟

هفته یازدهم

۱۲۷- از جمله سُبْحَاتِ مَجَلَلَه چه کسانی هستند؟

۱۲۸- چرا حضرت بهاء الله تَسْبِيْتِ مَرْدَمٍ را از علمایشان من دون الله می‌دانند؟

۱۲۹- چرا کثرت نفوس و لبان علم، سبب و علت علم و صدق نیست؟

۱۳۰- در جمیع ادوار ظهور مظاهر امر، چه کسانی مردم را از سبیل حق، منع می‌نمودند؟

۱۳۱- حضرت بهاء الله چه امری را اعظم امور و اکبر اعمال می‌دانند؟

۱۳۲ - یکی دیگر از سُبْحَاتِ مُجَلَّه که کَشَفِ آن از اعظم

امور است، چه چیز می باشد؟

۱۳۳ - دوروایتی که برای توضیح اُسْرَارِ خُتْمِ و رُجْعِ و لا اَوْلِيَّةَ و لا اٰخِرِيَّةَ آورده اند، چیست؟

۱۳۴ - مضمون آیه زیر چیست؟

" اٰفْتَوْهُمِنۡ وَّ مَنۡ وَّ تَكْفُرُوۡنَ بِبَعْضِ " "

۱۳۵ - حضرت بهاء الله چه امری را اعظم و اُصْرَحِ اسْمُوْر

منکور در قرآن می دانند؟

۱۳۶ - چگونه از آیات قرآنیّه در مورد لِقَاءِ اللّٰهِ و قیامت

باتوجه به استدلالاتی که جمال مبارک نموده اند،

مفهوم خَاتَمِ النَّبِيّیْنَ واضح می شود؟

۱۳۷ - اگر عباد به چه اصلی توجه می کردند، این گونه

اعتراضات را بر مظهر امر روانمی داشتند؟

۱۳۸ - " لٰكِنۡ يُّوۡءَخِّرُ ذٰلِكَ اِلَىٰ مِيۡقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُوْمٍ " اشاره

به چه چیزی است؟

۱۳۹ - مقصود از تلاوت کُتُبِ و قِرَاٰتِ صُحُفِ در هر عصری

چه بوده است؟

۱۴۰ - در آیه " فَيَوْمَئِذٍ لَا يَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ اِنْسٌ وَّ لَا جَانٌّ "

معنی "سؤال" چیست؟

۱۴۱ - مُطَابِقِ نَحْوِ قُرْآنِ، در ظهور بدیع، حساب خَلَاِیْقِ

چگونه کشیده می شود؟

۱۴۲ - حضرت بهاء الله کدام کتاب را حاوی جمیع امور

واقعه در این ظهور، از کلی و جزئی، می دانند؟

۱۴۳ - در قرآن مجید در مورد چه اموری از امر جدید،

آیات مبارکه آمده است؟

۱۴۴ - حضرت بهاء الله چرا در هر مطلب، بیانات مَكْرُر

فرموده اند؟

۱۴۵ - دو مقامی که برای مظاهر امر در ایقان مبارک ذکر

کرده اند، چیست؟

۱۴۶ - آیه " تِلْكَ الرَّسُلُ فَضَلْنَا بَعْضَهُمۡ عَلٰی بَعْضٍ "

به کدام مقام مظاهر امر، مربوط است؟

۱۴۷ - به چه علت بیانات و کلماتی از مظاهر امر،

ظاهر می شوند که ظاهراً بایکدیگر اختلاف دارند؟

۱۴۸ - چرا مردم با ملاحظه کلمات مختلفه، مظاهر

ظهور، مُضْطَرِبِ و مُتَزَلِّزِ شده اند؟

۱۴۹ - بیان " اِنِّیْ عَبْدُ اللّٰهِ " و " مَا اَنَا اِلَّا بَشَرٌ "

مِثْلُكُمْ " به کدام مقام مظاهر ظهور مربوط است؟

هفته دوازدهم

۱۵۰ - آیه " و مَا رَیَّیْتُ اِذْ رَمِیْتُ وَّلٰكِنِّ اللّٰهَ رَمٰی " "

اشاره به کدام مقام مظاهر امر دارد؟

۱۵۱ - حضرت بهاء الله ذکر رُبُوْبِيَّةِ و النُّوْحِيَّةِ

مظاهر امر را دال بر چه چیزی می دانند؟

۱۵۲ - وظیفه عباد در قبال کلمات شُمُوسِ حَقِیْقَتِ

چيست؟

۱۵۳ - " عِلْمِ حَقِیْقِي " چیست؟

۱۵۴ - حضرت بهاء الله چه چیزی را دلیل گمراهی

و تَبَعِيَّةِ نویسنده ارشاد العوام از نفس و هووی

می دانند؟

۱۵۵ - صاحب ارشاد العوام چند علم را شرط معرفت

مِعْرَاجِ قرار داده؟ چند فقره آن را نام برده اند؟

۱۵۶ - حضرت بهاء الله شرط ادراك سِرِّ مِعْرَاجِ رَاجِحِ

چیزی قرار می دهند؟

۱۵۷ - کدام آیات قرآنیّه، واضحاً و صریحاً حاوی

وصف صاحب ارشاد العوام است؟ چرا؟

۱۵۸ - در ایقان مبارک، سامری جَهْلِ لِقَبِ چه کسی

است؟

۱۵۹ - مشکلات مسائل الهیّه و مَعْفَلَاتِ اِشَارَاتِ

مطالع امر را از چه کسانی باید پرسید؟

۱۶۰ - هَرَايِطُ مُجَاهِدَةٍ وَسِيرٌ وَسُلُوكٌ چيست ؟

۱۶۱ - اکثر مردم به چه سبب از ايمان به ظهور جديد باز مانده اند ؟

۱۶۲ - چرا بايد از خطا و عصيان ديگران گذشت و اغماص کرد ؟

هفته سيزدهم

۱۶۳ - حضرت بهاء الله كُتِبَ إِلَيْهِ رَافِعٌ چه چيزي

تمثيل مي فرمايند ؟

۱۶۴ - دليل اِصَالَتِ وَأَقْدَمِيَّتِ كِتَابِ قُرْآنِ بر اَحَادِيثِ

وَرَوَايَاتِ چيست ؟

۱۶۵ - حضرت محمد (ص) چه چيزي را براي اُمَّتِ خود

به ارث گذاشته اند ؟

۱۶۶ - بر حسب ظاهر از "الم" آغاز قرآن مجيد، چه

چيزي مقصود است ؟

۱۶۷ - از آيه "الم ذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى

لِلْمُتَّقِينَ" چه نکته اي در مورد ظهور جديد معلوم

مي شود ؟

۱۶۸ - در آيه "وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ

عَرَبِيًّا... وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ

صَادِقِينَ"، منظور از "شُهَدَاء" چه كساني هستند ؟

۱۶۹ - ميان دلائل و حجج چه چيزي بمنزله شمس

است ميان نجوم ؟

۱۷۰ - چه چيزي را با اين صفات توصيف فرموده اند ؟

(كُنَّ لِأَلْيِ هِدَايَةٍ - مَخْزُونِ أَسْرَارِ أَحْمِيَّةٍ - حَبِطٌ مُحْكَمٌ

و حَبْلٌ مُسْتَحْكَمٌ - عُرْوَةٌ وَتَقَى وَنُورٌ لَا يَطْمَأَنَّ)

۱۷۱ - مطلب زير در شان چه امري است ؟

" نَارِ حِكْمَتِ بِالْبَيْتِ - مَمْدَانِيَّةٍ از آن در فوران آيين

ناري است كه دريك حين دواثر از آن ظاهر است .

در مقبلين حرارتِ حَبِّ اِحْدَاتِ نمايد و در مُبْتَضِعِينَ

بُرُودتِ غُلَّتِ آورد ."

۱۷۲ - آيا حجتى اعظم از آيات الهيه ممكن است ؟

۱۷۳ - يكي از شيوه هاي استبزاز مظاهر امر از جانب

معرضين چه بوده است ؟

هفته چهاردهم

۱۷۴ - حضرت بهاء الله در پاسخ كساني كه قرآن

را حجت براي عوام الناس نمي دانند چگونه

استدلال مي فرمايند ؟

۱۷۵ - فهم كلمات الهيه و درك بيانات مظاهر ظهور

منوط به چيست ؟

۱۷۶ - "اساطير اولين" يعني چه ؟

۱۷۷ - حضرت بهاء الله اعتقاد به ختم ظهورات

الهيّه و انبساط باب رحمت حق را به چه چيزي

تعبير مي فرمايند ؟

۱۷۸ - مقصود از " راسخون في العلم " چه كساني

هستند ؟

۱۷۹ - اين بيانات توصيف چه كساني است ؟

" الهي به جز هوي اخذ نكرده اند و به غير ذهاب

مذهبي نيافته اند و به حجيات علم محتجسب

گشته اند و به فلاليت آن گمراه شده اند ."

۱۸۰ - حضرت بهاء الله مقصود از " وَاسْمُهُ اللَّهُ عَلَيَّ

عِلْمٌ" را چه نساني مي دانند ؟

۱۸۱ - حضرت بهاء الله ، حضرت اعلي را در چه مور

بامظاهر قبل قايسه مي فرمايند ؟

۱۸۲ - شان نزول آيه " قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَسَلٌ

تَبَقْمَرُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا..."

چيست ؟

۱۸۳ - در قرآن چه چيزي را براي معرفت مظاهر

ظهور ، حجت تراز داده اند ؟

۱۸۴ - از جمله " عَلِلُّوا لِحُزْنِهِمْ بَعْدَ مَا كُنْتُمْ

چه بوده است ؟

۱۸۵ - حضرت بهاء الله چگونه بر او لواء العزم بسودن

حضرت اعلیٰ استدلال می فرمایند؟

۱۸۶ - در هر دور، مفسرین چه ایرادی به پیروان اولیه

مظاهر ظهور وارد می آوردند؟

۱۸۷ - تفاوت عمده پیروان حضرت اعلیٰ با پیروان

اولیه ادیان سابقه چیست؟

۱۸۸ - "لَوْلَا مَا اسْتَوَى اللَّهُ عَلَى عَرْشِ رَحْمَانِيَّةٍ وَ

مَا اسْتَقَرَّ عَلَى كُرْسِيِّ صِدْقِيَّةٍ" در شان چه کسی

است؟

۱۸۹ - "وَحِيدٍ عَصْرٍ وَفَرِيدٍ زَمَانٍ" لقب چه کسی است؟

هفته پانزدهم

۱۹۰ - بیان ذیل در شان چه کسانی است؟

"بعضی عباد که دین را به درهمی دادند و بقا را به

فنا تبدیل نمودند و گوشت قرب را به چشمه های شور

معاوضه کردند و به جز اخذ اموال ناس، مسرادی

نجویند چنانچه مشاهده می شوند که کل به زخارف

دنیا مشغول شده اند..."

۱۹۱ - حضرت بهاء الله پیروان حضرت اعلیٰ را چگونه

با اصحاب سیدالشهدا مقایسه می فرمایند؟

۱۹۲ - علامت صدق و کذب در قرآن چگونه تعیین شده

است؟

۱۹۳ - بیان ذیل در شان چه کسانی است؟

"برای ذهب از مذهب گذشته اند و برای جلوس بر

صدر از اول ماصدر احتراز جسته اند..."

۱۹۴ - علما و فقهای که به امر حضرت باب مؤمن

شدند چه تفاوتی با دیگر علما داشته اند؟ چرا آنان

مؤمن نشدند؟

۱۹۵ - حضرت بهاء الله آیه "وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِي

السَّكُورُ" را شاهد چه مطلبی می آورند؟

۱۹۶ - مقصود حضرت بهاء الله از ذکر احوال مؤمنین

حضرت اعلیٰ و ظهورات سابقه چه بوده است؟

۱۹۷ - مشخصه علما مؤمن به حضرت اعلیٰ چه بوده

است؟

۱۹۸ - از بین دلایل حقایقت حضرت اعلیٰ، کدام دلیل

چون شمس مشرق است؟

۱۹۹ - "أَوَّلُ وَأَعْظَمُ وَأكْبَرُ جَمِيعِ كُتُبٍ" در شان کدام

یک از آثار حضرت اعلیٰ بیان شده است؟

۲۰۰ - در مقابل آنان که می گویند حضرت اعلیٰ برای

ریاست ظاهره و جمع زخارف، ایمانی رسالت کرده اند

حضرت بهاء الله چه دلایلی می آورند؟

۲۰۱ - مقصود حضرت محمد (ص) از "شَيْبَتِي الْاَيْتِيْنِ"

چیست؟

۲۰۲ - بعد از استقامت، چه چیز دیگری از جمله دلایل

حقانیت حضرت اعلیٰ است؟

۲۰۳ - علاوه بر همه این مطالب و دلایل مذکوره در

ایقان چه دلیلی را حضرت بهاء الله اعظم دلیل و

اکبر حجت بر حقیقت حضرت اعلیٰ می دانند؟

۲۰۴ - حضرت بهاء الله نتیجه تفکر در اعتراضات

مردم بر حضرت اعلیٰ را چه می دانند؟

۲۰۵ - چرا حضرت بهاء الله علی رغم میل مبارک به ذکر

احادیث قبل، چند حدیث درباره ظهور حضرت اعلیٰ

می آورند؟

۲۰۶ - مضمون آیه "يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ اِلَى شَيْءٍ نَّكَرٍ"

چیست و در تأیید و تصدیق کدام حدیث آمده است؟

هفته شانزدهم

۲۰۷ - در دعای ندبه چه مطالبی دلالت بر شرع جدید و

امربدیع می نماید؟

۲۰۸ - حضرت امام صادق (ع) چه نصیحتی به امت خود

می نماید؟

۲۲۴ - مقصود حضرت بهاء الله از تکرار احادیثی که

دلالت بر وجوه متعدّد علم دارد، چیست ؟



۲۰۹ - در "أزیمین" اکثر اعداء کسی که از بنی هاشم با احکام جدید ظاهر می شود، چه کنائی گفته شده اند ؟

۲۱۰ - حضرت صادق (ع) درباره "علم" و ظهور آن در زمان قائم چه می فرمایند ؟

۲۱۱ - در حدیث جابر در لوح فاطمه، در وصف قائم چه چیزی گفته شده است ؟

۲۱۲ - در روئے کافی در بیان زورا چه حدیثی نقل شده است ؟

۲۱۳ - حضرت صادق درباره علمای زمان قائم چه می فرمایند ؟

۲۱۴ - حضرت بهاء الله چه نصیحتی به علمای بیسان می فرمایند ؟

۲۱۵ - نصایح حضرت بهاء الله به اهل بیان چیست ؟

۲۱۶ - حضرت بهاء الله چگونه از مخالفت ناطقین در آینده اخبار می کنند ؟

۲۱۷ - حضرت بهاء الله علت هجرت خویش را بسه سلیمانیه چه چیزی بیان می فرمایند ؟

۲۱۸ - حضرت بهاء الله خود را آماده چه امری اعلام می کنند ؟

۲۱۹ - حدیثی که از سنه ظهور قائم خبر می دهد، کدام است ؟

۲۲۰ - علامات اربعه حضرت قائم که در حدیث آمده، چیست ؟

۲۲۱ - حضرت بهاء الله انواع بیانات مظاهر امر را چه انواعی می دانند ؟

۲۲۲ - میزان الهی و محک حق برای امتحان عباد، چیست ؟

۲۲۳ - مضمون این حدیث چیست ؟

"لِكُلِّ عِلْمٍ سَمْعُونَ وَجْهًا وَلَيْسَ بَيْنَ النَّاسِ إِلَّا وَاحِدٌ
وَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ يَمُوتُ بَاقِيُ الْوُجُوهِ بَيْنَ النَّاسِ"

هفته ۱۰ هجدهم

● در این هفته نیز همچون هفته ۹، نهم به منظور مرور مطالب هفته‌های گذشته - بجز هشت هفته اول - سوالات کلی که پاسخ به آنها نشان‌دهنده میزان تکرار شما از مطالب خوانده شده است مطرح کرده‌ایم. به این سوالات نیز نخواست از بر پاسخ گویند سپس با مراجعه به کتاب، از میزان صحت پاسخهای خود مطمئن شوید.

- ۱ - عِلْمِ حَقِيقِي وَشَرْطِ صِدْقِ اَنْ يَرَعَالِمَ چيست ؟
- ۲ - حضرت بهاء الله اهل ارض را به چه امري در عراق بشارت مي دهند ؟
- ۳ - حضرت محمد در قبائل مري که از او معجزه هاييل صادر و قابيل طلب مي کردند چه پاسخ دادند ؟ آيه حاوي اين پاسخ نشاندهنده چه اصلي درباره عصر ظهور مظاهر امر است ؟
- ۴ - آيات قرآنيه مشعر بر وحدت مظاهر مقدسه کدامند ؟ احاديثي که در اين مورد روايت شده اند کدامند ؟
- ۵ - آثار حيات جديد مومنين چيست ؟
- ۶ - حقيقت اوليت و آخريت و خاتميّت چيست ؟
- ۷ - مصاديق سبحات جلال کدامند ؟

- ۸ - بيان حضرت علي (ع) که مي فرمايند: اَلْفِ فَاظِمَه نِكَاحِ نَمُوْدِمِ كَهْمَه بِنْتِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ بُوْنْدَمِ " موميد چه اصلي است ؟
- ۹ - اهميت " لِقَاءُ اللهِ " در قرآن کریم تاچه حد است ؟
- ۱۰ - حضرت بهاء الله درباره چگونگی حساب کشیدن از خلایق در يوم ظهور قائم چه مي فرمايند ؟
- ۱۱ - منظور حضرت بهاء الله از تکرار آيات مربوط به " دارالسلام " چيست ؟

۱۲ - حقيقت اظهار الوهيت مظاهر امر چيست ؟

- ۱۳ - مقامات مختلفه مظاهر ظهور که در بيانات و اعمالشان ظاهر مي شود، چيست ؟
- ۱۴ - چرا مردم نسبت جہل به مظاهر ظهور مي دهند ؟
- ۱۵ - معنای حقيقي " اَلْعِلْمُ حِجَابُ الْاَكْبَرِ " چيست ؟
- ۱۶ - سوالات و اشکالات را بايد از چه کسانی پرسيد ؟
- ۱۷ - شرايط مجاهده و سلوک چيست ؟
- ۱۸ - کدام مدينه است که تجديد مي شود ؟ پس از چند سال اين تجديد صورت مي گيرد ؟

۱۹ - مقام احاديث و آيات را از نظر حجيت چگونه بيان فرموده اند ؟

۲۰ - دلايل لزوم استمرار فيض الهی و نزول کتوب آسمانی چيست ؟

۲۱ - دليل ايمان علمای حقيقي به امر حضرت اعلی چه بوده است ؟

۲۲ - دليل اعرافی علمای مشهور از امر حضرت اعلی چه بوده است ؟

۲۳ - دلايل حقايق ظهور حضرت اعلی کدامند ؟

۲۴ - امر حضرت اعلی از نظر دلايل حقايق باديانيت اسلام چگونه مقايسه مي شود ؟

۲۵ - حضرت بهاء الله درباره مخالفت اهل بيان با من يظهره الله چه اذاراتي مي فرمايند ؟

هفته ۱۱ هجدهم

در این هفته برای مرور کلیه مطالب، با استفاده از سوالات هفتگی و یادداشت‌های شخصی، خود را بیازمایید.

امیدواریم طی این دوره توانسته باشید با این سفر جلیل آشنا شوید و آغازی برای پرواز در آسمان معانی ایقان بوده باشد. توفیق حق، رفیق راهتان!

الف

أَجْرًا آخِرَ : پایانی که پایانی ندارد .

آسِن : گندیده ، آب تغییر یافته و کشیف .

أَبْلَغُ : کاملتر ، رساتر .

أَبْلَغُ از تَصْرِيح : رساتر از آشکارا بیان کردن .

إِتِّبَاعُ : پیروی کردن ، اطاعت کردن .

إِثْبَاتُ : کنایه از ایمان به مظهر الهی و عرفان می باشد
و در مقابل نفی بکار می رود .

أَثْقَالُ : بارهای سنگین ، وزن ها ، آنچه که به وجدان سنگینی کند .

أَثْنَاءُ : میانه ها ، وسطها

أَثِيمٌ : بسیار گناهکار ، لقبی که خود حاجی محمّد کریمخان کرمانی برای خود انتخاب کرده بود .

إِحْتِجَاجٌ : مُجَادَلَةٌ کردن ، حُجَّتٌ و دَلِيلٌ آوردن .

أَخْبَارٌ : خبرها ، روایات ، أَحَادِيثٌ منقوله از أَهْلِ أَطْهَارٍ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . / مفرد : خَبَرٌ

إِخْفَاءٌ : پنهان شدن ، پنهان کردن .

أَدَانِيٌّ : مردم فرومایه .

إِثْبَارٌ : إِعْرَاضٌ نمودن ، پشت کردن .

أَدْلَى : دَلِيلُهَا ، حُجَّتُهَا

أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ : افسانه های پیشینیان .

إِسْتِجْلَابٌ : جَلْبٌ رضایت خاطر دیگران کردن .

إِسْتِرْفَاءٌ : طَلْبٌ رضایت کردن ، رضایت جستن .

إِسْتِشْفَاءٌ : طَلْبٌ درمان و شفا کردن .

أَسْتَعْفِرُ اللَّهَ : طَلْبٌ بخشش می کنیم از خدا .

أَسْهَلُ : آسانتر (این)

أَشَدُّ ظَهْرًا " و أَعْظَمُ نُورًا " : باظهور شدیدتر و بانور

بزرگتر .

أَسْرَحُ : آشکارتر (این) ، صریحتر (این)

أَضْدَادٌ : چیزهای مُخَالِفٌ یا یکدیگر / مفرد : ضِدٌّ

أَضْلَالٌ : گمراه کردن .

أَظْهَرَ مِنَ الشَّمْسِ : روشنتر از خورشید .

إِمَادَةٌ : برگرداندن ، باز گردانیدن .

أَعَالِيٌّ : اشخاص بلند مرتبه .

أَعْوَرٌ : مرد بیک چشم .

أَفَاضَةٌ : فیض رساندن .

إِفْكِيَّةٌ : دروغین ، بی عمل .

أَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ : نزدیکتر به خدا .

أَقْوَمُ : راست تر (این) ، مُحْكَمٌ تر (این) .

إِكْسِيرٌ : آنچه من را طلا می کند .

أَكْوَابٌ : جامهای بدون دسته برای آب خوردن .

إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ : به جز آنچه را که خدایت بخواهد .

إِلَّا مَنْ شَاءَ رَبُّكَ : بجز کسی را که خدایت بخواهد .

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ : تمام سپاس بر خدا باد .

أَلْفَاوَةٌ : هزار مرتبه .

اللَّهُ أَكْبَرُ : خدا بزرگ است .

إِلَى أَنْ قَالَ : تا اینکه گفت .

إِلَى نَهَائِهِ لِإِهْلَائِهِ : تا پایانی که پایانی برای آن نیست .

إِمْضَاءٌ : نافذ و جاری کردن

أَمِّيَّتِينَ : جمع أُمِّيٌّ به معنای تحصیل نکرده .

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ : ما از خدائیم وبه سوی او

بر می گردیم .

إِنزَالٌ : نازل کردن ، فرو آوردن .

إِسْدَادٌ : بسته و مسدود شدن ، بند آمدن .

إِنْ شَاءَ اللَّهُ : اگر خدا بخواهد .

إِسْقَادٌ : بستن و بسته شدن پیمان .

إِنْفِكَاكٌ : از هم جدا شدن ، باز شدن .

أَنْبَارٌ حَيَوَانٌ : دندهای زندگی

أَنَا إِلَهٌ : الهته من خدا هستم .

أَوْ أَزِيدُ : یا بیشتر .

أَوْ أَقَلُّ : یا کمتر .

أَوَانُ : وقت ، حین ، زمان .

أَوْسَعُ : وسیعتر (بین) ، گشادتر (بین) .

أَوَّلُ لَا أَوَّلَ : ابتدایی که آغازی ندارد .

أَوَّلُ مَا صَدَرَ : اولین چیزیکه صادر شد .

أَوْلُو الْأَفئِدَةِ : صاحبان قلوب

أَوْلَى الْأَيْقَانِ : صاحبان یقین .

أَوْلَى الْعِلْمِ : صاحبان علم .

إِهْلَاكٌ : هلاک کردن ، از بین بردن .

أَهْلَةٌ : جمع هلال بمعنی ماه نو .

إِيَابٌ : برگشتن ، مراجعت نمودن .

أَيْضًا : نیز ، همچنین ، تکرارا " .

ب

بَأْسٌ : گناه ، مسؤلیت ، حرج .

بِالْبَيِّنَةِ : به روشنی ، به وضوح .

بِالْفِطْرَةِ : از روی فطرت ، فطرتا " .

بِالْمَرَّةِ : دائمًا " .

بِتَمَامِهِمْ : کلاً " .

بِحُجَّتِ بَاتٍ : قطعی یقین وبدون تردید .

بِحُرِّ الْبُحُورِ : دریای دریاها ، استعاره از مظهر امر الله

بِحَمْدِ اللَّهِ : با سپاس از خداوند .

بِدْءِ : اَوَّلُ ، آغاز .

بِدْءِ النَّبِيِّينَ : اَوَّلِ پیامبران ، حضرت آدم .

بِدَائِعِ : چیزهای نو ، تازه ، عجیب ، شگفتیها .

بِدَعْمِهِ : تازه ، نوظهور ، جدید وبی سابقه .

بِرِيَّةٍ : خلق ، مردم .

بُطُونٌ : نهانی .

بُطُونُ اللَّهِ : حقیقت خدا .

بُشْتٌ : فرستادن ، برانگیختن ، بیدار کردن ، زنده کردن

بِعَيْنِهِ : عینًا " ، به مانند .

بِعَيْنَيْهَا : مانند آن ، مثل آن .

بِنَفْسِهِ : بختنهایی ، خودش .

بِيضًا : روشن ، خداوند به حضرت موسی دو حُجَّتِ برای

اثباتِ مظهریتش عطا نمود ، یکی عَصَا بود که چون

می افکند به شکل ماری عظیم مجسم می شد و دیگر ، یَدِ

بِيضًا بود یعنی چون دست خود را در بغل خود

پنهان می ساخت و بیرون می آورد بسیار روشن و

نورانی می نمود از این جهت آنرا یَدِ بِيضًا نامیده اند

که به معنی دست تابنده است .

ت

تَأْسِيٌّ : پیروی کردن ، اقتداء کردن .

تَأْوِيلٌ : معنی باطنی آیاتِ مُتَشَابِهَةٍ إِلَهِيَّةٍ است که در

کتاب آسمانی نازل شده ، عِلْمِ تَأْوِيلِ ، مخصوص است به

خدا و راسخین در علم که مظاهرِ مُقَدَّسَةٍ و اولیایِ مُلَهُمْ

به إلهاماتِ غیبیه هستند .

تَمَامَةٌ : کامل و تمام .

تَبْيَانٌ : ظاهر نمودن ، آشکار ساختن معنی .

تَجَرِيدٌ : مقام ذات که جمیع صفات را در آن مقام راهی

نیست ، از صفات ممکنات برکنار بودن .

تَجَلِّيٌّ خَاصٌّ : مقام فیضِ مُقَدَّسِ که ذاتِ غیبِ الْغُيُوبِ ،

چهره دلارای خود را در مراتبِ خَلْقِ مشاهده می فرماید

و اَشْرَفِ خَلْقِ ، انسان کامل است که مظهرِ اَمْرِ اللَّهِ

است و بنابراین انسان کامل است ، تَجَلِّيٌّ خَاصٌّ حضرت

غیبِ الْغُيُوبِ است لِهُدَا لِقَائِ او عینِ لِقَاءِ اللَّهِ و

عِرْفَانِ او عینِ عِرْفَانِ اللَّهِ است .

تَجَلِّيٌّ عَامٌّ : تَجَلِّيٌّ إِلَهِيٌّ است به تمام موجودات که در

این مقام همه ممکنات محل ظهور و تَجَلِّيِّ حَقِّ جَلِّ و

عَزِّ می باشند .

تَحْدِيدٌ : مقام تحدید انبیا که مقابل مقام توحید بوده

در این خصوص بسیار سنگین است و کار مشکلی است .
منظور از ثَقُلَ اعْظَمَ مَبْنِیَّاتِ آیات یا خاندان حضرت
رسول هستند و ثَقُلَ اَكْبَرُ قرآن کریم است .

ثَلَاثَه : سه (در اصطلاح اسلامی سه مقامی است که قادر به
فهم آیاتند .)

ج

جَزْوَه : شعله ، آتش .

جُرُز : زمین خشک و بی گیاه ، شوره زار .

جُرْزَه : بوته جُرُز

جَعَلَ : حشره ایست مانند سوسک ریز که روی برگین

حیوانات می نشیند ، به شخصی فراموش و بیست نیز

إِطْلَاقٌ می گردد .

جَعَلِیَّاتٌ : ساختگیها .

جَلُّ نِكْرَهٌ : نام او بزرگ است .

جَلُّ وَعَزٌّ : بزرگ و شریف است .

جَمْعٌ : مقام توحید و وحدت حقیقی و روحانی مظاهر

مُقَدَّسَهٗ اِلَهِیَهٗ از حیث حقیقت متجلیهٔ الهیه است

که در همه آنها تجلی کرده و از این جهت همه یکی

هستند و تعددی در میان آنها نیست .

جَمْدِیَّتٌ : جنگاوری و شجاعت .

جَوْعٌ : گرسنگی .

جَوْهَرٌ : اصل و ذات طبیعی هر چیز ، آنچه قائم بالذات

باشد ، مُقَابِلٌ عَرَضٌ .

جَوْهَرُ الْجَوَاهِرِ : ذات الهی

جَهْرًا : آشکارا .

جَبِیدَه : پاک ، نیکو برگزیده .

ح

حِجَازِی : منسوب به حجاز (حجاز : به شبه جزیره

عربستان اطلاق می شود ولی در حقیقت قسمت غربی

عربستان است که شهرهای مهمی از جمله مدینه و

مکه معظمه و جده در آن واقع است .

دَلَالَتٌ بِرِ حُدُودَاتِ بَشَرِی اَنْبِیَاءٌ دارد که در این

مقام انبیا باهم تفاوت دارند و بعضی افضلند

بر بعضی .

تَحْدِیْدَاتٌ : محدودیت ها .

تَشْكِیْکٌ : در شك انداختن ، شك کردن .

تَسْتَبِیُّ : از حده گذشته ، ستم کردن .

تَعْرُضًا : با جهت اعتراض .

تَنْبَیْنٌ : مضمون ساختن ، به زیان و خسران افکندن .

تَضْفِیْیَاتٌ : آوازه های خوش ، زمزمه ها .

تَجْرِیدٌ : تجرید ، فردی کتا دانستن ، تفصیل

تَفْصِیْلٌ : مقام تفصیل مظاهر مقدسه عبارت است از

شُورُنِ جِسمَانِیَّهٖ وَ حُدُودِ زَمَانِیِّ وَ مَكَانِیِّ وَ نِزَادِیِّ

مَظَاهِرِ مُقَدَّسَهٗ که هر کدام از اقلیمی و نسزادی

مخصوص در زمانی معین و مکانی معین بسا

شریعتی خاصی ظاهر شدند و از این نقطه نظر با

هم اختلاف دارند .

تَعَامُلٌ : شاکفته شدن .

تَفَقُّدٌ : به مهربانی از احوال شخصی غایب پرسیدن .

تَقْوَى : پرهیزکاری ، تقوی داشتن .

تَلْوِیْحَاتٌ : اشارات .

تَوْحِیْدٌ : مقام توحید انبیا که مقابل تحدید بسوده

مقامیست که صرف نظر از حدودات بشری ، ناظر به

وَحْدَتِ مَبْدَأٍ وَ مَابٍ وَ مَقْصَدِ اَنْبِیَاءِ است و در ایسن

مقام همه انبیا واحدند .

تَهٌ : ضلالت ، گمراهی ، بیابانی که در آن سرگردان و گم

شوند .

ث

تَعْبَانٌ : ازدها ، مار بزرگ .

ثَقُلَ اعْظَمَ : حضرت محمد خاندان خود و قرآن کریم را

ثَقُلًا : زیرا که عمل و اجرای دستور رسول الله

حُجُبَات : جمع حجاب به معنی پرده

حُشْر : برانگیختن ، جمع کردن

حَقُّ التَّيَقِينِ : مقام اطمینان قلب

حَقُّ لَارِيْبٍ فِيْهِ : بدون شك ، حَقِّ است

حَقِيْقَةُ الحَقَائِقِ : ذات الهی

حِكْمِيَّةٌ : حکمت آمیز

حَمَامَاتِ اَزَلِيَّةٍ : منظور، مظاهر ظهور الهیة هستند

ح

حَامَّةٌ : اهل شیعه (در مقابل اهل سنت که عامَّة می باشند)

حَالِمًا " لِلهِ وَطَلِبًا " لِرِضَائِهِ : از روی خلوص نیت و به

سبب کسب رضای حق

خَتْمُ النَّبِيِّينَ : منظور حضرت محمد، آخر پیامبران

خَدَنُگ : تیر راست و بلند

خِرَاطِيْنِ : کرمهای نازک و قرمز داخل خاک دریاچه

خِرَاطِيْنِ

خُشْبٌ : جمع خُشْبٌ بمعنی چوب و هیزم

خُفَّصِ جَنَاحٍ : پائین آوردن بال، کنایه از نواضع و فروتنی

و شکسته نفسی

خَلْعٌ : جامه های مُزین، در تشبیه برای صفات حسنه و

اخلاقی حمیده نیز گفته می شود ، مفرد : خَلَعَتْ

خُمْسِيْنَ اَلْفٍ : پنجاه هزار

خُمْسِيْنَ اَلْفِ سَنَةٍ : پنجاه هزار سال

خَيْطٌ : نخ ، ریسمان ، رشته

د

دَالٌ : دلالت کننده ، هدایت کننده

دَانِيَّةٌ : در فارسی به معنای پست و فرومایه و حقیر مصطلح

می باشد

دَرِيْبَةٌ : روشن و درخشنده ، مُتَلَالِيٌّ ، تابنده

ذَوْنٌ : غیر ، زیر ، حاکم

ذَوْنِ ذَلِيْلٍ : غیر از آن

ذ

ذَاتٌ : نفس و عین و جوهر و حقیقت هر موجود

ذَنْبٌ : گناه

ذَوَاتٌ : بزرگان مفرد : ذات به معنی نفس و عین

و حقیقت هر موجود ، نیز صاحب و دارنده

ذِي الْجَلَالِ : صاحب بزرگی و رفعت

ذِي بَصَرٍ : صاحب چشم ، دارای بصیرت

ر

رَبُّ الأَرْبَابِ : خدای خدایان ، اَز القَابِ جَمَالٍ مَبَارَكٍ

رَبُّ المَالِئِيْنِ : پروردگار عالمیان

رَبُّ العِزَّةِ : خداوند عزت

رَبُّ العِظَمَةِ : خداوند عظمت

رُجَمَتْ : بازگشت به دنیا

رُجْمٌ : با سنگ زدن ، کشتن بوسیله سنگسار کردن

رُشْحٌ : ترشح کردن ، قطره

رُفُوفٌ : طبقه ، جایگاه جمع : رُفَافٌ

رُفْحٌ : نیزه ، فقر و فاقه

رَوَايَتٌ : اخبار

رُوحُ الأَرْوَاحِ : جان جانها

رُوحٌ حَيَوَانٌ بَاقِيَةٌ : روح زندگی باقی

رُوحٌ مَاسِيَوَةٌ مُدَاهٌ : جان آنچه غیر از اوست فدای او باد!

ز

زَخْرَافٌ : مال و ثروت دنیا مفرد : زَخْرَفٌ

زَكِيَّةٌ : خیر و نیکوکار ، صالح ، شخصی پاک و منزّه و

بری از گناه

زَمَنٌ : وقت ، زمان ، عَصْرٌ جمع : أَرْوَاحٌ ، اَزْمَنٌ

س

سَاجِدٌ : ساده ، بی آرایش ، در فارسی بمعنای خالص ،

جوهر جمع : سَوَاجِدُ

سَاجِدُ السَّوَادِجِ : حَقِيقَةُ الْحَقَائِقِ .

سَافِرٌ : شیپور بزرگد، کَرَمًا

سَبٌّ : به سختی دشنام دادن ، سَتْمٌ ، بریدن

سَبْتٌ : روز شنبه ، این روز برای یهودیان مقدس است

و به تاکید تورات ، کار کردن در این روز حرام است .

سُبْحَاتُ جَلَالٍ : سُبْحَاتُ به موانع و حُجَبَاتُ اِطْلَاقِ

می شود که بین انسان و مقصودش حائل است . سُبْحَاتُ

جَلَالٍ به مسائلی اِطْلَاقِ شده که مانع مردم از عرفانِ

حَقِّ و حَقِيقَتِ می شود . (مانند کَلِمَةُ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ)

سُبْحَاتُ مُجَلِّلَةٌ : سُبْحَاتُ جَلَالٍ

سُبْحَانَ اللَّهِ : بَاطِلٌ و مُنْزَهٌ است خدا .

سِبْطِیٌّ : یهودی ، اسرائیلی ، منسوب به اَسْبَاطِ

بَنی إِسْرَائِیلِ / سِبْطٌ : نوه فرزند قوم ، هَرَبِکٌ از اقوام

و قَبَائِلِ دوازده گانه بنی اسرائیل .

سَبْعٌ : دَرَنده ، حیوان دَرَنده

سِتِّینَ (سنه) : منظور سال ۶۰ یعنی ۱۲۶۰ هـ ق است که

سال ظهور حضرت اعلی بود .

سِجِّینٌ : زندان ، سخت ، شدید دوزخ و جَهَنَّم نیز تعبیر

می شود .

سُجَّیَّةٌ : خوی ، طبیعت

سُجْرِيَّةٌ : ریشخند ، استهزا ، تَسْحُرٌ

سُرَادِقٌ : سرپرده ، خیمه بزرگد/جمع : سُرَادِقَاتُ

سُلْسَالٌ : آب روان و گوارا ، شاقی و زلال

سُلْطَانُ السَّلَاطِیْنِ : پادشاه پادشاهان

سِیَاطٌ : تازیانه ها ، سختی ها ، شاید

سِیمِیَا : یکی از فنون مرموزه ، علم خواص و اسرار حروف ،

علم طلسم و جادو

ش

شَاطِرٌ : کناره ، رود ، ساحل دریا

شُحْبِيَّةٌ : سایه دار ، موهوم ، بی اصل

شُرْبِعَةٌ ، شُرْبِیْعَتٌ : دیانت ، آستانه ، محل برداشت آب از

رود یا شهر

شُهَدَاءٌ : در اصطلاح بیان ، نفوسی هستند که حضرت

أَعْلَى آنها را در بیان تا یومِ ظُهُورِ مَنْ یُظْهِرُهُ اللَّهُ

شَاعِدٌ حُجَّتِ بَاقِیَّةٌ که کتاب بیان باشد ، قرار داده اند

تا بر حَقَانِیَّتِ آن کتاب شهادت دهند و صاحب این

مرتبه را شَهِیدُ الْبَیَانِ گویند .

ص

صِرَاحٌ : خالص و صافی ، بدون غِلٍّ و غِشٍّ ، ساده

صُئِبٌ : سُخْتٌ ، حُسْبٌ و نُسْبٌ ، پُشْتٌ

صَمَدَانِیٌّ : خدائی ، الهی ، منسوب به صَمَدٌ که از اَسْمَاءُ

اللَّهِ است .

صَنَا دَیْدٌ : بزرگان ، رُؤَسَایِ قَوْمٍ ، مَهْتَرَانِ دَلِیْرٍ و شِجَاعِ

صُیْحَةٌ : فریاد ، صدا و ندای بلند ، زَجْرٌ و عَذَابٌ (صدای

نمیدن در صور در روز قیامت)

ط

طَبِیْعَتٌ : خُلُقٌ ، طَبِیْعَتٌ ، خَوِیٌّ ، خُلُقٌ

ظ

ظَانِّیْنِ : ظَنَّ كُنُودِکَانِ ، كَمَا نِ و ظَنَّ .

ع

عَالِیْنِ : عالی ها و عالی رتبه ها

عَامَّةٌ : مقصود از عامه اهل سنت و جماعت است .

عِثْرَتٌ : نَسْلٌ ، أَوْلَادٌ ، أَحْفَادٌ ، خانواده .

عِرَاقِیٌّ : منسوب به عراق ، اهل عراق ، ایرانی ، فارسی

(زیرا عراق به ایران نیز اِطْلَاقِ می شود) منظور از

لَحْنِ عِرَاقِي لِسَانِ فَارِسِي اسْت .

عَرُوبِيَّة : اَمْرِي دَوَامِ وَبِي بَقَا، مَتَاعِ دُنْيَا / شُرُونَاتِ عَرُوبِيَّة :

شُرُونِ فَانِيَّة دُنْيَا

عُرْوَةُ الْوُثْقَى : رِيْسَانِ مُحْكَم .

عُقْبِيَّة : دَوِيَا شَهَاش (يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبِيَّة = اَعْرَاضِ مِي سَمَا يَد)

عِلْمُ الْبَلِيغِيْنَ : عِلْمِي كِه اِنْسَانِ رَا بَه يَقِيْنِ رَهْبِرِي كَنْد، دَر

اِمْتِلَاحِ عُرْفَا دَر يَافْتَنِ مَعْلُومِ اسْت بَا اسْتِدْلَالِ نَقْلِي .

مَانَنْدِ اَيْنَكِه بَدَانِيْمِ وَفَلْمِي دَاشْتِه بَاشِيْمِ كِه اَتَشِي هَسْت

كِه دَر نُوْرَانِ اَشْيَاءِ اطْرَافِ خُودِ رَا مَاشَاهِدِه مِي كَنِيْمِ وَلسِي

خُودِ اَتَشِ رَا نَدِيْدِه بَاشِيْمِ .

عَيْنُ الْبَلِيغِيْنَ : چَشْمِ حَقِيْقَتِ بَيْنِ، دَر اِمْتِلَاحِ عُرْفَا مَاشَاهِدِه

مَعْلُومِ اسْت، مَانَنْدِ اَيْنَكِه اَتَشِ رَا بَچَشْمِ خُودِ مَاشَاهِدِه

كَنِيْمِ وَ بَر جُودِ اَن بِي بَرِيْمِ .

عَمِي : كُورِي، نَابِيْنَايِي، مَجَازًا " فُقْدَانِ بَصِيْرَتِ

عُيُونِ : چَشْمَهَا، چَشْمَهَا

غ

غَامِضَةٌ : اَمْرٌ مَبْهُمٌ وَ بِيچِيْدِه

غَايِبَتِ قُصُوِي : بَا لَاتَرِيْنِ مَقْصِدِ، مُنْتَهِي آرْزُو

غُرْف : بَا لَآخَانَهَا، حُجْرَه هَايِ فُوقَانِي مَفْرُود : غُرْفَه

غُرُوه : دَر مَزْرُودِ وَ هَرِ دَفْعَه اَز غُرُو، هَرِيكِ اَز جَلَكَهَايِ

سُدْرِ اِسْلَامِ كِه شَخْصِ حَضْرَتِ رُسُوْلِ نَبِيِّ تَشْرِيْفِ دَاشْتَنْدِ

جَمْع : غُرُوَات

غَش : كَدُوْرَتِ وَ تَمِيْرَكِي، خُدْعَه وَ تَزْوِيْر، دُو رُوْشِي

غَطَاء : پِرْدِه، پُوشِش

غَلْبَات : مَفْرُودِ غَلْبَه بَعْنِي چِيْرَه شَدْنِ، غَلْبَه كِرْدَنْ،

بَرْتَرِ بُوْدَنْ (دَر صَفَات)

غَمَام : اَبْرَهَا، هِيكَلِ اِنْسَانِي وَ جِسْمِ عِنْصَرِي مَطْهَرِ اَمْرَالِلَه وَ

صَفَاتِ شُرُونَاتِ بَشَرِي اَيْشَانِ وَ اَيْفَا " اَنْچِه كِه مَخَالِفِ

اُمِّيَالِ وَ اِنْتِظَارَاتِ مَرْدَمِ بَاشَدِ مِثْلِ تَغْيِيْرِ اَحْكَامِ وَ

دَلِ بَدِ غَمَامِ بَعْنِي بَه اَبْرَهَا تَشْبِيْهِ شُدِه اسْت زِيْرَا مُمْكِنِ

اسْت اَيْنِ شُرُونَاتِ مَانَنْدِ اَبْرَهَا مَانَعِ دِيْدَنْ خُورِ شِيْدِ وَ جُودِ

مُظَاهِرِ مَقْدَسَةِ اِلَهِيَّةِ كِرْدَدِ .

غَوَامِضُ : مَسَائِلِ مَبْهُمِ وَ بِيچِيْدِه

غَيْبٌ : بَارَان

غَيْبُوت : حَيْبَتِ دَاشْتَنْ، تَعَجُّبِ نَامِ اسْت دَاشْتَنْ .

غَيْبُوت : نَخُوْتِ، بَزْرَكِي، فُخْرِ وَ غُرُوْر، مَرْدَانَكِي .

ف

فَالِح : كَسِيكِه بَا هَا يَا نِيْمِي اَز بَدَنِشِ اَز كَارِ اِفْتِسَادِه

بَاشَدِ وَ حُرُوكَتِ نَكَنْدِ، دَر فَارِسِي فُلُحِ كُوبَنْدِه .

فَجَارٌ : بَدَكَارَانِ، كَنَاهَكَارَانِ، مَفْرُود : فَاجِرٌ

فَجْرَه : بَدَكَارَانِ، كَنَاهَكَارَانِ . مَفْرُود : فَاجِرٌ

فَرْقٌ : مَقْصُودِ اَز فَرْقِ مَقَامِ خُصُوصِي وَ شُرُوْنِ خَامَّةِ هَرِيكِ

فِعْرَتٌ : بَرِشْتِ، صَبِيْبَتِ، طَيْبَتِ، نَهَادِ .

فَلَكٌ : كَشْتِي

فَلَكِ چِهَارَمِ : بَه عَقِيْدَه قَدْمَا هَفْتِ سِيَاْرَه دَر جُوْزِ مِيْنِ

قَرَارِ دَارَنْدِ كِه دَر اَي فَلَكَ دَر اَي فَلَكَ كَنْدِ كِه فَلَكَ سِيَاْرَه

قَبْلِي رَا اِحَاطَه كِرْدِه، خُورِ شِيْدِكِه دَر رُوْشِي وَ نَسُوْرِ

بِي نَظِيْرِ اسْت دَر فَلَكَ چِهَارَمِ قَرَارِ دَارْدِ وَ بَه هَمِيْسِنِ

جِهْتِ دَر بِيَانِ وَاضِحِ وَ رَهْشِدِ

اَمْرِي بَه خُورِ شِيْدِ دَر فَلَكَ چِهَارَمِ مِثَالِ مِي زَنْدَنْدِ .

فَعِيْمٌ مَقَالٌ : چِه خُوبِ اسْت اَنْچِه رَا كِه كَفْتِ !

فَوَاكِه : مِيْوَه هَا، مَفْرُود : فَاكِهَه

فَوَائِدِي نَطَقِ الرُّوحِ بِاَمْرِهِ : بِي قَسْمِ بَه كَسِي كِه رُوْحِ بَه

اَمْرِشِ نَطَقِ كِرْدِ .

فِي الْجُمْلَه : بَارِي، هَمَكِي

فِي الْحَقِيْقَه : نَرِ وَاْتِعِ

فِي الْحَيِيْنِ : هُوْرَا

فِي الْمَثَلِ : مَثَلَا

فَيْضِ اَتَقْدَسِ : دَر اِمْتِلَاحِ صُوفِيَّةِ تَحْتِي ذَاتِ اِلَهِيَّةِ اسْت .

بَر نَفْسِي ذَاتِ خُودِ اِيْنِ دَاشْتِه غَيْرِ جَمَالِ غَيْبِ

کبریت احمر: اکسیر اعظم که در کیمیاگری مس را طلا می‌کند.

کحل: سرمه، مرهم چشم

کروبین: (عبری) دسته‌ای از فرشتگان که مقامی بسیار عالی دارند.

کرورها: هزاران (کنایه از کثرت است)

کفره: کافرها

کلاب: سگها مفرد: کلب ایضا " حیوانات درنده، درندگان

کل شیء: همه چیز

کل من علی الارض: تمام کسانیکه بر روی زمینند.

کل من فی الارض: تمام کسانیکه در زمینند.

کل من فی السموات والارضین: تمام کسانیکه در آسمانها و زمینند

کون: بودن، شدن، بوجود آمدن، عالم وجود

کهنه: مفرنگانه به معنی غیب گو (در زمان جاهلیت)

مسوول مراسم عبادتی و قربانی های معابد.

عالم روحانی و رئیس مذهبی در یهود و نصاری و معابد غیر اسلامی

کیمیا: شیمی - یکی از فنون یا علوم قدیمی در تبدیل

فلزی به فلز گرانبتره خصوصاً " در تبدیل مس به طلا.

کیسوت: حادث شدن و آفرینش، مجازاً " بمعنای

هستی، حقیقت، باطن و سرشت.

ل

لا تطفی: خاموش نشدنی.

لاجل: بخاطر

لا شرقیه ولا غربیه: شرقی و غربی نیست

لا یزال: همیشه

لا یفنی: فنا نشدنی.

لجه: آب زیاد، جماعت زیاد، وسیع مانند دریا

خود را در مرات ذات مقدس خود مشاهده می‌فرماید

و در این رتبه جز ذات غیب موجود دیگری نیست.

فیض مقدس: در اصطلاح صوفیه تجلی ذات الهی بر

مرایای موجودات و ممکنات و مقام تجلی ذات الهی

است در خلق که مظاهر صفات او هستند و اشرف آنها انسان است و اشرف انسان، مظهر امر الهی

است.

فوالذی نفسی بیده: پس قسم به کسی که نفسم در دست

اوست.

ق

قال و قوله الحق: گفت در حالیکه سخنش راست است.

قبطی: مصری، اهالی مصر در قدیم، در اصل قبط به

قبیله‌ای از نصاری خصوصاً " کاتولیکهای مصر اطلاق شده است.

قدریه: منسوب به قدر به معنی فرمان الهی، سرنوشت

و آنچه خداوند برای بندگان خود مقرر فرموده.

قدس الله تربتهم: خداوند تربت آن دورا مقدس بدارد

قدمانی: منظور ابدی، جاودانی و در مقامی الهی و خداوندی است.

قدیمیه: منسوب به قدم به معنی سابقه، جاودانی، ازلیت

و لا اول بودن (صد حدوث) از صفات الهی.

قرائین: مفرنگترین و قرین به معنای یار، همدم آنچه که

نشانه یا دلیل برای پی بردن به معنا یا درک مقصود یا کشف مجهول باشد.

قمایص: مفرد قمیص به معنی پیراهن

قوای: تواناییها، نیروها - مفرد: قوه

ک

کان لم یکن: مانند اینکه نبوده.

کؤوس: مفرد کاس به معنی لیوان، کاسه آبخوری

لُحْدٌ : قَبْرٌ ، كَبْرٌ

لُدْنِيٌّ : صِفَتٌ عِلْمِيَّةٌ كَهَبْدُونِ اسْتَدَاءِ فَرَاكَرْفَتِهٖ شَدِيدِهٖ بَاشَدُ .

لُكُلٌ : شَايِدٌ

لُغُوٌّ : بَاطِلٌ وَبِیْهَوْدِهٖ كَقَتْنِ ، بَاطِلٌ ، بِیْهَوْدِهٖ ، بِیْ اَرْزَشِ ،

خَطَا

لِقَا : مَلَاقَاتٌ ، دِیْدَارٌ

لَمٌ بَزَلٌ : هَمِیْشِهٖ

لَمِیْعَهٌ : بَسِیْرٌ دَرِخْشَانٌ ، نَابِیَانٌ

لَوَأَنْتُمْ فِی جَزَائِرِ عِلْمِ الْقُرْآنِ تُحْبِرُونَ : اِکْرَامٌ شَمَا دَرِ

جَزَائِرِ عِلْمِ كِتَابِ الْقُرْآنِ كَرْدَشِ كُنِیْدُ .

لَوْجَهٗ اَللّٰهٖ : بِخَاطِرِ خُدَا



مَأْثُورَةٌ : رَوَايَتٌ شَدِيدَةٌ ، نَقْلٌ كَرْدَهٗ ، كَقْتَهٗ شَدِيدٌ .

مَادَةٌ نَحَاسِيٌّ : مَقْصُودٌ مَسٌّ اَسْتُ ، بِهٖ عَقِيدَةٌ قَدِيمَا مَسٌّ یَا

مَادَةٌ نَحَاسِيٌّ پَسُّ اَز ۲۰ سَالِ مَمْكُنِسْتُ بِهٖ طَلَا تَبْدِیْلِ

شُودُ .

مَاسُوِيٌّ اَللّٰهٗ : اَنْجَهٗ غَیْرُ خُدَا سَتُ .

مَا لَا نَسْأَلُہٗ : اَنْجَهٗ بِدُونِ اِنْتِهَاسَتِ .

مَا یَمْلِكُ : دَارَا ئِی

مُبَايَعَةٌ : خَرِیْدٌ وَفَرْوَشِ كَرْدَنِ ، بَیْعَتٌ كَرْدَنِ وَغَیْطِ دُفَا دَارِی

نَمُودَن

مُتَرَدِّیٌّ : رَدَا یَا عِبَاہٗ پُوشِیْدِهٖ .

مُتَشَابِهَةٌ : مَطْلَبٌ یَا كَلَامِیٌّ كَهٗ بِطَرِیْقِ اِسْتِعَارَهٗ بَیَانٌ شُودُ

وَ دَارَا یِ دُو مَعْنٰی بَاشَدُ ، مَطْلَبٌ غَیْرُ وَاضِحٌ ، مَنظُورٌ اَز

آیَاتِ مُتَشَابِهَاتِ ، آیَاتِی اَز قُرْآنِ مَجِیْدِ اَسْتُ كَهٗ حَقِیْقَسْتُ

مَعْنٰی اَنھَا بِرِ جَمِیْعِ مَعْلُومِ نَبَاشَدُ وَ مَحْتَجَاجٌ تَا وِیْلِ بَاشَدُ

دَرِ مَقَابِلِ آیَاتِ مُحْكَمَاتِ مَسِّ اَیْدِ .

مُتَشَبِّهٌ : مَفْرُودٌ مَسْتَفْهِسٌ بِهٖ مَعْنٰی غُوطَهٗ وَرِ

مُنْكَأٌ : نَكِیْهٗ كَاہٗ ، اَنْجَهٗ بِرِ اَن نَكِیْهٗ زَنْدِ

مُتَوَكِّلِیْنِ عَلٰی اَللّٰهِ وَ مُتَوَكِّلِیْنِ اِلَیْہِ : تَوَكَّلُ كُنِیْدُ كَانِ بِرِ خُدَا

وَتَوَكَّلُ كُنِیْدُ كَانِ یَا

تَوَهِّمِیْنِ : مَفْرُودٌ مَنوُوهْمِ بِمَعْنٰی خَبَالِ كُنِیْدِهٖ ، كَمَا نِ بَرُنْدِهٖ

مَشْبُتَهٗ : ثَابِتٌ شَدِيدٌ

مُجَاهِدَةٌ فِی اَللّٰهِ : كَسِیْكَهٗ بِهٖ خَاطِرِ خُدَا مُجَاهِدَهٗ مَسِّ كُنِیْدُ .

مُجْتَنِتَةٌ : اَز بَیْحِ كُنِیْدِهٖ شَدِيدِ ، اَز رِیْشِهٖ كُنِیْدِهٖ شَدِيدِ مَشْبُتِ

كَبِیْاهٗ بِیْ رِیْشِهٖ ، بِهٖ كُنَابِیْهٖ : بِیْ اَرْزَشِ وَ اَعْتِبَارِ

مُجْرَدَةٌ : مَنقَطَعٌ اَز مَادَّةِ (مِثْلُ رُوحٍ ، عَقْلٍ وَ ۰۰۰) اَبْخَارِ

اَز شُؤْنِ دُنْیَا ، خَلِیْلِیٌّ اَز زَوَائِدِ

مُجْتَمِعٌ : مَخْتَصَرٌ

مُحَالٌّ : مَفْرُودٌ سَحْلٌ

مُحْدَثَةٌ : خَلْقٌ شَدِيدٌ ، بِوُجُودِ اَمْدِهٖ

مُحْشُورٌ : بِرِ اِنكَبِیْفَتِهٖ شَدِيدِ ، كَرْدِ هَمِ جَمْعِ شَدِيدِ

مُحْصَنٌ : مَرْدٌ زَنْ كَرْفَتِهٖ

مُحْصَنَةٌ : زَنْ شُوهْرِ دَارِ

مُحَقِّقُ الْوُقُوعِ : اَمْرٌ كَهٗ وَقُوعُ اَن حَقِیْقِیٌّ اَسْتُ

مُحَقِّقَةٌ : بِوُقُوعِ پِیُوسْتِهٖ ، تَحْقِیْقِ شَدِيدِ ، اِثْبَاتِ شَدِيدِ

مُخْتَلِفُ الْعُقَاوِدِ : بِیَا عَقِيدَهٗ هَا یِ مُخْتَلِفِ

مُخْتَلِفُ الْمَذَاهِبِ : بِیَا مَذَاهِبِ مُخْتَلِفِ .

مُخْتَلِفُ الْمِزَاجِ : بِیَا طَبِیْعَتِیْهَا یِ مُخْتَلِفِ .

مُخْذَلٌ : مَحْرُومٌ وَبِیْ بَیْرَهٗ اَز كَمَلِ وَبِیْرِی ، دَرِ قَارَسِی

خَوَارِ وَ دَلِیْلِ .

مُخْلَعٌ : دَرِ قَارَسِیِّ بِمَعْنٰی خَلِیْعَتِ كَرْفَتِهٖ وَ مَزِیْنِ .

مُذَبَّرٌ : اَدْبَارِ كُنِیْدِهٖ ، رُویِ بِرِ كَرْدَانِیْدِهٖ ، اِعْرَاضِ كُنِیْدِهٖ .

مُدْلَلٌ : ثَابِتٌ شَدِيدٌ بِیَا دَلِیْلِ .

مُدْلُولٌ : دَلَالَتِ شَدِيدِ ، مَنظُورٌ ، مَقْصُودٌ .

مُذَبِّنٌ : اَقْرَارِ كُنِیْدِهٖ (بِهٖ حَقِیْقِیِّ)

مُذْنِبٌ : كُنَاہْ كَارِ

مَسٌّ : لَمْسُ كَرْدَنِ ، دَسْتُ مَالِیْدِنِ

مُسْتَطْبِعٌ : دَارَا یِ طَاقَتِ ، قَادِرٌ وَ تَوَاوُنَا ، مَسْمُولٌ بِیَا مَالِ دَارِ

مُسْتَفْعَاتٌ فِی الْقِیَامَةِ الْاٰخِرِیِّ : مَقْصُودٌ اَز مُسْتَفْعَاتِ

هیكل مبارک جمالِ قدیم حضرت من یظهره الله است و مقصود از قیامت قیام مظهر امر الله به دعوت خلق است و منظور از قیامتِ الاخری ظهور جمالِ قدیم که بعد از حضرت اعلیٰ ظاهر شدند می باشد.

مستفاد : استفاده گردیده، حاصل شده

مستفسر : استفسار کننده، سؤال کننده و جوینا

مسطوره : نوشته شده

مسنده : تکیه گاه قرار داده شد، پیراهن پوشیده

(خشبهای مسنده : چوبهای تکیه داده شده یا

چوبهای پیراهن پوشیده)

مشتبهات : خواهش های نفسانی

مشعر : اشعار دارنده، آگاه کننده، معلوم دارنده

مشعر : درختی که به سایه آن پناه برند، محل قربانی و مسابله حج .

مضیئه : نور دهنده، روشنی بخش

معارج : پله ها، نردبانها، مجازا " مراتب عالییه، مقامات بلند"

معارضه : کلام کسی و انقض کردن و مخالفت نمودن،

کناره گرفتن و دور شدن . در فارسی بیشتر بسنه

معنای مخالفت نمودن و ضدیت کردن مصطلح است.

معننی : اعتنا کننده، کسیکه بکاری توجه و اهتمام کند

معننی : اعتنا شده، مورد توجه، قابل توجه

معزز : (اسم مفعول از تعزیز) معظّم شده، مکرم

گردیده، باعزت

معفو : عفو کرده شده، بخشوده شده

معهود : عهد شده

مغلیبن : بدخواهان و حسودان، خائنان، صاحبان

غل و غش .

مفتريات : افتراها، سخنان بی اصل و دروغ

مقال : گفتار،

مقبلیبن الی الله : اقبال کنندگان به سوی حق

مقر : محل استقرار، جایگاه

مقرین : مفرد مقر بمعنی اقرار کننده، اعتراف کننده

مقطعه : جزء جزء و جدا از هم، قطعه قطعه شده

مکمن : جای پنهان ، پناهگاه پنهان، مجازا " : جایگاه

اسرار نهانی

مکنت : قدرت و قوت، توانایی، شدت

ملا : گروه، مردم، بزرگان قوم

ملتجی : پناه جوینده .

ملح اجاج : نمک خیلی تلخ

ملحوظ : ملاحظه شده، مورد توجه، مورد مراقبت

ملفزه : سخن نامفهوم و مبهم .

ملك الملوك : سلطان سلاطین، از القاب جمال مبارک

ملکیه : منسوب به ملك به معنی عالم مشهود، عالم

محسوسات .

ممتنعیه : امتناع کننده، باز دارنده، صعّب الحصول

مشکل و سخت از نظر وصول، مجازا " مترادف با محال

و غیر قابل حصول ، مرتفع ، بلند مرتبه

مسوح : مسح شده

مميز : تمیز داده شده ، جدا شده

منافی : مخالف ، معارض ، مباین

منبسطه : گسترده شونده، گسترده، باز ، پهن ، مسرور

من حیث لا یشعر : از آنجایی که نمی فهمند .

مندک : مشهدم شده ، ویران و خراب ، نابود و منهکم

منذر : انذار کننده، ترساننده، بر حذر دارنده، بیم

دهنده از عواقب عیبیان، در مقامی رسل و انبیا منذر

می باشند

من عندالله : از نزد خدا

من غیر اشاره : بدون اشاره

مفعیل : اثر پذیرنده، مورد وقوع فعل یا نتیجه هر عمل

متاثر، سرمنده، خجل

من فی الابداع : کسانی که در جهانند

مَنْ فِي الْبِلَادِ: کسانی که در شهرها هستند ،
مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ: کسانی که در آسمانها و
زمینند .

مَنْ فِي الْمَلِكِ: کسانی که در زمینند .

مُنْقَاد: اطاعت کننده ، فرمانبردار ، مطیع .

مَوَاقِعُ: محلّهای وقوع ، زمانهای وقوع ، محلّهای نزول .

مُوقِدَه: برافروخته ، مشتعل .

مُهْتَدِي: هدایت شونده ، کسی که راه راست را یافته و
هدایت گردیده .

ن

نَابِرَه: برافروخته

نَحَاس: مس ، آتش ، سرشت و طبیعت

نَسَمَات: انفاس مفرد: نَسْمَه

نَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ: ما بندگان خداوندیم .

نَسْمَه اللَّهِ: نسیم حق

نَسْنَس: نوعی میمون ، مجازاً " فریب دهنده "

شیطان بصورت انسان در فارسی خسیس و پست بدجنس

و حَقّه باز ،

نَصَح: جمع نصیحت به معنی پند و اندرز ، و عِظّه ،

ارشاد و دعوت به خیر و صلاح .

نَعْمُ: چه خوب! ، به به!

نَعِيبُ: بانک غراب و زاع که آنرا شوم می دانند .

نَفَاد: تمام شدن ، فانی شدن

نَسِيْتُ: فراموشی ، سستی کردن ، طرد کردن ، کنایه از

عدم ایمان به مظهر امر می باشد و مقصود از اهل نَسِيْ،

اهل کفر است

نَقْرَه: يك بار دمیدن ، دمیدن در ناقور

نُورُ الْأَنْوَارِ: از القاب حضرت بهاة الله

نِيران: آتش ها مفرد: نار

نِیرین: دو نیر، منظور خورشید و ماه است .

نِيسان: ماه بارانهای نافع در ماه مبارک

به خودباران بهاری و باران نيسانی نیر اطلاق شده
است .

و

وَاحِدٌ أَبَعَدَ وَاحِدٍ: یکی بعد از دیگری ، یکی یکی .

وَافِيه: وفا کننده به عهد و پیمان ، تام و تمام ، کامل .

وَاقِف: درك کننده ، مُطْلِع ، آگاه ، بلند شده .

وَ الْحَقُّ يَقُولُ: و حق می گوید .

وَ كَانَ اللَّهُ عَلَيَّ مَا أَقُولُ شَهِيدًا: خداوند شاهد است

بر آنچه می گویم .

وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا: شهادت خداوند کافی است .

ه

هَاطِل: ریزان ، باران شدیدی که پی در پی بیبارد .

هَدَمُ: خراب کردن ، از بین بردن ، ویران کردن .

هَرِيه: حقیقت و ذات هر شیء ، هستی و وجود منسوب

به هُو ، ماهیت ، باطن ، در آثار عرفانی، ذات مطلق

باری تعالی است .

هَمَج رُعَاع: مَس ریزی که به چهار پایان می نشیند در

لسان عرب به مردم پست و فرومایه اطلاق می شود

و نیز به مردم عاری از عرفان الهی و معرضین و غافلین

از حق گفته شده .

هُوَ الْغَالِبُ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ: او غالب بر همه چیزهاست .

ی

يَبُوسُ: خشکی

يَقْظَه: بیداری ، آگاهی ، تنبیه ، هوشیاری

يَنْبُوع: چشمه آب ، سرچشمه ، جوی پر آب .

(جمع: يَنْابِيع)

يَوْمُ التَّنَادِ: مقصود روز قیامت است که روز قیام مظهر

أمر الله می باشد . در قرآن مجید از روز قیامت به يَوْمُ

التَّنَادِ تعبیر شده است . روز جدا شدن و پراکندگی

آقا سید یحیی (دارابی):

جناب آقا سید یحیی دارابی از اجلّه علمای عصر و فرزند "آقا سید جعفر کشفی" که دارای چندین کتاب در مورد کشف و کرامات و کشف بلاطن قرآن می باشند جناب آقا سید یحیی دارابی از طسرف محمد شاه مأمور تحقیق امر حضرت باب شدند که منجر به ایمان ایشان و تشریفشان بحضور حضرت بهاء الله در طهران نیز گردید. در ۱۸ شعبان ۱۲۶۶ هجری (ده روز قبل از شهادت مولای معبود شان حضرت رب اعلی) شهید شدند، لقب وحید را حضرت رب اعلی بایشان عطا فرمودند.

این صوری

از علمای بهود است که در زمان رسول الله در مدینه می زیستند.

ابو جهل

لقب عمر و ابن هشام ابن مغیره مخزومی است که از محترمین قریش و ملقب به ابوالحکم بود که چون با شریعت الهیه مخالفت ورزید و عداوتها نمود ابو جهل گردید و در واقعه بدر کشته شد.

ابو عامر راهب

اعراب به اخبار و زهاد نصاری نیز راهب می گفتند چنانکه ابو عامر راهب نیز مسیحی بود و بر اهل مکه قصه می گفت تا ظهور واقع شد و بمخالفت و خصومت

با رسول الله و مسلمین قیام نمود

ابی عبدالله

امام حسین

احمد (مزیای احمدیه)

حضرت محمد

احمد احسانی (شیخ)

شیخ احمد احسانی از مشاهیر علمای اثنی عشریه و مؤسس فرقه شیخیه بود، در امر مبارک بهائی مقام شیخ احمد احسانی بسیار رفیع است چه که میسر عالیقدر بظهور حضرت رب اعلی بود.

اربعین (کتاب حدیث)

چهل - نام تعدادی کتاب در شیعه و سنی که هر کدام دارای چهل حدیث یا چهل باب در حدیث می باشد. ارشاد العوام:

از تالیفات مهمه حاجی کریم خان کوهانی است که به فارسی نوشته است. این کتاب حاوی مطالب عجیبه و تحقیقات غریبه و موجب حیرت و شگفتی عاقلان است. ارضی طف

سرزمین کربلا در نزدیکی کوفه است که حضرت امام حسین در آنجا به شهادت رسیدند.

اسرافیل (صورت اسرافیل)

یکی از چهار فرشته مقرب که مأمور اعطای حیات بخلق است.

صورت اسرافیل: شبپوری است که اسرافیل طبق اعتقادات اسلامی در قیامت در آن می دمَد و مردگان را زنده می سازد که تعبیرش بسیار روشن است.

اسفار ثلاثه

مقصود انجیل لوقا و انجیل مرقس و انجیل یوحنا است. انجیل اربعه

انجیل های چهار گانه (متی - لوقا - مرقس و یوحنا)

بحار الانوار:

نام کتابی است در ۲۶ جلد بحرینی تالیف محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰) که تقریباً کلیه احادیث روایت شده از پیامبر اکرم و ائمه اطهار (معتقد شیعه)

شُمُود

نام قومی از اعراب بایده که حضرت صالح پیغمبر آن قوم
ناصالح بود :

جایز (حدیث جابر) :

جابر بن عبدالله انصاری از مشاهیر را بیان حدیث در
شیعه می باشد .

جبرئیل :

(عبری) به عبرانی بمعنای مرد خداست، یکی از
فرشتگان چهارگانه می باشد که پیام خدا بر امور عالمند،
رابط میان خدا و پیغمبر و حامل وحی است و در قرآن،
مکرر نامش آمده است .

حمزه سیدالشهداء

نام عمومی حضرت رسول است که در سال ۳ هجری در
غزوه احد شهید شدند و لقب سیدالشهداء یافتند .

خاتم محمد

خاتم النبیین

از القاب حضرت محمد است .

خلیل (ابراهیم)

لقب حضرت ابراهیم است .

خبیر

نام قریه و قلعه هائی در شمال مدینه که محل سکونت
یهودیان بود و سیاه اسلام در خدمت حضرت رسول و
سرمداری حضرت علی آنجا را در سال ششم هجری فتح
کرد .

دارالسلام بغداد

لقب خاص بغداد می باشد .

اثنی عشریه (در آن جمع گردیده است و آنرا داشرة
الصمغرف شیعه نامیده اند .
بیخت نصر :

پادشاه مقتدر کلدانی در بابل که مکرر اورشلیم را
فتح کرد :
بغداد :

بغداد شهری است که قبلاً " جزء حکومت عثمانی بوده
و حضرت بنیاء الله مدت ۱۰ سال در آنجا اقامت داشتند .
گویند کلمه بغداد در اصل ایرانی است و به معنی باغ
داد است و " داد " نام مردی بوده و باغ داد یعنی
باغی که متعلق به مردی است که نامش " داد " بوده
است .

بیت اللحم :

خانه نان (به عبری) قریه کوچکی است با چهار هزار
سال سابقه که در شش مایلی اورشلیم بوده و می باشد و

شهر در آنجا متولد شدند .

بیت المقدس

خانه مقدس - منظور " قدس " یا " اورشلیم " است .

تفسیرها :

از الواح حضرت باب است در جواب سوالات شخصی
در شرح مظلومیت و بلائی وارد بر هیکل مبارک و ظلم
معرضین که با تفسیر حروف هاء از کلمه " هذا شروع
شده است .

تورات

کتاب آسمانی یهودیان ، در عبری بمعنای شریعت و
تعلیم است . به مجموع اسفار خسه و ۳۴ رساله و صحیفه
و کتاب از انبیای بنی اسرائیل اطلاق می شود که باین
مجموعه " عهد عتیق " نیز می گویند .

داوود :

فرزند سی یکی از انبیای اسرائیل است که در دوران جوانی شبانی می‌کرد ولی بواسطه شجاعت و دانائی و آواز خوشی که داشت شهرت یافت و در نزد شاول، پادشاه وقت تقرب پیدا کرد و دختر او را بزنی گرفت و وارث سلطنت شد، بیت المقدس (اورشلیم) را پایتخت خود ساخت و بنی اسرائیل را بسعادت و عزت عظمیه رسانید.

دعای ندبه :

از ادعیه مهمه شیعه اثنی عشریه به نقل از امام غائب است که در ایقان مبارک به اسم این دعا به عبارتی از آن " این الحمد خیر لیتجدید الفرائض ... " اشاره شده است.

دیلم :

نام ناحیه قدیمی در گیلان و مردمی که در آن ناحیه زندگی می‌کردند و کنایه از سپاهی دلیر و جنگجو، به معنی بنده و غلام و دربان نیز گفته‌اند.

روح الامین :

منظور جبرئیل است که فرشته وحی بود.

روزبه :

اسم اصلی سلمان فارسی که از اصحاب رسول الله بود.

روضه کافیه ← کافیهری ← زوراءزوراء (ری)

محلّی است در ری بفرموده حضرت صادق .

زیارت (دعای اسلامی)

زیارتنامه - دعائی که هنگام زیارت و یا موقع صعود یا شهادت (در لیالی و ایام سالگرد) تلاوت می‌شود

سایری :

ساجری بود که در زمان حضرت موسی کوساله، طلائی ساخت و مردم را بکوساله پرستی خواند. مجازاً " بمعنای فریبنده و گمراه کننده مصطلح گردیده است . سدره طویلی در اینجا حضرت اعلیٰ .

سلسبیل :

آب شیرین و گوارا، آشامیدنی‌های اهل جنت، نام چشمه‌ای در بهشت (مجازاً ") (جمع : سلاسیب و سلاسیب) .

سلمان :

از مشاهیر صحابه و یاران حضرت محمد بود . نام سابق او " روزبه " بود و درک حضرت نبشترین اربعه حضرت رسول را نموده در جستجوی حقیقت به حجاز رفت و در آن بلاد اسیر گردید .

سلمان ← روزبهسید حسین ترشیزی :

اهل ترشیز بود و برای تحصیل علوم دینی به عراق عرب رفت و در سال ۱۲۶۵ هـ ق از تحصیل فارغ شد و از مجتهدین مشهور آن عصر اجازه اجتهاد گرفت توسط حاجی کرمانی مؤدبه ظهور حضرت اعلیٰ را شنیدمؤمنین و مؤمن شد و در سال ۱۲۶۶ هـ ق در واقعه شهادت سبعه طهران بشهادت رسید .

سید لولاک (← محمد)

از القاب حضرت محمد است .

سید وجود (سید محمد):

از القاب حضرت محمد (ص) است.

سینا:

محللی است که حضرت موسی در آنجا بر سالت مبعوث شدند و خداوند با ایشان توسط درختی شعله‌ور تکلم نمود.

شخص اُور:

منظور سید محمد صفا هنی است (توضیح در ص ۶۶)

شُعیب:

پدر زن حضرت موسی که نبی یا کاهنی در سرزمین سُئین بودند و حضرت موسی که از مصر خارج شده بودند، چندسال نزد ایشان بجای مهریه دخترشان به شُبانگی و خدمت پرداختند.

صادق بن محمد (امام ششم):

مقصود حضرت ابوعبدالله جعفر بن محمد علیه السلام است که امام ششم امامیه است.

صالح:

نام پیغمبر قوم ثمود است که آنها را از بت پرستی منع فرمودند و به پرستش خدای یگانه خواندند.

صوفیه:

مکتبی عرفانی که با سامی مختلفه در مذاهب هندو و بودائی و یهود و نصرانی وجود داشته است. در اسلام از قرن دوم هجری ظاهر و در قرن هفتم بصورت مکتب فلسفی واضحی مبتنی بر وحدت وجود و عشق الهی بقای روحانی و فنای جسمانی.

عبدالله اُبی:

مردی از اهالی مدینه بود که قرار بود حاکم شود ولی بعد از ورود حضرت رسول مدینه بحکومت نرسید و بخانه سلطان شد اما در ساطن رئیس منافقین بود و

مخالفت ها می کرد. سوره المنافقون در شأن او و پیروانش

نازل شده است.

عالمیه:

قومی بودند قوی و دلیر که با یهودیان و ورود آنها بسر زمینشان در مسیر آنها بساحل اردن مخالفت بودند و به حکم حضرت موسی قوم یهود مأمور به جنگ با آنان شدند.

عوالیم (از کتب مشهوره معتبره):

مقصود کتاب عوالیم العلوم و المعارف تألیف شیخ عبداللہ بن شیخ نور اللہ بحرینی است مشار الیه از شاگردان عالی رتبه مرحوم علامه ملا محمد باقر مجلسی صاحب کتاب بحار الانوار است.

عیسی:

حضرت مسیح عیسی بن مریم علیه السلام است که بعد از حضرت موسی (ع) برای هدایت بنی اسرائیل و قوم یهود و هدایت جمعی دیگر از اقوام و ملل من عبدالله بر سالت مبعوث شد.

فاران: (محبیت)

این اصطلاح در ایقان آمده و تعبیر آن به محبت از آنجهت است که محبت خداوند به بندگان خود سبب شد که موسی را از فاران و سرزمین مقدس برای نجات قوم و هدایت بندگان خود فرستاد.

فرعون:

عنوان پادشاهان قدیم مصره ظالمین و ستمگران (جمع: اراعنه)

فرقان:

غیر از معانی مصری جداکننده، حق از باطل، حجت و برهان، نصر، بحر صبیح و تورات از القاب قرآن که در سوره های بقره (آیه ۵۲) و انبیاء (آیه ۴۸) ذکر شده.

کسوتر:

نام حوضی است در بهشت که در قیامت آشکار می شود.
کنایه از آیات الهیه که سبب حیات ابدیه می شود.

لوح فاطمه:

راوی لوح فاطمه، جابر بن عبد الله انصاری است. این حدیث شریف، در کتاب اصول کافی ثقة الاسلام کلینی علیه الرحمه در قسمت کتاب الحجة باب ماجاء فی الإثنی عشر روایت شده است.

لوقا (انجیل لوقا):

این انجیل در قرن اول و دوم شهرتی نداشته تا سال ۱۸۰ (یکصد و هشتاد میلادی) مشهور نبوده است و لوقا در انجیلش تصریح کرده که قبیل از او دیگران هم انجیل-هائی نوشته اند.

متی (انجیل متی):

یکی از انجیل اربعه می باشد. که متی یکی از حواریون حضرت آنرا در بین سال های ۳۰ تا ۶۰ میلادی بصورت یادداشت هائی نوشت تا در قرن دوم مسیحی بطور منظم و فصل بندی شده بزبان یونانی انتشار یافت.

مجنون:

در لغت عرب بد ستاینندگان آفتاب یا آتش اطلاق شده است. در فارسی به دیانت حضرت زرتشت، پیرو دیانت حضرت زردشت، همچنین به پیروان دین اقدم ایران که به نور و ظلمت، بزدان و اهریمن معتقد بودند اطلاق شده است.

محمد:

حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف پینمبر بزرگوار و مؤسس دین مبین اسلام است.

فیلاطس:

حاکم بر یهود در اورشلیم.

قابیل:

پسر حضرت آدم که برادر خود هابیل را از روی حسد بقتل رسانید.

قیافا:

قاضی القضاة یا رئیس داوران یهود در زمان حضرت مسیح بود که باتفاق حنا بر قتل آنحضرت فتوی دادند.
قیوم الاسماء:

تفسیری است که حضرت رب اعلی بر سوره یوسف قرآن مرقوم فرمودند و به تفسیر احسن القصص معروف است.

کاظم رشتی (سید):

سید کاظم رشتی مبشر ظهور مبارک متوفی بسال ۱۲۵۹ هـ ق.

کافی:

مجموعه ای است از قریب ۱۶ هزار حدیث که در سه قسمت " اصول کافی " ، " فروع کافی " و " روضة کافی " بطبع رسیده است. این تألیف بزرگ از ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی است. از کتب اربعه معتبره شیعه می باشد.

کعبه بن اشرف:

از بزرگان و شعرای یهود بود که در زمان حضرت رسول می زیست و مشرکین را به جنگ با آن حضرت و مخالفت با اسلام تحریک می کرد و عاقبت بدست مسلمانان کشته شد.

کعبه:

" بیت الله " یا بیت الحرام.

مدین

سوزمینی است که موسی از مصر به انجا رفت .
موقس (انجیل موقس)

یکی از نویسندگان انجیل، انجیل موقس مانند انجیل
متی در اواخر قرن دوم میلادی شهرت یافت .

مریم

نام مادر حضرت مسیح .

مسجد الحرام

مسجدی است در مکه که خانه کعبه در آن قرار دارد
به خود کعبه نیز اطلاق شده است .

معاویه بن اهب

نام کسی است که حدیث زورا را روایت کرده .
المفضل (حدیث المفضل)

مفضل بن عمر از اصحاب حضرت صادق جعفر بن محمد
علیه السلام امام ششم امامیه است .

اما حدیث مفضل که در ایقان مبارک ذکر فرموده اند
مقصود حدیث مفضلی است که مفضل درباره ظهور موعود

مسهود از حضرت صادق (ع) روایت فرموده است . این
حدیث بسیار طولانی است .

ملا باقر کندی

برادر ملامهدی کندی است هر دو برادر در اوائل امر در
طهران به عنایات جمال اقدس ابهری جل جلاله به فوز
ایمان و ایقان فائز شدند و در طهران به تعلیم و تربیت

اولاد بزرگان اشتغال داشتند و در قلعه طبرسی جزو
اصحاب قدوس در آمده و به شهادت گیری فائز شدند .

ملاحسین (بشرویه)

اول من امن مقلب به باب البیاب و از اجله تلامذ مقرر
حضرت سیدکاظم رشتی بود که قبل از جمیع خلق دنیا به

حضرت اعلی ایمان آورد و هم او بشرف تقدیم عریضه
حضرت باب به حضرت بهاء الله نایل گشت و در ماکو
نیز به لقای مجدد حضرت اعلی و در طهران به لقای
طلعت ابهری مشرف شد تا اینکه در قلعه طبرسی
به شهادت رسید .

ملا سعید بارفروش

از مشاهیر اصحاب قلعه طبرسی بود از تلامذه و تربیت
یافتگان حضرت قدوس بود و در خدمت آنجناب به قلعه

رفت و به نضرت اصحاب پرداخت . در ساری بفتوای

علما در میان شور و شغف و لعن و طعن اعداء با ۵ تن
دیگر اصحاب به شهادت رسیدند .

ملا عبدالخالق بزدی

از مشاهیر علمای شیخیه و از تلامذه مرحوم شیخ احمد
احسانی بود .

ملا علی برغانی

جزو مؤمنین حضرت باب بوده که برادر حاجی ملاتقی
و حاجی ملا صالح برغانی است . از علمای مشهور شیخیه

محسوب می شد .

ملا علی بسطامی

ملا علی بسطامی به ثانی من آمن معروفست . پس از

صعود سیدکاظم رشتی با جمعی از اصحاب در کوفه

اعتکاف کرد و سپس به جستجوی محبوب و مقصود پرداخت .

ملا علی بسطامی نخستین شمع امر بدیع در خاک عراق
است .

ملا محمد ای زنجانی

بتصریح نبیل زرنندی در سال ۱۲۲۷ هجری قمری در زنجان

متولد شده و پس از چهل سال عمر که سر بر مشقت و

گرسنگاری بود عاقبت در سال ۱۲۶۷ هـ ق در زنجان بشهادت

رسید . مقام او در امر بدیع بسیار رفیع است . در قلعه

زنجان مدتی محصور قوای دولتی بود و شرح وقایع
قلعه و گرفتاری آن جناب و اصحاب بزرگوار در تاریخ
نبیل زرندی به تفصیل آمده است .

ملا مهدی خوشی :

از علمای معروف خوی و از حروف حئی امر بدیع بود و
پس از ایمان بامر مبارک با نهایت غیرت و شجاعت به
نشر امر الله قیام نمود . جزو اصحاب حضرت قدوس در
قلعه طبرسی بود در آنجا به شهادت رسید .

ملا مهدی کندی :

پسر ملا محمد از علمای کند بود با دو برادرش ملا باقر و
میرزا اشرف بامر مبارک حضرت رب اعلی ایمان آوردند
ملا مهدی و برادرش ملا باقر کندی در قلعه طبرسی جزو
اصحاب قدوس به شهادت رسیدند .

ملا نعمه الله مازندرانی :

ملا نعمت الله اهل امل بود از علمای مخلص بود که به
امر بدیع ایمان آورد و به نصرت امر برخاست . و در قلعه
طبرسی جزو اصحاب جناب قدوس بود . پس از واقعه
طبرسی وی را در امل به شهادت رساندند .

ملا یوسف اردبیلی :

از علمای معروف و واعظی مشهور بود مشارالیه از تلامذه
شیخ احمد احسائی و سید رشتی بود . ملا یوسف پس از
صعود سید به شیراز رفت و مؤمن به امر بدیع شد و در
واقعه قلعه طبرسی از آذربایجان برای کمک به اصحاب
به قلعه رفت و در آنجا به شهادت رسید .

موسی :

به عبری یعنی از آب گرفته شده . نام شریف حضرت موسی
فرزند عمران و یوخابه است که در ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد
در مصر در سالی که تولید مثل بنی اسرائیل ممنوع بسود
مشتوند شد .

مؤمن آل فرعون :

جمال قدم جل جلاله در کتاب ایقان او را از خانواده
فرعون معرفی نموده اند و از او به مؤمن آل فرعون
تعبیر فرموده اند و قسمت از گفتار او را که در قرآن
مجید نازل شده نقل کرده اند .

نصاری :

مسیحی ها ، پیروان حضرت مسیح ، ناصری ها (مفرد :
نصرانی)

نضربین حارث :

یکی از اعدای سرسخت و مخالفین شدید التعصب
حضرت رسول (ص) بود که در قرآن مجید هم بتلویح
نازل شده است و در کتب تفاسیر مسطور است .

نقطه (بیان) :

حضرت رب علی جل ذکرة

نمرود :

سلطان بت پرستی که ابراهیم خلیل را در آتش افکند .
نوح :

نام یکی از انبیاء .

نورین نیورین :

احمد احسائی ، کاظم رشتی .

هابیل :

پسر آدم ابوالبشر که بدست برادرش بقتل رسید .

هارون :

نام یکی از پیامبران بنی اسرائیل است .

هود :

پیغمبر قوم عاد از اقوام بائده عرب بود که در حکایت
مربوط به حیاتشان آمده که چون قوم عاد به بت پرستی
ادامه دادند ، خداوند بباد شدیدی بمدت هشت شبانه روز

برانگیخت و آنان را بهلاکت رسانید. نام حضرت
هود در کتاب مُسْتَطَابِ اِهْقَان آمده است.

تغییر و تدبیر:

حکمرمای اورشلیم از طرف قیصر روم.

وادی ایمن:

سرزمین مقدس است در سمت راست کوه طور که در

آن سرزمین به حضرت موسی و همی رسید. ایضا

سرزمین مقدس در اصطلاح صوفیه در مقامی طریق

تمفیه دل است و در مقامی وحدت مطلق الهی.

وحید عصر و فرید زمان آقا سیدیحیی

یحیی بن زکریا:

یکی از انبیائی که به ظهور حضرت مسیح مردم را

بشارت می داد.

یوحنا:

یحیی بن زکریا

یوحنا: (انجیل یوحنا)

یکی از انجیل اربعه است که توسط یوحنا حواری حضرت

مسیح در تاریخ ۶۳ میلادی نگاشته شده است.



د : ترجمه احادیث ، آیات انجیل و بیانات حضرت بهاء الله و حضرت اعلی

<p>اینچنین گرفت آنها را خداوند (آنها را گرفتار کرد) به خاطر گناهشان و گرفت از آنان روح ایمان (را) و آنان را معذب نمود با آتشی که بوده است در پست ترین طبقات جهنم افروخته شده</p>	<p>كَذَلِكَ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَأَخَذَهُمْ رُوحَ الْإِيمَانِ وَعَذَّبَهُمْ بِنَارٍ كَانَتْ فِي هَاوِيَةِ الْجَحِيمِ مَوْقُودًا</p>	<p>ایسن بابی که ذکر می شود در بیسان این است که بندگان هرگز به ساحل دریای عرفان نخواهند رسید جز با دست کشیدن کامل از تمام آنچه که در آسمانها و زمین است (عما = عن + ما) پاک و مقدس نمائید نفس های خود را ای اهل زمین</p>	<p>الباب المذكور فِي بَيَانِ أَنَّ الْعِبَادَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيَّ شَاطِئِي بِحَرِّ الْعِرْفَانِ إِلَّا بِالْإِنْقِطَاعِ الْمَرِيفِ عَمَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدَسُوا أَنْفُسَهُمْ يَا أَهْلَ الْأَرْضِ لَعَلَّ تَصِلُنَّ إِلَى الْمَقَامِ الَّذِي قَدَّرَ اللَّهُ لَكُمْ وَتَدْخُلُنَّ</p>
<p>و بودند از انتظار کشندگان</p>	<p>وَكَانُوا مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ</p>	<p>شاید برسید به مقامی که خداوند بر ایقان مقدر فرموده</p>	<p>وَتَدْخُلُنَّ فِي سُرَادِقِ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي سَمَاءِ السَّبَائِنِ مَرْفُوعًا</p>
<p>ویر خداوند توکل می کنم وازاو یاری می جویم شاید جاری گردد از این قلم</p>	<p>وَعَلَى اللَّهِ أَتَكِلُ وَبِهِ أَسْتَعِينُ لِعَمَلِ بَجْرِي مِنْ هَذَا الْقَلَمِ</p>	<p>و داخل گردید المیته البتة در سراپرده ای که خداوند آن را قرار داده در آسمان بیان (شریعت بیان) برافراشته</p>	<p>وَتَدْخُلُنَّ فِي سُرَادِقِ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي سَمَاءِ السَّبَائِنِ مَرْفُوعًا</p>
<p>آنچه که به سبب آن دلهای مردم زنده شود تا همگان بپاخیزند از بستر بی خبری و غفلتشان و بشنوند صدای برگهای بهشتی را از درختی که بوده است در گلستان احدیت با دستهای قدرت به اذن پروردگار کاشته شده</p>	<p>مَا يَحْيِي بِهِ أَفئِدَةُ النَّاسِ لِيَقُومَنَّ الْكُلُّ عَنْ مَرَاقِدِ غُلَّتِهِمْ وَيَسْمَعُنَّ أَطْوَارَ وَرَقَاتِ الْفِرْدَوْسِ مِنْ شَجَرِ كَانَتْ فِي الرُّوْحَةِ الْأَحَدِيَّةِ مِنْ أَيْدِي الْقُدْرَةِ بِإِذْنِ اللَّهِ مَسْرُوسًا</p>	<p>جز آنانکه ایشان با تمام وجود منقطع گشتند به سوی پروردگار و پرواز نمودند با دو بال بقیین به مقامی که خداوند آن را قرار داده از ادراک بالا برده شده (بالاتراز ادراک عقول و نفوس)</p>	<p>إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَنْقَطَعُوا بِكُلِّهِمْ إِلَى اللَّهِ وَعَرَّجُوا بِجَنَاحِي الْإِيْقَانِ إِلَى مَقَامِ جَعَلَهُ اللَّهُ عَنِ الْإِدْرَاكِ مَرْفُوعًا</p>
<p>کاشته شده</p>	<p>بِإِذْنِ اللَّهِ مَسْرُوسًا</p>	<p>اگر شما با دیده خدا بنگرید</p>	<p>لَوْ أَنْتُمْ بَصُرْتُمْ بِاللَّهِ تَنْظُرُونَ</p>

توسط کسی غیر از خودشان	بِغَيْرِ ذَوَاتِهِمْ	اگر شما	لَوْ اَنْتُمْ
یا توصیف شود	اَوْ يَوْصَفُ	در مظاهر توحید	فِي مَظَاهِرِ التَّوْحِيدِ
دوستانش	اَوْلِيَاؤُهُ	با چشم خداوند	بِعَيْنِ اللّٰهِ
توسط دیگران	بِغَيْرِ اَنْفُسِهِمْ	بنگرید	تَنْشَهُوْنَ
پس والاتر است	فَتَعَالَى	پس هر کس خواست اقبال کند	فَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْبَلْ
از آنچه بندگان ذکر می کنند	عَمَّا يَذْكُرُ الْعِبَادُ	و هر کس خواست، اعراض نماید	وَمَنْ شَاءَ فَلْيَعْرَضْ
در توصیف آنها	لِي وَصْفِهِمْ	همانا خداوند	اِنَّ اللّٰهَ
و بلندتر و بزرگتر است	وَتَعَالَى	بی نیاز بوده از او	كَانَ غَنِيًّا عِنْدَهُ
از آنچه این بندگان می دانند	عَمَّا هُمْ يَعْرِفُوْنَ	و از آنچه مشاهده می کند	وَعَمَّا يَشَاهِدُ
" از شکوه و جلال خداوند به دور است که به بزرگی و عظمت		و می بیند	وَيَرَى
منتخبینش، کسانی جز خودشان بی برند و بابه مقام آنان			
واقف گردند آنها از آنچه بندگان در حقشان ذکر می کنند			
برتر و والاترند		اینچنین	كَذٰلِكَ
		تاویل احادیث رابه تومی آموزیم	نُعَلِّمُكَ مِنْ تَاْوِيلِ
اِنَّ الشَّمْسُ الطَّالِعَةَ كَجَابِنْدِ اَنْ خورشیدهای طلوع کننده		و رازها و اسرار دانش را بر تو	الْاَحَادِيثِ
اِنَّ الْاَقْمَارَ الْمُنِيرَةَ كَجَابِنْدِ اَنْ ماههای درخشان		القامی کنیم	وَنُلْقِيْ عَلَيْكَ مِنْ
اِنَّ الْاَنْجُمَ الزَّاهِرَةَ كَجَابِنْدِ اَنْ ستارگان درخشان			اَسْرَارِ الْحِكْمَةِ
الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حَسْبَانِ ماه و خورشید در سختی و شکنجه،		تا از مقصود و حقیقت امر آگاهی یابی	لِتَطَّلِعَ بِمَا هُوَ الْمَقْصُوْدُ
آتش دهی خند		و در زمره آنها بی در آبی کسی	وَتَكُوْنُ مِنَ الَّذِيْنَ هُمْ
		ایشان نوشیدند	شَرِبُوْا
		از جام علم و معرفت	مِنْ كَاسِ الْعِلْمِ وَالْعِرْفَانِ
کذالك	اینچنین	از او همداشیاء به ظهور رسیدند	مِنْهَا ظَهَرَتْ الْاَشْيَاءُ
نُطْبِقُكُمْ	عطا می نمایم به شما	و به گنجینه های امر او	وَالَّذِيْ خَرَّاسِنِ اَمْرِهَا
مِنْ اَثْمَارِ شَجَرَةِ الْعِلْمِ از ثمره های درخت دانش		رجوع نمودند	رَجَعَتْ
تایاشید البتة البتة			
فِي رِضْوَانِ حِكْمَةِ اللّٰهِ در گلستان دانش پروردگار			
لِمَنْ الْمُحْبَرِيْنَ از متعلمین و مسروران			
و السلام	و درود	و مکنات از او نشأت یافتند	وَمِنْهَا بُدِئَتْ الْمُمَكِّنَاتُ
عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْحَقَّ	بر کسی باد که از حق پیروی کند	و به کنزهای حکم او	وَالَّذِيْ كُنَّا نَزَحِكُمْهَا
بِالْحَقِّ	به راستی	عود نمودند	عَاوَتْ
وكان على صراط الامر و باشد بر صراط امر		خداوند پاک و منزّه است	تَسْبِحَانَ اللّٰهَ
فِي شَاطِئِ الْعِرْفَانِ بر ساحل عرفان		از اینکه شناخته شود	مَنْ اَنْ يُعْرَفَ
		برگزیدگانش	اَصْفِيَاؤُهُ

<p>السَّالِكِ فِي السَّمْحِ السَّبِيضِ وَالرَّكْنِ الْحَمْرَاءِ لَنْ يَصِلَ إِلَى مَقَامِ وَطَنِهِ إِلَّا بِالْكَفِّ الصَّفْرِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ</p> <p>کسی که پا گذارد بر روی جاده سفید و ستون قرمز رنگ هرگز به وطنش نخواهد رسید مگر آنکه دستهایش خالی باشد از آنچه در دست مردم است</p>	<p>بِأَسْمِ اللَّهِ مَوْقُوفًا</p> <p>به نام پروردگار ایستاده</p> <p>"کسی که در ساحل عرفان به نام پروردگار در مسیر امرش قرار گیرد"</p>
<p>لَوْلَاكَ لَبِئْسَ خَلْقٌ الْاَفْلَاكُ</p> <p>اگر تو نبودی افلاک را هرگز خلق نمی نمودم</p>	<p>لَوْ اَنْتُمْ فِي اَسْرَارِ الظُّهُورِ تَتَفَكَّرُونَ</p> <p>اگر شما در اسرار ظهور تفکر نمایید</p>
<p>كَانَ يُوْحِنَا يَكْرُرُ فِي بَرِيَّةٍ يَهُودًا قَانِلًا تَوْبُوا فَقَدْ اقْتَرَبَ مَلَكُوتُ السَّمَوَاتِ</p> <p>یوحنا راه می رفت و موعظه می کرد در وادی یهودا در حالیکه می گفت توبه کنید که به تحقیق ملکوت آسمانها نزدیک است</p>	<p>كَذَلِكَ نُورًا اَفُقُ سَمَاءِ الْبِيَانِ مِنْ اَنْوَارِ شُمُوسِ الْحِكْمَةِ وَالْعِرْمَانِ لِيَطْمَئِنَّ بِهَا قَلْبُكَ وَتَكُونَ مِنَ الَّذِينَ طَارُوا</p> <p>اینچنین نورانی نمودیم افق آسمان بیان را از انوار خورشیدهای حکمت و عرفان تا قلبت به آن آرام و قرار گیرد و باشی از زمره کسانی که پرواز نمودند</p>
<p>اِنْقُوَالِلّٰهُ بِعِلْمِكُمْ اَللّٰهُ تَعْلِيمِ دَهْد</p> <p>تا خدا به شما تعلیم دهد</p>	<p>بِاِحْتِجَةِ الْاِيْقَانِ فِي هَوَاةٍ مَحَبَّةٍ رَسِيمٍ الرَّحْمَنِ</p> <p>با بالهای اطمینان و یقین در هوای محبت پروردگار رحمانشان</p>
<p>فَنِعْمَ مَا قَالُ تَمَسَّكَ بِاَذْيَالِ الْهَوَى فَاخْلَعِ الْحَيَا وَحَلِّ سَبِيلِ النَّاسِكِينَ وَأَنْ جَلُّوا</p> <p>پس چه خوب گفته است چنگ بزن به دامان هوی (به آمال قلبیات) وحیا و شرم را کنار گذار و راه عاقلان و اطاعت کاران را ترک کن و اگر چه خلیل باشند (بزرگد باشند اسمشان)</p>	<p>وَكَانُوا قَانِلِينَ اَيْنَ هُوَ الْمَوْلُودُ مَلِكُ الْيَهُودِ اِنَّا قَدْ رَاَيْنَا نَجْمَهُ بِئْسَ الْمَشْرِقِ وَ اَعْمِنَا سَجِدَ لَهُ</p> <p>و می گفتند کجاست آن طفل به دنیا آمده پادشاه یهود برای آنکه ما به تحقیق دیده ایم ستاره اش را در سمت مشرق و آمده ایم تا او را سجد کنیم</p>

<p>اگر شما بدانید لَوْ اَنْتُمْ تَعْرِفُونَ</p>	<p>کَذَلِكَ اينچنين تغییر علیک تغییر علیک</p>
<p>تورا قسم می دهم اُقْسِمُكَ به آن خدایی که بِاللّٰهِ الَّذِي دریا را برای شما شکافت فَلَقَ لَكُمْ الْبَحْرَ و (من) را بر شما نازل فرمود وَانزَلَ عَلَيْكُمُ الْمَنِّ (من) غذایی است که به طور معجزه آسای برای بنی اسرائیل در بیابان آسای را سبیه می شد</p>	<p>حَمَامَةُ الْمِقَاءِ کبوتر بقا عَلَى اَفْنَانِ سِدْرَةِ الْبِهَاءِ برشاخه های درخت سبزه لَعَلَّ تَكُونَنَّ شاید اینکه باشی فِي مَنَاهِجِ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ در راههای علم و دانایی يَا اَذْنَ بَرُورِدْكَارِ به اذن پروردگار سَالِكَا رونده</p>
<p>و ابر را سایبان شما نمود وَضَلَّلَ لَكُمْ الْغَمَامَ و شما رانجات داد وَنَجَّكُمْ از دست فرعون و گروه او مِن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ و شما را بترتری داد وَفَضَّلَكُمْ</p>	<p>حَدِيثًا مَشْخُتًا دَشْوَارًا و بسیار مُسْتَضْعَبًا بیچیده است</p>
<p>بر سایر مردمان عَلَى النَّاسِ به اینکه برای ما بیان کنی بِاَنَّ تَذَكَّرْنَا</p>	<p>اِنْ اَمَرْنَا صَعْبًا مُسْتَضْعَبًا همانا امر ما دشوار و بسیار بیچیده است لَا يَحْتَمِلُهُ طاقت تحمل آن را ندارد اِلَّا مَلِكٌ مَّقْرَبٌ جز ملانکه مقرب اَوْ نَبِيٌّ مَّرْسَلٌ یا نبی مرسل اَوْ عَبْدٌ اَمْتَحَنَ اللّٰهَ یا بنده ای که خداوند آزمایش نموده قَلْبَهُ قلبش را لِلْاِيْمَانِ برای ایمان</p>
<p>(ترا قسم میدهم باین قسمهای موهکد که حقیقت را فاش کنی و بگوئی " مَا حَكَمَ بِهِ مُوسَى آنچه راکه موسی بدان حکم نمود در باره قصاص مرد زناکاری که دارای زن است فِي قِصَاصِ الزَّانِي و زن زناکاری که دارای شوهر است وَالزَّانِيَةِ الْمُحْصَنَةِ و زن زناکاری که دارای شوهر است</p>	<p>وَأَمْوَةٌ مِّنْهُمْ و موهمان كَالْبُرْقِ مانند برق عَلَيْهِ يَمْرُونَ بر او مرور می کنند وَهُمْ در حالیکه آنها لِظَهْرِ الْعَلَامَةِ يَنْتَظِرُونَ به انتظار ظهور علامت نشسته اند قُلْ يَا مَلَائِةَ الْجِبَالِ بگو ای گروه جاغلان فَانتظروا پس شما نیز منتظر باشید كَمَا كَانَ الَّذِينَ مِنْ چنانچه آنها هم که قبل از شما قَبْلِكُمْ لَمِنَ الْمُنْتَظَرِينَ بودند به انتظار نشسته اند</p>
<p>اگر شما لَوْ اَنْتُمْ در جزیره های فِي جَزَائِرٍ علم ظهور قرآن عِلْمُ الْفُرْقَانِ تفحص کنید تُحْبِرُونَ</p>	<p>وَأَمْوَةٌ مِّنْهُمْ و موهمان كَالْبُرْقِ مانند برق عَلَيْهِ يَمْرُونَ بر او مرور می کنند وَهُمْ در حالیکه آنها لِظَهْرِ الْعَلَامَةِ يَنْتَظِرُونَ به انتظار ظهور علامت نشسته اند قُلْ يَا مَلَائِةَ الْجِبَالِ بگو ای گروه جاغلان فَانتظروا پس شما نیز منتظر باشید كَمَا كَانَ الَّذِينَ مِنْ چنانچه آنها هم که قبل از شما قَبْلِكُمْ لَمِنَ الْمُنْتَظَرِينَ بودند به انتظار نشسته اند</p>
<p>پس پناه می بریم به خداوند فَنَعُوذُ بِاللّٰهِ عَمَّا يَظُنُّ الْعِبَادُ فِي حَقِّهِ از صورتی که مردمان در حق او دارند</p>	<p>فَنَعُوذُ بِاللّٰهِ پس پناه می بریم به خداوند عَمَّا يَظُنُّ الْعِبَادُ فِي حَقِّهِ از صورتی که مردمان در حق او دارند</p>

<p>فِي هَوَاءِ الَّذِي در هوایی که كَانَ عَنِ الْأَيْمَانِ مُسْتَوْرًا ^{بوده} است از دیده‌ها پنهان</p>	<p>فَتَعَالَى پس برتر و بالاتر است عَمَّا هُمْ يُعْرَفُونَ از آنچه ایشان می‌شناسند</p>
<p>لَا تُفَرِّقُ بَيْنَكَ نیست فرقی بین تو وَبَيْنَهُمْ و بین آنها إِلَّا بِإِثْمِهِمْ عِبَادَكَ وَ جز به اینکه آنها بنده و مخلوق خَلْقِكَ تواند</p>	<p>كَانَ اللَّهُ خدا بود وَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ مِنْ شَيْءٍ و هیچ چیز با او نبود</p>
<p>مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ کسی که نفسش را شناخت فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ پس به تحقیق که خدایش را شناخته است</p>	<p>اسْمَعُوا يَا أَهْلَ الْبَيْتِ بشنوید ای اهل بیان مَا وَصَّيْنَاكُمْ بِالْحَقِّ آنچه راستی شمارا بدان وصیت نمودیم لَعَلَّ تَتَّقُونَ شاید ساکن شوید و فرار گیرید فِي ظِلِّ كَأَنَّ فِي آيَامِ زیر سایه‌ای که بوده است در اللَّهِ مَمْدُودًا روزهای خدا گسترده</p>
<p>أَيُّهَا الَّذِي آیا غیر از تو کسی هست که از الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ ظهور، بهره‌ای بیش از آنچه که تو داری داشته باشد حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمَظْهَرُ لَكَ تا آنکه او ظاهرکننده تو باشد عَصِيَّتِ عَيْنٍ لَا تَرَكَ کور باد چشمی که تو را شبیند</p>	<p>البَابُ الْمَذْكُورُ این باب فِي بَيَانِ أَنَّ در بیان این است که شمس شَمْسَ الْحَقِيقَةِ حقیقت وَمَظْهَرَ نَفْسِ اللَّهِ و مظهر نفس خدا لَيَكُونَنَّ سُلْطَانًا همانا می‌باشد البته البته سلطان عَلَى مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ بر تمام آنانکه در آسمانها و زمین الْأَرْضِ هستند وَإِنْ لَنْ يُطِيعَهُ أَحَدٌ و اگر چه هرگز احدی او را اطاعت مِنَ أَهْلِ الْأَرْضِ از اهل زمین تنباید</p>
<p>مَا رَأَيْتَ شَيْئًا هیچ چیز را ندیدم إِلَّا وَقَدَّرَ اللَّهُ جز آنکه خدا را دیدم فِيهِ در او أَوْ قَبْلَهُ یا قبل از او أَوْ بَعْدَهُ یا بعد از او</p>	<p>وَ عَنِّيَا عَنْ كُلِّ مَنْ فِي الْمَلَكُوتِ و بی نیاز است از همه آنان که در عالم مَلَكُوتِ هستند وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ دِينَارٌ و اگر چه در نزد او دیناری نباشد كَذَلِكَ اینچنین تُظْهِرُ لَكَ مِنْ أَسْرَارِ الْأَمْرِ نمونه‌های امر را بر تو ظاهر می‌سازد و تُلْقِي عَلَيْكَ مِنْ جَوَاهِرِ الْحِكْمَةِ و گوهرهای حکمت را بر تو القا می‌نمایم</p>
<p>نوری تابید از صبح ازل (ابدیت) پس ظاهر می‌گردد بر هیكل های توحید آثارش</p>	<p>لَتُظْهِرَنَّ بِجَنَاحِي تا پرواز نمایی البته البته مادوبال الْإِنْقِطَاعِ انقطاع و وارستگی</p>

" از صبح ازل نوری تابیده است و امواجش تا اعماق
فضای وجود نفوذ نموده است " .

<p>بِأَنَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ که او سریع الحساب است</p>	<p>نَعُوذُ بِاللَّهِ پناه می بریم به خداوند</p>
<p>وَكَذَلِكَ و اینچنین بِمَدَدِ اللَّهِ تبدیل می کند خداوند</p>	<p>مَنْ أَنْ يَجْرِيَ بِهَذَا الْمَدَادِ از اینکه مداد به آن جاری شود أَوْ يَتَحَرَّكَ عَلَيْهِ الْقَلَمُ یا قلم بر آن حرکت کند أَوْ يَحْمِلُهُ الْأَلْوَابِحُ یا آنکه الواح آن را حمل کند</p>
<p>السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ بدیها را به نیکیها لَوْ أَنْتُمْ اگر شما فِي آفَاقِ الْعِلْمِ در آفاق علم وَأَنْفُسِ الْحِكْمَةِ و انفس حکمت تَتَفَرَّسُونَ تفحص و جستجو کنید</p>	<p>مَا أَوْذَى نَبِيٌّ اذیت نشد هیچ پیغمبری بِمِثْلِ مَا أَوْذَيْتَ همانند آنچه من اذیت شدم فَأَرْجِعُوا إِلَيْهِ پس بدان رجوع نمایید لَعَلَّكُمْ شاید شما</p>
<p>لَا بَدَّ لَكُمْ بَأْنَ تَوْلَدُوا ناچارید که متولد شوید مَرَّةً أُخْرَى بار دیگر</p>	<p>بِمَوَاقِعِ الْأَمْرِ به جایگاههای امر (آنچه برظهور او وارد شده) تَطْلِعُونَ آگاه شوید</p>
<p>مَنْ لَمْ يُولَدْ کسی که متولد نشود مِنَ الْمَاءِ وَالرُّوحِ از آب و روح لَا يَقْدِرُ نمی تواند أَنْ يَدْخُلَ مَلَكُوتَ اللَّهِ اینکه داخل ملکوت خدا شود الْمَوْلُودُ مِنَ الْجَسَدِ تولد شده از جسد جَسَدٌ هُوَ جسد است او وَالْمَوْلُودُ مِنَ الرُّوحِ و تولد شده از روح هُوَ رُوحٌ روح است او</p>	<p>كَذَلِكَ اینچنین يُؤَلِّفُ اللَّهُ الفت می اندازد خداوند بَيْنَ قُلُوبِ الَّذِينَ بین دلهای آنهایی که هُمْ انْقَطَعُوا إِلَيْهِ ایشان منقطع شدند به سوی او (از همه چیز به جهت توجه به او دل بریدند) وَأَمَّنُوا بِآيَاتِهِ و موء من گشتند به آیات او أَوْ كَانُوا و بودند</p>
<p>قَدْ اشْتَرَى همانا خرید مَيِّتٌ عَنِ مَيِّتٍ مرده ای از مرده ای بَيْنَهُمَا مَحْدُودٌ "بحدود" خانه ای که محدود می شود به أَرْبَعَةَ حدود چهارگانه</p>	<p>مِنْ كَوْنِ الْفَضْلِ از کوشش بخشش بِأَيِّدِي الْعِزِّ با دستهای عزت مِنَ الشَّارِبِينَ از نوشندگان "کوشش فضل الهی را از دست عزت مظهر امر نوشیدید"</p>
<p>حَدِّي إِلَى الْقَبْرِ حدی به جانب قبر حَدِّي إِلَى اللَّحْدِ حدی به جانب لحد حَدِّي إِلَى الصَّرَاطِ حدی به جانب صراط وَحَدِّي إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ و حدی یا به جانب بهشت و إِمَّا إِلَى النَّارِ یا به جانب دوزخ</p>	<p>كَذَلِكَ اینچنین يَصْدَقُ فِي شَأْنِهِ صدق می کند در شان او (حقیقت این کلمه راجع به او آشکار می گردد)</p>

<p>تذکر لکم من بدایع امر اللہ ذکر می‌کنیم برای شما تازه‌هایی از امر الهی ونلقی علیکم من نعمات و می‌خوانیم بر شما نغمه‌های الفرحون بهشتی را (نغمه‌های بهشتی را در گوشان می‌نوازیم) شاید شما بمواقع العلم تصلون به جایگاه‌های علم واصل گردید. (به مقام علم حقیقی واقف شوید)</p>	<p>المؤمنین حی فی الدارين مؤمنان زنده‌است در دو جهان</p>
<p>و من ثمرات العلم و از ثمرات (درخت) دانش ترزقون مرزوق شوید</p>	<p>ولن یفوز بآثار اللہ إلا الذین هم أقبوا إلیه و اعرضوا و دوری هستند از مظاهر شیطان</p>
<p>قسم من سربك فانك مغفورة خطایك از روی تختت برخیز پس همانا تو گناهانت آمرزیده است</p>	<p>و كذلك اثبت اللہ خداوند (مجدداً تثبیت نمود) حکم امروز را</p>
<p>فنیعم ما نزل من قبله فی شأنهم پس چه نیکوست آنچه پیش از او نازل شده در شان ایشان (در قرآن)</p>	<p>من قلم العزوة على لوح كان خلف سراق العزمك مالبتراب ورب الارباب از قلم عزت و توانایی بر لوحی که بوده است پشت سر پرده عزت پوشیده</p>
<p>إذا قام القائم قامت القيمة هنگامیکه قائم قیام نمود قیامت برپا می‌شود</p>	<p>فسبحان اللہ عما یصِف العباد در آنچه توصیف می‌کنند بندگان در خصوص سلطنت او</p>
<p>بجعل اعلاکم اسفلکم و اسفلکم اعلاکم قرار می‌دهد خداوند، بلندپایه ترین شما را پست‌ترین و پست‌ترین شما را بلندپایه‌تر</p>	<p>وتعالی عما هم یذکرون و متعالی و بالاتر است از آنچه آنان ذکر می‌کنند</p>
<p>طلب الدلیل عند حصول المدلول قیح طلب نمودن دلیل در هنگام حاصل شدن مدلول ناپسند است</p>	<p>لولا لم یکن مثله فی الملک اگر او نبود مثلی برای او نبود در عالم ملک</p>
<p>والاستغال بالعلم بعد الوصول إلى المعلوم مذموم است و برداختن به علم بعد از رسیدن به معلوم مذموم است</p>	<p>كذلك اینچنین</p>

<p>لَيَسْأَلَنَّ كُلُّ نَاسٍ لِمَ خَلَقَ مَشْرَبَهُمْ</p> <p>تا همه انسانها بدانند محل آشامیدنشان را</p> <p>"تا هر انسانی دریابد که کجا عطش خود را فرونشاند"</p>	<p>أَكْثَرُ النَّاسِ كَمَا أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ</p> <p>اکثر مردمان چنانچه شما ها می بینید</p> <p>(روزی که اکثر مردم همانطور که می بینید از او روی گردانند)</p>
<p>وَمَا مِنْ أَمْرٍ إِلَّا بَعْدَ أَدْنِهِ</p> <p>هیچ امری نیست مگر بعد از اذن او (هیچ چیز بدون اذن او امکان- پذیر نیست)</p>	<p>وَلَكِنْ يَوْمَ خَرَّ ذَلِكَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ</p> <p>ولکن آن را به عقب می اندازند تا زمان معینی از یک روزی مشخص</p>
<p>وَمَا مِنْ قُدْرَةٍ إِلَّا بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ</p> <p>هیچ قدرتی نیست جز با نیرو و قوه او (هیچ قدرتی توان تحمل ندارد جز از طریق قدرت او)</p>	<p>كُلُّ شَيْءٍ فِي قُبْضَةِ قُدْرَتِهِ أَسِيرٌ</p> <p>همه چیز در قبضه قدرت او اسیرند و همانا این امر برای او سهل و آسان است</p>
<p>وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا هُوَ</p> <p>و هیچ خدایی نیست جز او از آن اوست خلق و امر و همه به امر او</p>	<p>مَنْ قَالَ لِمَ وَبِمَ فَقَدْ كَفَرَ</p> <p>هر کس چون و چرا گوید به تحقیق کافر می گردد</p>
<p>وَكُلُّ بِأَمْرِهِ يَنْطَفُونَ</p> <p>نطق می کنند و از رازهای روح تکلم می نمایند</p>	<p>لَكِنْ لَا يَعْرِفُ ذَلِكَ إِلَّا أَوْلِيَ الْأَبْيَابِ</p> <p>ولکن آن را نمی فهمد جز صاحبان عقل</p>
<p>إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَمَا أَنَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ</p> <p>همانا من بنده خدا هستم و نیستم من جز بشری مثل شما</p>	<p>أَخْتَمُ الْقَوْلَ بِمَا نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ قَبْلُ</p> <p>گفتار را به پایان می رسانم نازل شد تا اختتام او مشکلی باشد که (بانهجحات قدسی که می افشاند) مردم را راهنمایی کند به بهشت مقدس نورانی</p>
<p>أَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ مَنْ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ هَسْتُمْ</p> <p>من خاتم نبیین هستم</p>	<p>لَيَكُونَنَّ خِتَامُهُ الْمِسْكُ الَّذِي يَهْدِي النَّاسَ إِلَى رِضْوَانِ قُدْسٍ مُنِيرٍ</p>
<p>نَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ مَا بندگان خدا بییم</p>	<p>لَيَسْبِقَنَّ هَذَا الْفَضْلُ عَلَى الْعَالَمِ</p> <p>تا اینکه این فضل تمام جهان را در برگیرد</p>
<p>وَالْعِلْمُ نَقْطَةٌ كَثْرَاهَا الْجَاهِلُونَ</p> <p>علم نقطه واحده ای است که جاهلان آن را تکثیر نمودند</p>	<p>وَسَهَّاسُ مِنْ خَدَاوِنْدَا سْتِ پروندگان عالمیان</p> <p>وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ</p>

<p>خوشا بحال مخلصین فَطَوَّبَىٰ لِلْمَخْلُوعِينَ از انوار روزی بزرگ مِنَ اَنْوَارِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (خوشا بحال مخلصین که نصیبی از انوار چنین روز بزرگ دارند)</p>	<p>الْعِلْمُ نُوْرٌ يَقْدِرُهُ اللّٰهُ علم نوری است که خداوند وارد می کند آن را فِي قَلْبٍ مِّنْ بِيْشَاءٍ در دل هر کس که می خواهد</p>
<p>به تحقیق که بزرگ است کلام آنها قَدْ كَبُرَ قَوْلُهُمْ و كوچك و حقیر است شأن و مقام آنها وَصَغُرَ شَانُهُمْ وَحَدْنَهُمْ</p>	<p>الْعِلْمُ تَمَامُ الْمَعْلُومِ وَالْقُدْرَةُ وَالْعِزَّةُ تَمَامُ الْخَلْقِ علم تمام معلوم است و قدرت و عزت تمام خلق است</p>
<p>بگو قُلْ هو نباء عظیم هَوْنَ بِنَاءٍ عَظِيمٍ شما از او روی گردانید اَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ</p>	<p>اَتَمِّمْ فِي الْكِتَابِ وَ عَزِيْزٌ بَيْنَ الْاَنْعَامِ وَ كَرِيْمٌ فِي الْاِسْمِ اثیم است در کتاب و عزیز است بین چهارپایان و کریم است در اسم</p>
<p>زیرا او برقرار دارنده حق است اِذْ اِنَّهُ مُشِيْتُ الْحَقِّ توسط آیاتش بِآيَاتِهِ و استوار کننده امر است وَمُتَّقِ الْاَمْرَ با کلماتش بِكَلِمَاتِهِ همانا اوست توانا اِنَّهُ لَهُوَ الْمُقْتَدِرُ و مهیمن و قدرتمند الْمُهَيِّمِ الْقَدِيْرُ</p>	<p>اِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللّٰهِ وَ عِيْرَتِي من بجای گذارنده هستم بین شما ۱ چیز گرانقدر را کتاب خداوند و اهل بیتم را</p>
<p>" او بر راستی برقرار می کند حقیقت را از طریق آیاتش و تائید می کند وصحه می گذارد ظهورش را با کلماتش "</p>	<p>كَانَ اللّٰهُ عَلٰى مَا اَقُوْلُ شَهِيدًا خداوند بر آنچه می گویم گواه است</p>
<p>برای هر گروه جهتی است که بدان لِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّئُهَا سخت توجه می کنند فَقَدْ هَدَيْتَكَ السَّبِيْلَ پس به تحقیق که ماهر دوراه را به تونشان دادیم رَا بِيْ تَوْشَانَ دَادِمٍ</p>	<p>وَاللّٰهُ يَقُوْلُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيْلَ خداوند حق می گوید و او راه را نشان می دهد</p>
<p>در این دو طریق فِي هَذَيْنِ الْمَسْجِدِيْنَ پس راه برو ثُمَّ امْشِ به هر راهی که برای خودت انتخاب عَلَى مَا تَخْتَارُ لِنَفْسِكَ می کنی</p>	<p>لَوْ اَنَّكُمْ فِيْ آيَاتِ اللّٰهِ تَتَفَكَّرُوْنَ اگر شما در آیات خداوند تفکر کنید</p>

<p>از خواب همانا خورشید محققا " بالا رفته است در سمت الراس در بالاترین نقطه شاید بتناهد برتو با انوار جمال</p>	<p>عَنِ النَّوْمِ فَإِنَّ الشَّمْسَ قَدِ ارْتَفَعَتْ فِي وَسْطِ الزَّوَالِ لَعَلَّ تَشْرِيقَ عَلَيْكَ بِأَنْوَارِ الْجَمَالِ</p>	<p>وَهَذَا قَوْلُ الْحَقِّ مَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ واین است گفتار حق بعد از حق مگر گمراهی</p>
<p>ای بقیة الله (جمال قدم) من تمام هستی خود را فدای تو کرده ام وبه دشنام و ناسزا راضی شدم در راه تو و آرزویی ندارم مگر کشته شدن در راه محبت تو و خداوند بزرگ جهت اعتصام دائمی کافی است</p>	<p>يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ قَدْ فَدَيْتُ بِكُلِّي لَكَ وَرَضِيْتُ السَّبَّ فِي سَبِيلِكَ وَمَا تَمْنَيْتُ إِلَّا الْقَتْلَ فِي مُحَبَّتِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ الْعَلِيِّ مُعْتَصِمًا " قَدِيمًا "</p>	<p>لَوْلَاهُ مَا اسْتَوَى اللَّهُ عَلَى عَرْشِ رَحْمَانِيَّتِهِ وَمَا اسْتَقَرَّ عَلَى كُرْسِيِّ صِدْقَانِيَّتِهِ اگر او نبود خداوند مستوی نمی گردید بر عرش رحمانیتش (مقرب بخشش) و مستقر نمی گردید بر کرسی صمدانیتش (بر تخت جلال ابدی اش)</p>
<p>گویا شنیدم ندا کننده ای که ندا می کرد در درونم (اعماق وجودم) فدا نما دوست داشتنی ترین چیزهای خودت را در راه خدا چنانچه حسین (علیه السلام) فدا نمود در راه من و اگر من ناظر نبودم (بی توجه بودم)</p>	<p>كَأَنِّي سَمِعْتُ مُنَادِيًا يُنَادِي فِي سِرِّي أَقْدَمُ أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَا قَدَى الْحُسَيْنِ (ع) فِي سَبِيلِي وَلَوْ لَأَكُنْتُ نَاطِرًا "</p>	<p>تَاهَتِ الْعُقُولُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَتَحْيِرَتِ النَّفُوسِ فِي أَصْطِبَارِهِمْ وَبِمَا حَمَلَتْ أَجْسَادُهُمْ سرگردان گشتند عقولها در افعال آنها و نفوس حیران ماندند در صبر و شکنجایی آنها و از آنچه اجساد آنها تحمل نمود (و پایداری جسمانی آنها)</p>
<p>اگر مردم در اسرار امر فکر می کردند ای پسرانسان روزهایی را پشت سر گذاشتی و در آن روزها تو خود را مشغول کردی به آنچه که نفست بدان مشتاق بود از خیالات و اوهام تابه کی آرمیده ای بر بستر پس سرت را بردار</p>	<p>لَوْ كَانَ النَّاسُ فِي أَسْرَارِ الْأَمْرِ يَتَفَكَّرُونَ يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ قَدِمْتُ عَلَيْكَ أَيَّامًا وَأَشْتَغَلْتُ فِيهَا بِمَا تَهْوَى بِهِنْفِكَ مِنَ الظُّنُونِ وَالْأَوْهَامِ إِلَى مَنَى تَكُونُ رَاقِدًا عَلَى بَسَاطِكَ فَارْفَعْ رَأْسَكَ</p>	<p>لو كان الناس في أسرار الأمر يتفكرون يا ابن الإنسان قدمت عليك أياما وأشغلت فيها بما تهوى به نفك من الظنون والأوهام إلى منى تكون راقدا على بساطك فارفع رأسك</p>

<p>بیا آتش شرکشان و آماده نمود برای آنها عذابی که بسوزد با آن بدنهای ایشان و ارواح ایشان این بدان خاطر است که آنها گفتند همانا خداوند لَمْ یَكُنْ قَادِرًا عَلَى شَيْءٍ قَادِرًا و دست او از فضل و بخشش بسته شده است</p>	<p>بِذَلِكَ السَّرِّ الْوَاقِعِ (راز گریز ناپذیری که بدون چون و چرا می بایست اتفاق بیفتد) فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ پس قسم به آنکس که جانم در دست اوست لَوْ اجْتَمَعُوا لَمَلُوا الْأَرْضَ اگر تمام پادشاهان زمین جمع می شدند لَنْ يَقْدِرُوا هرگز توانایی آن رانداشتند أَنْ يَأْخُذُوا مِنِّي که بگیرند از من حَرْفًا حرفی فَكَيْفَ الْعَبِيدُ الَّذِينَ تا چه رسد به این بندگانی که لَيْسَ لَهُمْ نیست برای آنها شَأْنٌ بِذَلِكَ ارزش و مقامی نسبت به آن (شایسته هیچ توجهی نیستند) وَأَنَّهُمْ مَطْرُودُونَ و آنان طرد شدگانند إِلَى أَنْ قَالُ تا آنکه فرمود لِيَعْلَمَ الْكُلُّ تا همگان بدانند و آگاه شوند مَقَامَ صَبْرِي درجه بردباری وَرِضَايِي و رضایت من و نَدَايِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ و فداکاری مرا در راه خدا</p>
<p>اِذَا ظَهَرَتْ هنگامی که ظاهر گشت رَأْيَةُ الْحَقِّ علامت و نشانه حق لَعْنَهَا او را لعنت می کنند أَهْلَ الشَّرْقِ وَالْمَغْرِبِ اهل شرق و غرب</p>	<p>فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ پس قسم به آنکس که جانم در دست اوست لَوْ اجْتَمَعُوا لَمَلُوا الْأَرْضَ اگر تمام پادشاهان زمین جمع می شدند لَنْ يَقْدِرُوا هرگز توانایی آن رانداشتند أَنْ يَأْخُذُوا مِنِّي که بگیرند از من حَرْفًا حرفی فَكَيْفَ الْعَبِيدُ الَّذِينَ تا چه رسد به این بندگانی که لَيْسَ لَهُمْ نیست برای آنها شَأْنٌ بِذَلِكَ ارزش و مقامی نسبت به آن (شایسته هیچ توجهی نیستند) وَأَنَّهُمْ مَطْرُودُونَ و آنان طرد شدگانند إِلَى أَنْ قَالُ تا آنکه فرمود لِيَعْلَمَ الْكُلُّ تا همگان بدانند و آگاه شوند مَقَامَ صَبْرِي درجه بردباری وَرِضَايِي و رضایت من و نَدَايِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ و فداکاری مرا در راه خدا</p>
<p>تَفَكَّرَ سَاعَةً فکر کردن یک ساعت خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ بهتر از عبادت هفتاد سال است سَبْعِينَ سَنَةً</p>	<p>فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ پس قسم به آنکس که جانم در دست اوست لَوْ اجْتَمَعُوا لَمَلُوا الْأَرْضَ اگر تمام پادشاهان زمین جمع می شدند لَنْ يَقْدِرُوا هرگز توانایی آن رانداشتند أَنْ يَأْخُذُوا مِنِّي که بگیرند از من حَرْفًا حرفی فَكَيْفَ الْعَبِيدُ الَّذِينَ تا چه رسد به این بندگانی که لَيْسَ لَهُمْ نیست برای آنها شَأْنٌ بِذَلِكَ ارزش و مقامی نسبت به آن (شایسته هیچ توجهی نیستند) وَأَنَّهُمْ مَطْرُودُونَ و آنان طرد شدگانند إِلَى أَنْ قَالُ تا آنکه فرمود لِيَعْلَمَ الْكُلُّ تا همگان بدانند و آگاه شوند مَقَامَ صَبْرِي درجه بردباری وَرِضَايِي و رضایت من و نَدَايِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ و فداکاری مرا در راه خدا</p>
<p>أَيُّنَ الْمُدْحَرِّ کجاست آنکه ذخیره شده لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ برای تجدید واجبات وَالسُّنَنِ وسنت ها أَيُّنَ الْمُتَخَيَّرِ کجاست آنکه اختیار داده شده به او لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ برای اعاده ملت وَالشَّرِيعَةِ و دیانت</p>	<p>كذالك اینچنین تذکرلك برای تو ذکر می کنیم مَا اكْتَسَبْتُمْ آنچه را که اکتساب نمود أَيُّدِي الَّذِينَ كَفَرُوا دستهای آنان که کافر شدند (آنچه را که کافران مرتکب شدند) وَأَعْرَضُوا و دوری کردند عَنْ لِقَاءِ اللَّهِ از لقاء پروردگار فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ در روز قیامت وَعَذَابِهِمُ اللَّهُ و خداوند آنان را معذب فرمود</p>
<p>السَّلَامُ درود عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ بر حق جدید</p>	<p>كذالك اینچنین تذکرلك برای تو ذکر می کنیم مَا اكْتَسَبْتُمْ آنچه را که اکتساب نمود أَيُّدِي الَّذِينَ كَفَرُوا دستهای آنان که کافر شدند (آنچه را که کافران مرتکب شدند) وَأَعْرَضُوا و دوری کردند عَنْ لِقَاءِ اللَّهِ از لقاء پروردگار فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ در روز قیامت وَعَذَابِهِمُ اللَّهُ و خداوند آنان را معذب فرمود</p>

<p>عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ که بر عرب دشوار است (ظهوری که پذیرفتنش برای اعراب دشوار است) فَاَنْ سَمِعْتُمْ لَهُ شَيْئًا پس اگر در خصوص او چیزی شنید فَاسْرِعُوا اليه پس بشتابید به سوی او</p>	<p>سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ از حضرت ابو عبدالله سوءال شد (ابو عبدالله مقصود حضرت صادق است) عَنْ سَبْرَةَ الْمُهَدَّبِيَّ از روش مهدي كَيْفَ سَبْرْتَهُ؟ سنت او چگونه است؟ قَالَ گفت</p>
<p>يُظْهِرُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ ظاهر می شود از بنی هاشم صَبِيٍّ جوانی ذُو أَحْكَامٍ جَدِيدٍ صاحب احکامی جدید فَيَدْعُوا النَّاسَ پس مردم را فرا می خواند وَلَمْ يَجِبْهُ أَحَدٌ واحدی او را پاسخ نمی دهد (به ندای او توجه نمی کند) وَأَكْثَرُ أَعْدَائِهِ الْعُلَمَاءُ واکثر دشمنانش علما هستند</p>	<p>يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ اجرا می کند آنچه رسول خدا اجرا کرد وَيَسْهَمُ و می گوید و خراب می کند مَا كَانَ قَبْلَهُ آنچه پیش از او بوده كَمَا هَدَمَ چنانچه منهدم نمود رَسُولُ اللَّهِ رسول خدا أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ امر جاهلیت را</p>
<p>فَإِذَا حَكَّمَ بَشِيٍّ پس آنگاه که به امری حکم فرماید لَمْ يُطِيعُوهُ مردم او را اطاعت نمی کنند فَيَقُولُونَ پس خواهند گفت هَذَا خِلَافٌ مَا عِنْدَنَا این برخلاف چیزی است که ما مِنْ أُمَّةِ الدِّينِ از پیشوایان دینی داریم</p>	<p>يُظْهِرُ ظاهر می شود مِنْ بَنِي هَاشِمٍ از بنی هاشم صَبِيٍّ جوانی ذُو كِتَابٍ صاحب کتابی وَأَحْكَامٍ جَدِيدٍ و احکامی جدید تَا أَنْكَهَ فَرَمُودَ تا آنکه فرمود</p>
<p>الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ علم ۲۷ حرف است حَرْفًا</p>	<p>وَأَكْثَرُ أَعْدَائِهِ الْعُلَمَاءُ و بیشتر دشمنانش علما هستند</p>
<p>فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ تمام آنچه را که پیامبران آورده اند الرُّسُلِ دو حرف است حَرْفَانِ و تا امروز مردم نمی فهمند وَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ جز همان دو حرف را غَيْرِ الْحَرْفَيْنِ پس آن هنگام که قائم ماقیام فرمود فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ تمام ۲۵ حرف را ظاهر خواهد حَرْفًا</p>	<p>وَلَقَدْ يَظْهَرُ و به تحقیق که ظاهر خواهد شد صَبِيٍّ جوانی مِنْ بَنِي هَاشِمٍ از بنی هاشم وَيَأْمُرُ النَّاسَ و مردم را امر می کند بِبَيْعَتِهِ به بیعت نمودن با او (که با او وفادار باشند) وَهُوَ ذُو كِتَابٍ جَدِيدٍ و او صاحب کتابی تازه است بِأَيِّعِ النَّاسَ با مردم پیمان وفاداری می بندد بِكِتَابٍ جَدِيدٍ به کتاب جدید</p>

<p>گفت آیابه بازار مال فروشها داخل گشته‌ای؟</p>	<p>قَالَ أَتَيْتَ سُوْقَ الدُّوَابِّ</p>	<p>عَلَيْهِ كَمَالٌ مُوسَى بر او باد کمال موسی</p>
<p>گفتم: بلی</p>	<p>قُلْتُ: نَعَمْ</p>	<p>وَبَنَاتٍ عِيسَى و بنیاء عیسی</p>
<p>گفت</p>	<p>قَالَ</p>	<p>وَصَمِيرَ أَيُّوبَ و صیر ایوب</p>
<p>آیا آن کوه سیاه را در طرف راست جاده دیده‌ای؟</p>	<p>رَأَيْتَ جَبَلَ الْأَسْوَدِ</p>	<p>فَيَذَلُ أَوْلِيَاءَهُ فِي زَمَانِهِ پس دوستان او در زمان او ذلیل خواهند شد</p>
<p>آن زوراء است</p>	<p>تِلْكَ الزُّورَاءُ</p>	<p>و تَتَّهَدَى رُؤْسَهُمْ و سرهایشان به هدیه برده می‌شود</p>
<p>گشته می‌شود در آن</p>	<p>يُقْتَلُ فِيهَا</p>	<p>كَمَا تَتَّهَدَى چنانچه به هدیه برده می‌شود</p>
<p>هشتاد مرد</p>	<p>ثَمَانُونَ رَجُلًا</p>	<p>رُؤْسَ التُّرِكَ وَالذَّبَابِ سرهای ترک و دبلم</p>
<p>از اولاد فلان</p>	<p>مَنْ وُلِدَ فُلَانٍ</p>	<p>فَيُقْتَلُونَ پس کشته خواهند شد</p>
<p>همه آنها</p>	<p>كُلِّهِمْ</p>	<p>و يَحْرَقُونَ و سوزانده خواهند شد</p>
<p>ملاحظیت خلیفه شدن دارند</p>	<p>بِمَلْحِ الْخِلَافَةِ</p>	<p>و يَكُونُونَ خَائِفِينَ و خائف و مرعوب و هراسان خواهند گشت</p>
<p>گفتم</p>	<p>قُلْتُ</p>	<p>مَرْمُوبِينَ وَ حَلِيبَ مزمومین و حلب</p>
<p>چه کسی آنها را می‌کشد</p>	<p>مَنْ يَقْتُلُهُمْ</p>	<p>تَصْبِغُ الْأَرْضِ بِدِمَائِهِمْ زمین به خونشان رنگین خواهد شد</p>
<p>گفت می‌کشد آنها را</p>	<p>قَالَ: يَقْتُلُهُمْ</p>	<p>و يَكْفُرُونَ و ناله و فغان از زنانشان بلند خواهد شد</p>
<p>اولاد معجم (فارس)</p>	<p>أَوْلَادُ الْمَعْجَمِ</p>	<p>فِي رَسَائِهِمْ فیه رسایشان</p>
<p>فقهای آن زمان (علمای مذهبی)</p>	<p>فُقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ</p>	<p>أَوْلَادُكَ أَوْلِيَاءِي حَقًّا آنان به حق دوستان حقیقی من اند</p>
<p>شربترین فقهایند</p>	<p>شَرُّ الْفُقَهَاءِ</p>	<p>فِي رِوَاةِ الْكَافِي در کتاب روضه کافی</p>
<p>در زیر سایه آسمان</p>	<p>تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ</p>	<p>عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ نقل از معاویه فرزند وهب</p>
<p>فتنه از آنها برخاسته می‌شود</p>	<p>مِنْهُمْ خَرَجَتْ الْفِتْنَةُ</p>	<p>عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ از امی عبدالله (حضرت صادق)</p>
<p>و به خودشان باز می‌گردد</p>	<p>وَالْيَهُمْ تَعُودُ</p>	<p>قَالَ گفت</p>
<p>قسم به خدایی که</p>	<p>قَوْلَ اللَّهِ الَّذِي</p>	<p>أَنَا زُورَاءُ رَامِي شِنَاسِي؟ آیا زوراء رامی شناسی؟</p>
<p>نیست خدایی جز او</p>	<p>لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ</p>	<p>قُلْتُ گفتم</p>
<p>قسم به آن کس که جانم در دست اوست</p>	<p>قَوْلَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ</p>	<p>جُعِلَتْ فِدَاكَ فدای تو کردم</p>
<p>قسم به کسی که روح به امر او به نطق</p>	<p>قَوْلَ الَّذِي نَطَقَ الرُّوحَ</p>	<p>يَقُولُونَ إِنَّهَا بَغْدَادُ می‌گویند که آن بغداد است</p>
<p>آمد</p>	<p>بِأَمْرِهِ</p>	<p>قَالَ لَا گفت نه</p>
<p>خداوند برای شهادت کافی است</p>	<p>وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا</p>	<p>ثُمَّ قَالَ پس گفت</p>
<p></p>	<p></p>	<p>دَخَلْتُ الرَّيَّ داخل شهر ری شده‌ای؟</p>
<p></p>	<p></p>	<p>قُلْتُ: بَلَى گفتم: بلی</p>

<p>وَالْعَلَامَةُ مِنَ مُحَمَّدٍ وَعَلَامَتُكَ مِنْ مُحَمَّدٍ يُظْهِرُ بَيِّنَاتٍ مِثْلَ الْقُرْآنِ آثَارِي مِثْلَ قُرْآنِ ظَاهِرِي فَرْمَايِد</p>	<p>اَخْتِمِ الْقَوْلَ بِالْحَوْلِ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ</p> <p>سخن را به پایان می برم (با ذکر این آیه قرآن): هیچ قوه و نیرویی نیست جز آنکه نشأت یافته از نیروی او</p>
<p>اِلَّا مَنْ شَاءَ رَبُّكَ مگر آنکس را که خدا بخوهد</p>	<p>اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ ما از خدا شیم و بسوی او رجوع کنندگانیم</p>
<p>وَاللّٰهُ لَيَمْحِصَنَّ وَاللّٰهُ لَيُعْرِبِلَنَّ و خداوند آزمایش می کند البتّه البتّه و خداوند غربالی می کند البتّه البتّه</p>	<p>فِي حَدِيثِ الْمُفَضَّلِ سُئِلَ عَنِ الصَّادِقِ فَكَيْفَ يَا مَوْلَايَ فِي ظُهُورِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ</p> <p>در حدیث مفضل از حضرت صادق از چگونگی ظهور او سؤال شد (علامت ظهور چیست؟) پس حضرت صادق (علیه السلام) گفت</p>
<p>لِكُلِّ عِلْمٍ سَبْعُونَ وَجْهًا وَلَيْسَ بَيْنَ النَّاسِ اِلَّا وَّاجِدٌ وَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ بِمَتِّ بِاقِي الْوُجُوهِ بَيْنَ النَّاسِ أَيْضًا قَالَ نَحْنُ نَتَكَلَّمُ بِكَلِمَةٍ وَتُرِيدُ مِنْهَا سَبْعِينَ وَجْهًا برای هر علمی هفتاد وجه است و بین مردم جز یک وجه نیست و زمانی که قائم قیام فرمود سنتش می فرماید باقی وجوه را در بین مردم و همچنین فرمود ما کلمه ای می گوئیم و از آن کلمه اراده می نماییم هفتاد معنی را</p>	<p>در سال شصت امر او ظاهر می شود و نکر او بلند می گردد (اسم او اعلام خواهد شد)</p>
<p>وَلَنَا لِكُلِّ مِنْهَا الْمُخْرَجُ و برای مانسبت به هر کدام از آن معانی محل خروجی است (توضیحی است)</p>	<p>فِي الْبِحَارِ إِنَّ فِي قَائِمِنَا أَرْبَعُ عِلْمَاتٍ مِنْ أَرْبَعَةِ نَبِيِّ مُوسَى وَعِيسَى وَ يُوسُفَ وَمُحَمَّدٍ در کتاب بحار الانوار آمده همانا در قائم ما چهار علامت است از چهار پیامبر موسی و عیسی و یوسف و محمد</p>
<p>وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ بِهِمْ كَمَا هُمْ يَفْعَلُونَ وَيُنَسِّأَهُمْ كَمَا نَسَّوَالِقَاءَهُ فِي آيَاتِهِ وَكَذَلِكَ قَضَى عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا و خداوند با آنان رفتار می کند آنطور که آنان خود رفتار می کنند و آنان را فراموش کند همانگونه که لقاء او را در روزهای او فراموش کردند و چنین است حکم او بر کافران</p>	<p>أَمَّا الْعَلَامَةُ مِنْ مُوسَى الْخَوْفُ وَالْإِنْتِظَارُ أَمَّا الْعَلَامَةُ مِنْ عِيسَى مَا قَالُوا فِي حَقِّهِ وَالْعَلَامَةُ مِنْ يُوسُفَ السَّبْحُ وَالتَّقِيَّةُ اما علامت از موسی خوف و انتظار است اما علامت از عیسی آنچه که در مورد او گفتند و علامت از یوسف سجده و تقیه است</p>

وَيُقَضَىٰ عَلَيْهِمُ عَلَى الدِّينِ هُمْ وَهمنطور حکم خواهد شد نسبت به
كَانُوا بِآيَاتِهِ يَجْحَدُونَ آسانکه آیات او را انکار می کنند

وَآخِثِمُ الْقَوْلِ سخن را به پایان می رسانم
بِقَوْلِهِ تَعَالَى با گفته خدای تعالی

وَكَذَلِكَ نَزَّلَ مِنْ قَبْلُ وایتچنین نازل گردید از قبل
لَوْ أَنْتُمْ تَعْقِلُونَ اگر شما تعقل نمایید

الْمَنْزُورُ مِنَ الْبَاءِ وَالْهَاءِ نازل شده از قلم حضرت
بهاء الله

يَا حَسْرَةً عَلَيَّ الْيَهُودَ ...

ای دریغ بر بندگان که ایشان را هیچ رسولی نیاید جز آنکه او را استهزا می‌کنند

وَلَقَدْ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ ...

هر امتی قصد کردند که رسولشان را بگیرند و باطل بسازند او مجادله کنند تا به آن وسیله حق را ناجیز گردانند.

وَمَا مَرَّ عَلَيْهِ ...

هر گاه بر او جماعتی از قومش گذشتند او را استهزای کردند • خداوند گفت اگر ما را استهزا کنید بدرستی که ما نیز استهزا می‌کنیم همچنانکه استهزا می‌کنید پس زود است که بدانید •

رَبِّ لَا تَذَرُ ...

ای پروردگار من بر روی زمین از کافران هیچکس را - وامگذار •

لَمْ أَحْصِبِ النَّاسُ أَنْ ...

آیا پنداشتند مردمان که واگذاشته می‌شوند که بگویند ایمان آوردیم و ایشان امتحان کرده نشوند •

وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ ...

کفر کافران چیزی را نمی‌افزاید جز زیانکاری

وَاللِّي سَمَوْتُ أَخَاهُمْ ...

به سوی قوم نمود برادرشان صالح را فرستادیم • گفت ای قوم خدا را بپرستید • برای شما خدایی غیر از او

قَالُوا يَا صَالِحُ ...

گفتند ای صالح بدرستی که قبل از این در ما امید داشتی • آیا ما را نهی می‌کنی از اینکه بپرستیم آنچه را که پدران مامی پرستیدند و بدرستی که ما از آنچه می‌خوانی در شکیم •

لَوْ أَنْتُمْ بِالْبَيْضِ الْحَدِيدِ تَنْظُرُونَ ...

اگر شما با چشم تیزبین بنگرید و در سبیل رضای حق سالك شوید •

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ ...

و گفت مردی گرونده از کسان فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت آیا مردی را که می‌گوید پروردگار من خداست می‌کشید • در حالیکه برای شما بلایه‌ها از پروردگارش آورده است و اگر دروغگوی باشد پس دروغش بر اوست و اگر راستگو باشد به شما برسد برخی از آنچه را وعده می‌دهد • بدرستی که خداوند کسی را که اسراف کننده • دروغگو است، هدایت نمی‌کند •

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ *

همانا لعنت خدا بر گروه ظالمین باد •

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ ...

ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید و شما از شهادت دهندگان هستید •

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ ...

ای اهل کتاب چرا حق را به باطل می‌پوشانید و حق را پنهان می‌دارید در حالیکه شما می‌دانید •

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصَدُّونَ ...

بگو ای اهل کتاب چرا صدمی نمایید راه خداوند را

مَا يَخْلُمُ تَأْوِيلُهُ إِلَّا ...

تاویلش را بجز خداوند و نابستان در دانش نمی دانند

إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِيُوجِهَ ...

جز این نیست که شما را برای رضای خدا اطعام می کنیم
و از شما پاداشی و نه شکری نمی خواهیم

رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا ...

ای پروردگار ما بر ما مانده ای از آسمان نازل فرما

مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً ...

مثل کلمه پاک چون درخت پاکیزه ایست که اصلش
ثابتست و فرعش در آسمان است، داده میشود میوه اش
هر حین

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ...

آفتاب و ماه به حسابند

لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ ...

تا بیازماید شما را که کدام از کردار خوبترند

الصَّوْمُ ضِيَاءٌ وَالصَّلَاةُ نُورٌ *

روزه روشنایی است و نماز نور است

الإِسْلَامُ سَمَاءٌ وَالصَّوْمُ شَمْسٌ ... *

اسلام چون آسمانی است و روزه خورشید آن و نماز ماهش
است

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ ...

ابرار از جامی می آشامند که مزاج آن کافور است

قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ...

بگو خدا، پس ایشانرا بگذار تا بازی کنند

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا ...

بدرستی که آنها که گفتند پروردگار ما خداست سپس
پایداری کردند برایشان ملائکه فرود می آید

فَلَا اقْسِمُ بِرَبِّ ...

به پروردگار مشرق و مغرب قسم نمی خورم

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ...

آنگاه که آسمان بشکافت

الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدَرُهُ ... *

علم نور است که خداوند در قلب هرکس که بخواهد
می اندازد

يَوْمَ تَبْدَلُ الْأَرْضُ ...

روزی که زمین به غیر این زمین تبدیل کرده می شود

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ ...

چه بسا که گردیدن رویت را در آسمان می بینیم پس به
تو قبله ای عطا می کنم که آنرا می خواهی

فَوَلِّ وَجْهَكَ ...

رویت را به سوی مسجد الحرام بگردان

وَلَيْلَةَ الْمُشْرِقِ وَ...

همانا مشرق و مغرب برای خداست پس هرکجا روی آوری
آنجا وجه خداست .

حَمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ... *

گویا آنان خورهای رمنده‌اند که از شیر گریخته باشند .

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَأْتِمُرُونَ... *

همانا جماعت درباره تو مشورت می‌کنند تا ترا بکشند .

وَفَعَلْتَ فَعَلْتَكِ الْتِي... *

و عمل کردی عملت را که کردی (قتل نفس) و تسسواز
کافران هستی، گفت عمل کردم آنرا آن زمان و من از -
گمراهان بودم پس از شما فرار کردم چون از شما ترسیدم
پس پروردگارم بر من بخشید حکمی را و مرا از پیامبران
قرار داد .

يَا لَيْتَنِي مِتُّ... *

کاش من پیش از این مرده بودم و فراموش شده و از یاد
رفته بودم .

إِنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكَ بِبَيْحِي... *

خدا ترا مژده می‌دهد ببیحیی که تصدیق کننده کلمه حق
و بهتر و حضور و بیغمبری از شایستگان است .

لَا يَشْفِلُهُ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ... *

کاری او را از کاری باز نمی‌دارد .

كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

هر روزی او در مقامی است .

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ... *

روزی شما و آنچه وعده کرده می‌شوید در آسمان است .

الْأَسْمَاءُ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ... *

اسمها از آسمان نازل می‌شود .

لَمْ يَطْمِئِنُّوا... *

ایشان را پیش از این نه انسان و نه جنی لمس نکرده
است .

أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ... *

آیا پس هرگاه رسولی نزد شما آمد با آنچه که نفس‌هایتان
نمی‌خواهد سرکشی کردید . پاره‌ای را تکذیب نمودید و
پاره‌ای را می‌کشید .

يَوْمَ تَنْتَقِبُ السَّمَاءُ... *

روزی که آسمان به ابر شکافته می‌شود و ملائکه را فرو
می‌فرستیم فرو فرستادنی ... *

قَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ... *

گفتند این چه رسولی است که خوردنی را می‌خورد و در
بازارها راه می‌رود چرا بر او فرشته‌ای فرستاده نشد تا
همراه او بیم دهنده باشد .

إِذِ الْقَوْمُ قَالَُوا... *

و زمانی که شما را ملاقات کردند گفتند ایمان آورديم و
زمانیکه خلوت کردند سرانگشتان را از خشم بر شمس
گزیدند . بگو به سبب خشمناں بمیرید بد رستیکه خدا
به اسرار سینه‌ها آگاه است .

يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاقِفِهَا...

سخن را از جاهایش بر می گردانند.

وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُم...

بحقیقت گروهی از ایشان کلام خدا را می شنیدند پس آنرا تغییر می دادند بعد از آنکه آنرا دریافتند و ایشان می دانستند.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا...

پس وای بر کسانی که کتاب را با دستهایشان می نویسند و سپس میگویند این از نزد خداست تا بهای اندکسی بگیرند

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...

خدا نور آسمانها و زمین است.

وَيَأْتِي اللَّهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...

خدا ایاء دارد مگر آنکه نور خدا را تمام کند

وَيَبْدُوهُ مَلَكُوتٌ كُلُّ شَيْءٍ...

و به دست اوست ملکوت هر چیزی

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ...

آیا برای ایشان کافی نبود که کتاب را بر تو فرو فرستادیم

دَلِيلًا لِّأَيِّهَا هُدًى وَبَيِّنَاتٍ...

دلیل او آیاتش است و وجود او دلیل اثباتش می باشد.

لَيْسَ الْغَيْبُ عَلَى اللَّهِ...

نیست که رویهاتان را سوی مشرق و مغرب بگردانید ولیکن نیست کسی است که به خدا و روز باز

پسین کروید.

يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُحْكَمُ مَا يُرِيدُ *

خدا هر آنچه را که بخواهد انجام می دهد و هر آنچه را که بخواهد حکم می کند.

لَا تَدْرِكُهُ الْآبَاطُ...

دیدها او را در نیاید و او دیده ها را در می یابد و او باریک بین و آگاه است.

وَيُحْذِرُكُمْ اللَّهُ...

خدا شما را از خود می ترساند.

سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ...

رحمت خداوند بر همه چیز سبقت گرفته و رحمت من بر همه چیز سبقت گرفته

الْإِنْسَانُ سِرٌّ *

انسان سرمن است و من سر انسان

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي...

بزودی به ایشان آیات خود را در آفاق و نفسهایشان می نمایم.

وَفِي أَنْفُسِكُمْ...

آیا در نفسهایشان نمی بینید.

لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ...

مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش نمودند پس خداوند یاد نفسهایشان را بر آنها از بین برد

رَتَّلَكَ الرَّسُلَ فَفَلَّنا . . .

آنها پیامبرانی که بعضی را بر بعض دیگر افزونی دادیم

هُوَ الْغَالِبُ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ .

او غالب و رای بر همه چیز است .

رَبَّنَا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا

پروردگارا شنیدیم و اطاعت کردیم

* الْأَلْعَنَةُ لِلَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ .

لعنت خدا بر قوم ستمگران باد

سَمِعْنَا وَعَمِينَا

شنیدیم و عسبان و وزیدیم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ . . .

ای مردمان شما محتاج به سوی خداوند هستید و او

بی نیاز ستوده شده است .

لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ . . .

ایشان قلبی دارند که با آنها درک نمی کنند و چشمهایی

که نمی بینند.

ذُرُّهُمْ فِي حُوضِهِمْ . . .

رهاکن ایشان را تا در شغلست خویش بازی کنند .

* قُلْ أَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي . . .

آیا عوض کردید آنچه را که برای شما خیر است، چه بد

است آنچه را که به ناحق عوض کردید و شما بسیار زبان

دیده اید .

لَسَعْرَكَ إِنَّهُمْ لَفِي . . .

تسم به جانست . ایشان در مستیشان حیران هستند .

يَدَالِلِهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ .

دست خدا و رای دست ایشان است

أَوْ مَنْ كَانَ مِنَّا " . . .

آیا کسی مرده بود پس او را زنده کردیم و از برای او نوری

را قرار دادیم که با آن در بین مردم راه برود . مثل او

چون کسی است که در تاریکیهاست و به خارج راهی ندارد

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ . . .

آنان که به آیات خداوند و لقای او کافر شدند از رحمت

من نومید شدند و برای آنان عذابی دردناک است .

رَأَى جَنَدًا لَهُمْ . . .

بدرستی که لشکر ما از غالبان است .

الَّذِينَ يظنون أَنَّهُمْ . . .

کسانی که گمان می کنند پروردگارشان را ملاقات می کنند

و به سوی او برمی گردانند .

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا . . .

میخواهند که نور خدا را با دهنهایشان خاموش کنند و

خدا را با دارد مگر آنکه نور خدا را بگستراند اگر چه

کافران کراهت دارند .

قَالَ الَّذِينَ يظنون . . .

گفتند کسانی که آنها گمان می کردند ملاقات کنندگان

خداوند چه بسا گروه اندکی که بر گروه زیادی غالب

می آیند .

فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا...

کسی که امید ملاقات پروردگارش را دارد باید کارشایسته انجام دهد.

يُدِيرُ الْأَمْرَ بِفَضْلٍ...

امر را تدبیر می‌کند و آیات را بیان می‌کند تا شاید شما به دیدار پروردگارتان یقین یابید.

وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا...

هیچ چیز نیست مگر اینکه تسبیح خداوند را می‌کند.

وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا

هر چیزی را بمنزله کتابی قرار دادیم

السَّبِيلِ مَسْدُودٍ...

راه بسته و طلب رده شده است

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ...

خداوند اول و آخر و ظاهر و باطن است

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا...

آیا انتظار می‌برند مگر اینکه خداوند در سایبانهای از ابر بیاید.

وَتُرِيدَانِ يُعَذِّبَنَّ...

میخواستیم که بر آنان که ضعیف داشته شده بودند در زمین منت بگذاریم و ایشان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم.

بِمَحْوَالِهِ مَا يَشَاءُ...

خداوند آنچه را که بخواهد محو می‌کند و اثبات می‌کند و

و نزد او ام الكتاب است.

کتاب است نزد او

لَا تَفْرُقَ بَيْنَ...

بین هیچک از پیامبران او فرقی نیست.

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ...

امر ما امر واحد است.

أُولَئِكَ مُحَمَّدٌ وَأَخْرَجْنَا...

اول ما محمد و آخر ما محمد و وسط ما محمد است

إِنَّا وَجَدْنَا آيَاءَنَا...

ما پدرانمان را بر طریقهای یافتیم و ما بر اثرهایشان هدایت شدگانیم

كُلُّ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...

همه آن از فضل خداست آنرا به هرکس از خلائقش بخواهد، می‌دهد

كَشَفَ سُبْحَاتِ الْجَلَالِ

برداشتن سبحات جلال

يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ...

انگشتانشان را در گوشه‌هایشان قرار میدهند از بیم مردن

يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

ای قوم پیامبران را پیروی کنید.

أَفْتَوْهُمُ مِّنْ بَعْضِ...

آیا به بعضی از کتب ایمان می‌آورید و بعضی را تکفیر می‌کنید

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ .

بر شما چه وارد شده که اینگونه حکم می‌کنید و آگاه نیستید

وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ . . .

ولیکن رسول خدا و خاتم انبیاء است

وَلَوْ يَوَّهُدُ أَخَذُ اللَّهُ . . .

اگر خدا مردمان را مؤاخذه کند به سبب آنچه کسب کردند بر پشت آن هیچ جنیده‌ای نمی‌گذاشت ولیکن تا زمان نامبرده شده ایشان را به تأخیر می‌اندازد .

وَإِنَّ ذَلِكَ عَلَيْهِ . . .

و بدرستی که آن، برای او سهل و آسان است .

لَا يَسْتَلُ عَمَّا . . .

از آنچه انجام می‌دهد، سوا ال کرده نمی‌شود .

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ . . .

پس در آن روز از گناه انیس و جنتی پرسیده نشود

يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ . . .

گناهکاران به رویهایشان شناخته می‌شوند و به موهسای پیشانی و قدمهایشان گرفته می‌شوند .

وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى . . .

خداوند به سوی دارالسلام دعوت می‌کند و هر کس را که بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند .

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ . . .

برای آنان دارالسلام نزد خدایشان است او در آنچه که می‌کردند سرپرستانشان است

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا . . .

برگزیدیم برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر با بعضی خدا تکلم کرد و درجات بعضی را بلند کرد و به عیسی پسر مریم بیاناتی دادیم و به روح القدس مؤیدش داشتیم .

إِنِّي أَنَا اللَّهُ

من خدا هستم

مَا رَمَيْتَ إِذْ . . .

تو تیر نیانداختی آنگاه که تیر انداختی ولیکن خداوند تیر انداخت .

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ . . .

همانا کسانی که با تو بیعت کردند با خدا بیعت کرده‌اند

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا . . .

حضرت محمد پدر یکی از مردان شمانیست بلکه پیغمبر خداست .

هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ .

آن اوقاتی برای مردم است .

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ . . .

از تو درباره روح می‌پرسند بگو روح از امر پروردگار من است .

إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ . . .

بدرستی که درخت زقوم خوراک گناهکاران (اثیم) است

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ ۰۰۰

بچش همانا تو "عزیز و کریم" هستی.

وَلَا رَطْبٌ وَلَا ۰۰۰

تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتاب مبین (قرآن) موجود است.

وَالْبِلَادِ الطَّيِّبِ ۰۰۰

رستنیهای بلد پاک به اذن پروردگارش بیرون می آید و بلدی که ناپاک است از آن فقط اندکی بیرون می آید.

فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ ۰۰۰

از اهل ذکر بپرسید اگر شما نمیدانید.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا ۰

کسانی که در راه ما مجاهده کردند

لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۰

همانا آنها را به راه خود هدایت می کنیم

الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ ۰۰۰

آن کتاب معلوم است که شکی در آن نیست و برای

پرهیزکاران هدایت است.

فَالنَّارُ مَثْوَاهُمْ فِيهِمْ مَثْوَى الظَّالِمِينَ *

پس دوزخ جایگاهشان است و جهنم است جایگاه ستمکاران

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنْ ۰۰۰

پس بر ما پاره هایی از آسمان فرود آور

إِنَّ كَانَ هَذَا هُوَ ۰۰۰

اگر این حق است پس از نزد خودت بر روی ما سنگباری

از آسمان بباران

مَنْ الذِّينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ۰۰۰

کسانی که به آیات خداوند و دیدار او کافر شدند، ایشان از

رحمت من ناامید شدند و برای ایشان عذاب دردناکی است.

وَيَقُولُونَ أَأَنْتَ ۰۰۰

ومی گفتند آیا هر آینه ما می توانیم ترك كنيم خدایان

خود را برای شاعری دیوانه

أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ ۰

خدا او را به وسیله علمش گمراه کرد.

إِنَّهُ بِعِبَادِهِ ۰۰۰ *

همانا او نسبت به بندگانش بخشنده و مهربان است.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ ۰۰۰

بگو ای اهل کتاب آیا از ما ناخوش میدانید. جز اینست

که ما به خدا و آنچه بر ما فرو فرستاده شد و آنچه از قبل

فرو فرستاده شده بود ایمان آوردیم در حالیکه بیشتر شما

از فاسقین هستید.

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا ۰۰۰

و اگر بر تو کتابی را در کاغذی (کتاب به حجم يك ورق)

فرستاده بودیم آن را به دستهایشان می مالیدند و آنان

که کافر شدند، می گفتند این نیست مگر جادویی آشکار.

فَقَالَ الْجَلَاءُ الذِّينَ كَفَرُوا ۰۰۰

پس گروهی از قوم او که کافر شدند گفتند، ترا نمی بینیم

بجز انسانی مثل ما و نمی بینیم که از تو پیروی کنند مگر

کسانی از ما که در مبداء اندیشه فرو مایه اند و در شما

فضلی نسبت به خودمان نمی بینیم بلکه فکر می کنیم

شما از دروغگو یانید.

<p>وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ... کسیکه از ذکر من اعراض کرد همانا جایگاه تنگی برای او مقرر است</p>	<p>وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ... بزودی آنان که ستم کردند خواهند دانست که به کدام جای بازگشت برمی گردند.</p>
<p>توجه: ۱- ترجمه آیات فوق عیناً " از قرآن کریم نقل شده است و عزیزان می توانند تبیینات امر مبارک را در موارد ضروری با مراجعه به منابع امریه فراگیرند. ۲- مواردی که با علامت (*) مشخص شده است از آیات قرآنیه نمی باشد.</p>	<p>فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ... اگر از راستگویی تمنا می کرده باشید وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ... و تعداد اندکی از بندگان من شاکرند</p>
<p>توضیح مربوط به شخص اَعْوُرُ / ص ۲۷ در کتاب قاموس ایقان ج ۴ / ص ۱۷۹۱ نوشته شده است (اجتناباً از منظور محمد کریم خان کرمانی است) اما اخیراً پس از استفسار از معهد اعلی ، پاسخی که داده شده تحقیقات عنایت فرموده اند دال بر این است که منظور از "شخص اَعْوُرُ" "سید محمد اصفهانی" است</p>	<p>فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ... ای صاحبان بصیرت پند و عبرت گیرید. ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ... آن از فضل خداست آنرا به هر کس که بخواهد، می دهد. فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ... استقامت کن، چنانچه امر شده ای يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ... روزی که داعی به سوی چیز ناخوشایندی دعوت می کند</p>
<p>صفحه ۲ سطر ۳. اُمْكِنَهُ نَسَطَ اسْتَأْمِنَهُ صَحِيحٌ اسْتَأْمِنَهُ لَطْفًا. اصلاح بفرمائید</p>	<p>أَمْ تَحْسَبُ... آیا می پنداری که بیشتر آنان می شنوند یا می فهمند، ایشان بجز چهارپایان نیستند بلکه راه ایشان گمراه تر است. وَمَنْ يَفْشُ عَنْ... وکسیکه از ذکر خداوند اعراض کند بر او شیطان را می گماریم و شیطان قرین اوست.</p>